



پوهنتون اسلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معیین امور علمی

تفاوت شرکت‌های مدنی و تجارتي در روشنی فقه و قانون (رساله ماستری)

محقق: وحیدالله امین

استاد رفقا: دوکتور نجیب الله صالح

سال: ۱۳۹۹ هـ.ش - ۱۴۰۱ هـ.ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

تفاوت شرکتهای مدنی و تجارتي در روشنی فقه و قانون (رساله ماستری)

محصل: وحیدالله امین

استاد رهنما: دوکتورنجیب الله صالح

سال: ۱۳۹۹ هـ. ش - ۱۴۴۱ هـ. ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترم و حیدالله ولد حمیدالله ID: SH-MSF-98-586 نمبر محصل دوره فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تفاوت شرتهای مدنی و تجارتی در فقه و قانون به روز شعبان تاریخ ۱۳۵۱/۱۱/۱۴ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۶ (نمره به عدد) خوارش (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد یونس ابراهیمی	عضو هیات	
۲	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۳	دکتور نجیب الله صالح	استاد رهنا و رئیس جلسه	

معاون علمی

آمر بورد ماستری

اهـداء

به پدر و مادر که محبت تعلیم، تحصیل و مسؤولیت پذیری را از طفولیت برایم آموختند.
به تمام فامیلم که رنج سالهای تحصیل را متحمل شدند.
و همواره بنده را تشویق و ترغیب برای کسب علم نموده اند.
به خانم زحمت کش و نهایت پرتلاش ام که در دوران تحصیل همراه بنده زحمات زیادی را
متقبل گردیده است.
به تمام استادان معزز و محترمی که در طول زندگیم من را در عرصه علم و دانش یاری نمود
ند و دریچه های شب آلود ذهنم را به نور آگاهی روشنی بخشیدند، و برای بنده راه سعادت و کمال
را رهنمایی نمودند.

وحیدالله امین

سال ۱۴۰۱

سپاسگزاری

سپاس الله متعال را که برایم توفیق عنایت فرمود تا تحقیق خویش را حسب توان بندگی پیرامون تفاوت شرکتهای مدنی و تجارتي در فقه و قوانین افغانستان به پایان برسانم.

از استاد گرانقدر محترم دکتور نجیب الله «صالح» صمیمانه تشکر مینمایم که در نگارش این پایان نامه تجارب و اندوخته های ارزنده خویش را در اختیارم قرار داد، همچنان با حوصله مندی تمام و با لطف و مهربانی من را در جریان تحقیق و تهیه این اثر، با رهنمایی های بی نظیر خویش یاری فرمود، در واقع رهنمود های گهر بار وی بود که بر غنای مندی این اثر افزود.

همچنان از استادان فرهیخته و ارجمند مناقش و داور هر یک دکتور محمد یونس "ابراهیمی" و استاد وزیر محمد سعیدی نیز سپاسگزارم که با حوصله مندی تام وقت گذاشته اثر بنده را با دقت مطالعه نموده و بنده را متوجه اشتباهاتم ساختند، از ایشان نهایت ابراز امتنان می نمایم که آینه گونه نقص و عیب های که در اثر وجود داشت به رخ بنده کشیدند که اقدام به رفع آنها گردید.

از همسر مهربان و عزیزم که در جریان تحقیق نتواسته ام مکلفیت خویش را در قبال آنان آنچنان که حق داشتند بدرستی ادا نمایم و در طول این مدت آنان دچار مشکلات و مشقت ها گردیده اند، سپاس گزارم، در عوض برایشان از خداوند اجر و پاداش خواهانم. در نهایت از الله منان استدعا دارم، عمل ناچیز بنده را که بهد ف رضا یتش انجام شده به درگاهش قبول نموده و آنرا توشه جهت سفر آخرت مان بگرداند. آمین.

چکیده

تفاوت شرکتهای مدنی و تجارتي یعنی اینکه میان شرکتهای مدنی و تجارتي یک سلسله تفاوت های وجود دارد، به عباره دیگر شرکتهای مدنی و تجارتي در اصل باهم یکی نبوده و تفاوت های دارند، خصوصاً بعد از آنکه شرکتهای تجارتي رشد و توسعه ای زیاد یافته اند. فهم این موضوع از ملحوظات مختلف بسیار مهم میباشد.

در این بحث ابتداء شرکتهای بشکل عام از منظر فقه و قوانین به بررسی و مطالعه قرار گرفته، سپس اقسام شرکتهای در فقه اسلامی و قوانین کشور واضح گردیده، بعد از آن ترکیب روی اصل و نفس موضوع (تفاوت شرکتهای مدنی و تجارتي) از منظر فقه اسلامی و قوانین داخلی مورد پژوهش قرار گرفته است. تفاوتهای عمده را میتوان بشکل مختصر این چنین اشاره نمود؛ تفاوت ها بشکل عمده بدو بخش تقسیم گردیده اند؛ اول تفاوت های شکلی که شامل تفاوتهای تشکیلاتی و اداری، از لحاظ مسولیت ها، رسیدگی دعوی، وسایل اثبات، محاکم جداگانه و تفاوتهای حل اختلافات که شامل مصالحه تجارتي، حکمیت و میانجیگری میشوند.

دوم تفاوتهای ماهوی و اساسی است که شامل تفاوت از لحاظ اهداف، موضوع، عنوان، دفاتر، نماینده های فروش، امتیازات، علایم، میباشد، که در مورد هر کدام با تفصیل بحث گردیده است.

در این پژوهش تلاش صورت گرفته تا با واقع گرایی بحث همه جانبه پیرامون شرکتهای مدنی و تجارتي از نگاه فقه و قوانین داخلی صورت گیرد. واژگان کلیدی: تفاوت شرکتهای فقه و قانون، مدنی، تجارتي.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	الف بیان موضوع
۱	ب:- اهمیت و ضرورت تحقیق
۲	ج:- اسباب اختیار موضوع
۲	د:- سوالات تحقیق
۳	ه:- سوابق تحقیق
۳	و:- روش تحقیق
۴	ز:- اهداف تحقیق
۵	ح:- مشکلات تحقیق (محدودیت های تحقیق)
۵	ط:- پلان تحقیق (ساختار تحقیق)

فصل اول

۶	مفاهیم و کلیات
۶	مبحث اول مفهوم شرکت
۷	مطلب اول تعریف شرکت
۹	مطلب دوم مشروعیت شرکت
۱۴	مبحث دوم ارکان شرکت
۱۴	مطلب اول در فقه اسلامی
۱۷	مطلب دوم ارکان عقد در قانون
۲۱	مبحث سوم تاریخ شرکت
۲۱	مطلب اول پیدایش شرکت در جهان
۲۴	مطلب دوم تاریخ شرکتها در افغانستان

فصل دوم اقسام شرکت در فقه اسلامی

۲۶	مبحث اول شرکت شرکت در فقه اسلامی
۲۷	مطلب اول شرکت املاک
۲۹	مطلب دوم شرکت عقود
۳۱	مطلب سوم شرکت اموال

۳۳	مبحث دوم انواع شرکتهای در قانون
۳۳	مطلب اول شرکت مدنی
۳۵	مطلب دوم شرکتهای تجاری
۵۰	مطلب سوم مقایسه شرکت ها در فقه و قانون افغانستان
فصل سوم تفاوت های شرکت های مدنی و تجاری	
۵۲	مبحث اول شرکتهای مدنی
۵۳	مطلب اول ماهیت شرکتهای مدنی
۵۵	مطلب دوم اهمیت شرکتهای مدنی
۵۶	مطلب سوم ویژگیهای شرکتهای مدنی
۵۸	مبحث دوم شرکتهای تجاری
۵۸	مطلب اول ماهیت شرکتهای تجاری
۵۹	مطلب دوم اهمیت شرکتهای تجاری
۶۰	مطلب سوم ویژگی های شرکت های تجاری
۶۳	مبحث سوم:- تفاوت شرکت های مدنی و تجاری
۶۳	مطلب اول معیار تفکیک
۶۳	مطلب دوم فواید تقسیم بندی
۶۵	مطلب سوم تفاوتهای ماهوی
۸۰	مطلب چهارم تفاوتهای شکلی
۱۰۱	نتیجه گیری
۱۰۳	پیشنهادات
۱۰۴	فهرست آیات قرانکریم
۱۰۵	فهرست احادیث شریف
۱۰۶	فهرست اعلام
۱۰۸	مراجع و مصادر
۱	Summary of Research

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين . أما بعد :

پروردگار متعال میفرماید:

« قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا» (۱)

ترجمه: گروه دیگری گفتند: پروردگارتان بهتر (از همه) می داند که چقدر در خواب بوده‌اید و در اینجا مانده‌اید. (یکی پیشنهاد کرد و گفت: سکه‌ی نقره‌ای را که با خود دارید به کسی از نفرات خود بدهید و او را روانه‌ی شهر کنید، تا برود و ببیند کدامین (فروشنده‌ی) ایشان غذای پاک تری دارد، روزی و طعمی از آن برایتان بیاورد. اما باید نهایت دقت را به خرج دهد و هیچ کس را از حال شما آگاه نسازد. (۲)

الف بیان موضوع

تفاوت شرکتهای مدنی و تجارتي از موضوعاتی است که از اوایل تاریخ این شرکت ها مطرح بوده است. با رشد تجارت در قرن بیستم توجه زیادی به شرکتهای تجارتي معطوف شد، تغییراتی زیادی هم در فعالیت های این شرکتها و در شکل و مسایل دیگر مربوط این شرکتها بوجود آمد.

در شرکت های تجارتي (**Commercial Companies**) سرعت عمل، اعتماد میان تاجران، افلاس تاجر، مسولیت های چون داشتن دفاتر تجارتي، داشتن کتابهای تجارتي، محاکم وقوانین جداگانه وحتی اسناد متفاوت در دعوی و سایر امتیازاتی ضروری بود بوجود آمد، که میان شرکت های مدنی و تجارتي تفاوت زیادی بمیان آمد که دانستن آن برای تمام قشر باسواد خصوصا متخصصین لازم و مفید میباشد.

ب:- اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این موضوع برمیگردد بر نتایج تفاوت میان تاجر و غیر تاجر و مسایل واحکام مربوط آنها که قرار ذیل توضیح میگردد.

^۱ الکهف، آیه ۱۹

^۲ حسن، محمود، ترجمه تحت الفظی قرآنکریم، آیه ۱۹ و ۲۰ الکهف، ص ۲۹۵، انتشارات احسان، ۱۳۹۲ . محمود حسن دیوبندی مشهور به شیخ الهند، محدث هندی صاحب تفسیر کابلی، اولین شاگرد با طلبه مدرسه دیوبند در سال ۱۲۶۸ در بریلی هند متولد شده ودر سال ۱۳۳۹ ق دردهلی از دنیا رفت وی از شاگردان (قرآنکریم، ترجمه تحت اللفظی، مولانا محمود حسن (شیخ الهند) ص ۶۰۹)

- ۱) شرکتهای تجارتي تابع قوانین افلاس اند، زمانیکه دیون آنها زیاد گردد، اما شرکتهای مدنی تابع چنین قوانین شده نمیتوانند.
- ۲) شرکتهای تجارتي التزاماتی دارند مانند : دفاتر تجارتي، اخذ اسم تجارتي ، کتابهای تجارتي...و غیره ، اما شرکتهای مدنی دارای چنین امتیازی نمیباشند.
- ۳) مرور زمان در شرکتهای مدنی ۱۵ سال ولی در شرکتهای تجارتي ۵ سال میباشد.
- ۴) محاکم شرکتهای مدنی محاکم مدنی و از شرکتهای تجارتي محاکم تجارتي است.
- ۵) قوانین شرکتهای مدنی و تجارتي کاملاً جدا گانه است .
- ۶) در شرکتهای مدنی شرکاء مسولیت تضامنی ندارند، اما در شرکتهای تجارتي مسولیت شرکاء مسولیت تضامنی میباشد.

ج:- اسباب اختیار موضوع

در هر تحقیق چند عامل عمده برای تحقیق وجود دارد، اول سوال تحقیق و رسیدن به پاسخ آن است، دوم اهمیت موضوع تحقیق باعث میگردد محقق قدم به تحقیق بگذارد، سوم ذوق محقق که عمده ترین عامل در انتخاب عنوان تحقیق است، بر همین ملحوظ اسباب که باعث اختیار این موضوع گردیده است عبارت اند از:

1. نبود یک بحث جامع و مانع در مورد تفاوت شرکت های مدنی و تجارتي.
2. علاقه مندی شخصی ام به تحقیقات در مورد شرکتهای مدنی و تجارتي بخصوص تفاوت شرکتهای مدنی و تجارتي.
3. کمبود معلومات درین مورد برای اهل تخصص خصوص اشخاصیکه با مسایل مسلکی مثل قضاء خارنوالی و وکالت دفاع سروکار دارند، و بشکل عموم برای اهل دانش.

د:- سوالات تحقیق

عمده ترین سوالاتی که باعث تحقیق این رساله گردیده و اساس این تحقیق را تشکیل میدهد بشکل سوالات اصلی و فرعی قرار ذیل تقسیم میگردد:

الف:- سوالات اصلی

- تفاوت میان شرکت های مدنی و تجارتي در قوانین افغانستان چیست؟
- ضرورت و اهمیت تقسیم شرکتهای مدنی و تجارتي چیست؟

ب-: سوالات فرعی

➤ علت جدایی شرکتهای مدنی و تجارتي از هم چي بوده است؟

➤ ماهيت شرکتهها در فقه اسلامي وقوانين افغانستان چيست؟

ه-: سوابق تحقيق

در مورد شرکتهای مدنی و تجارتي به سطح بين المللی تحقیقاتی زیادی صورت گرفته است، اما از انجاييکه تفاوت شرکتهای مدنی و تجارتي نظر به قوانين کشورها خصوصاً کشورهاي اسلامي متفاوت است بناء تحقیقات شان نیز متفاوت میباشد. در سطح یک تعداد کشورها این موضوع حقوقی بوده و جنبه فقهی ندارد، در سطح کشورهای اسلامي جنبه های فقهی مشابه ولی جنبه های قانونی متفاوت دارند، در سطح داخلی نیز تحقیقاتی انجام شده است اما جنبه های حقوقی فقهی آنها کافی، جامع و مقایسوی نمیباشند. بطور نمونه کتاب حقوق تجارتي از ستانکزی و ناصح است، در مورد تفاوت های شرکت های مدنی و تجارتي بحث گردیده است، این بحث فقط محدود به تعریف شرکتها بوده، چیز بیشتر در آن وجود ندارد، تحقیق دیگر تحت عنوان حقوق تجارتي از غلام محمد حنفی است که در فصل دوم آن نیز راجع به تفکیک معاملات تجارتي و اهمیت تفکیک معاملات تجارتي و مدنی بحث نموده است، در مورد تفاوتها، عمده میان شرکتهای مدنی و تجارتي چیزی وجود ندارد.

و-: روش تحقيق

جریان پیش بینی شده در روند تحقیق کتابخانه ای و روش تحقیق تحلیلی، توصیفی، ترجیحی و ارزیابی مقایسوی بین متون فقهی و قانونی خواهد بود.

نکاتی عمده که در روش تحقیق اصولاً مراعات میگردد قرار ذیل است:

- ۱) تقسیم بندی مطالب، از فصل آغاز سپس به مبحث، گفتار، جزء، الف- با... به پایان میرسد.
- ۲) اولاً شرح شرکتهای مدنی و تجارتي و سایر مسایل مربوط فقه اسلامي بشکل عموم، ثانياً در چهار چوب قوانين افغانستان شرح خواهد شد.
- ۳) در تبیین وصف فقهی نظریات فقهاء اربعه را بیان خواهیم نمود، در موارد قانونی مواد قانونی و یا در صورت موجودیت متحد المال^۲ های سترمحکمه، در صورت موجودیت نظر راجح

^۲ متحد المال: در اصطلاح معارف قضایی عبارت از سندبست که طی آن تجویز مقام ذیصلاح ستره محکمه در زمینه توضیح، تفسیر و توجیه قوانین و رویه های قضایی ابلاغ میگردد. (مجموع متحد المالها، مصوبات ورهنمود های ستره محکمه ج.ا.ا، ص ۱۳)

انرا با دلایل ان بیان میداریم ، در صورتیکه نظر راجح موجود نباشد آراء فقهاء را نقل خواهیم کرد.

۴) در استناد موضوعات حد الامکان کوشش خواهد شد تا از مصادر اصلی و یا امهات المصادر بادر نظر داشت مسایل فقهی و حقوقی استفاده صورت خواهد گرفت.

۵) در تخریح احادیث مبارک تنها از یک کتاب معتبر اکتفاء خواهیم نمود، در ضمن تخریح بجز از احادیث صحیحین درجه صحت و سقم احادیث نیز بیان خواهد شد.

۶) در ترجمه آیات مبارک از ترجمه جدولی قرانکریم عبد الله خاموش هروی و ترجمه فتح الرحمن از شاه ولی الله دهلوی استفاده خواهیم نمود، در ترجمه احادیث و متون فقهی از کتب لغت و شروح احادیث و در ذکر تعریفات غیر متون شرعی ترجمه فارسی آنرا بدون ذکر نص بیان خواهیم نمود.

۷) چون موضوع فقهی و حقوقی است بناء در تحلیل و استنباط موضوعات به آیات مبارک قرانکریم، احادیث شریف و آثار صحابه و دلایل عقلی استناد خواهیم نمود وهم چنان از منابع حقوقی انگلیسی، عربی و فارسی استفاده خواهیم نمود .

۸) درین تحقیق شرکتهای در فقه و قوانین افغانستان مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۹) ذکر منابع بشکل پاورقی میباشد نه بشکل درون متنی و در پاورقی ابتدا از اسم آغاز میشود، اما ذکر منابع در خیر بحث اول از تخلص آغاز خواهد شد.

۱۰) در ذکر موضوعات و منابع از ذکر القاب علمی و تشریفاتی جلوگیری خواهد شد.

ز:- اهداف تحقیق

تفاوت میان شرکتهای مدنی و تجارتي در سطح ملی و بین المللی بگونه چشمگیری بحث شده اند، محاکم آن در تعدادی از کشورها نیز بصورت جداگانه میباشد، در دعاوی نیز بقدر کافی مستعمل میباشند، به همین خاطر تحقیقات زیادی پیرامون آن گردیده است، بناء تفاوت میان شرکتهای مدنی و تجارتي در ذات خود واضح و آشکار میباشند.

اما از آنجاییکه قوانین کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی در مورد شرکتها یکسان نبوده و متفاوت میباشد این مسله را پیچیده نموده است و بنیاد جنبه های مختلف این موضوع در کشورهای مختلف اسلامی خصوصاً افغانستان واضح نبوده و تقاضای تحقیقات را مینماید، ازینرو میباید درمورد جنبه های فقهی و قانونی بخصوص در افغانستان در یک تحقیق جامع و مانع واضح گردید که اینک به توفیق خداوند متعال این جنبه ها را واضح خواهم ساخت.

ح:- مشکلات تحقیق (محدودیت های تحقیق)

زمانیکه بحث مشکل تحقیق مطرح میگردد، دوقضیه مطرح بوده قابل بحث است: اول مشکل در نفس موضوع : یعنی مشکل که پای یک تحقیق بکر و جدید را جهت تحقیق ، توضیح ، تبیین و حل آن را میکشاند.

دوم؛ مشکلات سد راه محقق : باید یاد آور شد که موانع و مشکلات برای کسانیکه میخواهد در کشور چون افغانستان تحقیق نمایند بسیار است، مشکلاتی که بنده در راستای تحقیق این رساله مواجه شدم، نخست وقت کافی برای تحقیق در اختیار نداشتم، تا به فکر آرام به آن پردازم، دوم، نبود فضای آرام و اکادمیک برای مطالعه و تحقیق ، سوم نداشت منابع لازم برای تحقیق، چهارم، عدم منابع مالی و هم چنان عدم منابع داخلی و کافی برا تحقیق .

ط:- پلان تحقیق (ساختار تحقیق)

این تحقیق شامل سه فصل است، که فصل اول این تحقیق در مورد کلیات میباشد، مفهوم شرکت، ارکان شرکت، مشروعیت شرکت، و تاریخ شرکت در جهان و در افغانستان، میباشد. فصل دوم انواع شرکت میباشد، مبحث اول انواع شرکت در فقه اسلامی، بامطالب، شرکت املاک و شرکت عقود بحث گردیده است. مبحث دوم انواع شرکت در قانون، با مطالب شرکت های مدنی و شرکتهای تجاری با موضوعات چون شرکتهای تضامنی، مختلط، سهامی بحث گردیده است. فصل سوم تفاوت شرکتهای مدنی و تجاری میشود. مبحث سوم تفاوت شرکتهای مدنی و تجاری، مطلب اول علل جدایی مطلب دوم تفاوتهای عمده شرکتهای مدنی، تفاوت شرکتهای تجاری با موضوعات چون، تفاوتهای شکلی و ماهوی، در اخیر نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست اعلام خلاصه بحث به انگلیسی و منابع و ماخذها به پایان میرسد.

فصل اول

مفاهيم و کلیات

مبحث اول مفهوم شرکت

درین مبحث موضوعات به شکل کلیات بحث خواهد شد، تعریف شرکت، در فقه اسلامی و هم چنان در قانون افغانستان.

مطلب اول تعریف شرکت

الف شرکت در لغت: در لغت مصدر از فعل ثلاثی شَرِكُ شَرِكًا و شَرِكَةً، گرفته شده که بمعنی اختلاط یا یکجاشدن دو شریک یا یکجا شدن دو مال.^(۴) هم چنان شرکت در معانی دیگر چون اختلاط و امتزاج، اطلاق آن بر نفس عقد شرکت نیز آمده است، زیرا عقد سبب اختلاط میباشد، گفته شده که این اطلاق اضافت بیانی است یا اطلاق مجازی است و این اضافه نمودن از قویترین اضافات گفته میشود^۱ هم چنان درین مورد از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) روایت شده است که میفرماید (الْمُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: فِي الْمَاءِ وَالْكَأْلِ وَالنَّارِ)^(۵)

آنچه در فوق گذشت، اینرا میرساند که برای شرکت از لحاظ لغوی دو معنی است، یکی مطلق اختلاط از هر چیز و یا شرکاء و یا غیر شرکاء، دوم عقد.

کلمه شرکت در قرانکریم در جاهای زیادی آمده است که بشکل نمونه یاد آوری خواهیم نمود: سوره ص (۲۱-۲۴) (أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ) (۶)

در احادیث رسول الله صلی الله وسلم نیز کلمه شرکت وارد شده و پیامبر صلی الله آنرا تایید نموده اند: **«وَعَنْ أَبِي خِرَاشٍ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: - الْمُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي الْمَاءِ وَالْكَأْلِ وَالنَّارِ»** (۷)

شرکت در اصطلاح: فقهای کرام در مورد شرکت تعاریف مختلفی ارائه نموده اند که از باب اختصار یکی آنها را انتخاب مینماییم.

علمای احناف شرکت را چنین تعریف مینمایند: شرکت عبارت از اختصاص دو شی یا بیشتر در محل واحد میباشد.^(۸) معنی لغوی در معنی اصطلاحی شامل میباشد، بناء شرکت در فقه اسلامی

^۴ المحيط فی اللغة، ج اول، ص ۱۶۹، ۱۴۱۴، عالم الکتب، بیروت.

^۵ سنن ابی داود، ابن ابی داود ابو عبدالله بن سلیمان، سجستانی، ابواب الاجاره، باب فی منع الماء، شماره ۳۴۷۷. حافظ ابوداود با نام کامل ابو داود سلیمان بن الأشعث بن اسحاق بن بشیر بن شداد بن عمران الأزدی السجستانی (۲۰۲ - ۲۷۵ هـ.ق) معروف به امام حافظ ابوداود، در سال ۲۷۵ در بصره وفات نموده است، او از جمله امامان حدیث میباشد. کتب متعدد در فقه، تفسیر و حدیث تألیف نموده که مشهورترین آن سنن ابی داود است. (الزهد لابی داود، السجستانی، ج ۱، ص ۲۲۵، طبع اول، ۱۴۱۴، ناشر دارالمشکاه / الشامله)

^۶ القلم، آیه ۴۱

^۷ سنن ابی داود، ابواب الاجاره، باب فی منع الماء، شماره ۳۴۷۷، ۲۷۵ هـ، المعارف، الرياض.

وقوانین وضعی بدون عقد و اختلاط اموال محقق نمیشود، پس شرکت در مال یا بکار انداختن آن و یا هم هر دوی آن یا هم به اعتبار دو شریک حاصل میگردند، بناء مردم گاهی در اموال خاص خودشان و گاهی در اموال عامه، شریک میگردند، این شراکت گاهی اختیا ریست و گاهی هم جبری مانند میراث میباشد، لذا فقهاء شرکت راسه نوع تقسیم نمودند، اول شرکت ملک که قانون وضعی آنرا (شیوع) مسمی نموده است، دوم شرکت اباحت که مردم در ملکیت عام در آن شریک اند، و سوم شرکت عقد است که با رضایت و استقلالیت جانبین در عقد تکمیل میشود، قانون وضعی با فقه اسلامی در تقسیمات شرکت ها موافق نبوده و از میان شرکت های یاد شده تنها شرکت ملک و شرکت عقد را برسمیت میشناسد که در صفحات بعدی تفصیلا مورد بحث قرار خواهد گرفت^(۹)

مجله الاحکام: شرکت در اصل عبارت است از اختصاص بالاتر از یک در یک شی و داشتن امتیاز در آن، مگر در عرف و اصطلاح عقد شرکت عبارت است از سبب همین اختصاص^{۱۰}.

ب:- تعریف قانونی شرکت

در مورد تعریف شرکت قوانین بین المللی و قوانین داخلی کشورها بسیار نزدیک میباشد، زیرا شرکت یک اصطلاح متداول میان همه کشورها در همه ازمنه ای تاریخ بوده و همه آنرا بکار برده اند، زیرا هدف از شرکت انجام اعمال جمعی بوسیله تعدادی از اشخاص که دو و یا بالاتر از دوفتر باشند انجام میشود، این هدف در همه کشورهای جهان یکسان بوده و کدام تفاوتی در آن دیده نمیشود. قوانین افغانستان با پیروی از فقه اسلامی شرکت را چنین تعریف نموده است:

ب : قانون مدنی: شرکت عبارت از عقدیست که بموجب آن دو یا بیشتر از اشخاص تعهد مینمایند، تادر بکار انداختن یک فعالیت مالی به پرداخت مقدار مال یا انجام عمل یا اعتبار طوری سهیم شوند که مفاد و خساره به اساس موافقه که بین آنها صورت گرفته، توزیع گردد.^(۱۱)

با در نظر داشت تعاریف فوق میتوان گفت که شرکت در فقه اسلامی و قوانین افغانستان بسیار باهم نزدیک و مشابه میباشد، زیرا از یک منبع سرچشمه گرفته اند.

^۸ درالمنتقی، علاء الدین الحسکفی، ج ۱ ص ۷۱۴، دارالکتب العلمیه بیروت، ۱۱۵۱ هجر.. محمد بن علی بن محمد الحسینی معروف به علاء الدین الحسکفی متولد ۱۰۲۵ هجری در دمشق سوریه اصلا از حصن ترکیه میباشد. از جمله فقهای بزرگ حنفی تالیفات زیادی دارد از جمله درالمنتقی، درالمختار میباشد، وی در سال ۱۰۸۸ هجری درگذشته است. (الشامله)
^۹ همان منبع ص ۴۹۹ (برای معلومات بیشتر به منبع مراجعه گردد)
^{۱۰} مجله الاحکام العدلیه، ج ۱، ماده ۱۰۴۵، علی حیدر، دارالعالم الکتب، ۱۴۲۳.
^{۱۱} قانون مدنی افغانستان، کتاب دوم، فصل سوم، ماده ۱۲۱۶ سال، ۱۳۵۵

مطلب دوم مشروعیت شرکت

شریعت اسلامی منحیث نظامی کامل و شامل الهی، برای تمام نیازمندی های بشر برنامه دارد، به اساس قاعده (الاصل فی الاشیاء الاباحه)^(۱۲) یعنی اصل در اشیاء اباحت و جواز میباشد، شرکت نیز از مباحات بحساب میاید، مگر اینکه بعضی از آنها مشکلاتی داشته باشند که اختلاف فقها در بعضی آنها میباشد، اما بشکل عمومی شرکت یک وسیله مباح و جایز است، زمانیکه اسلام ظهور نمود، مردم باهم بر اساس شراکت کار و بار داشتند، پیامبر(صلی الله علیه وسلم) نه تنها که آنرا تایید نمود، بلکه خود نیز منحیث شریک درچندین معامله با اصحاب کرام معاملاتی انجام داده است، که در بحث فوق مفهوم شرکت تعدادی از احادیث مبارکه را ذکر نمودیم. بناء اساس شرکت در شریعت اسلامی مباح بوده که در ذیل این موضوع را بیشتر به بحث میگیریم.

خداوند سبحان (جل جلاله) چونکه خالق ماست به احتیاج و ضرورت ها وهم چنان ضعف ها و قوت های ما عالم است، او انسان را مدنی الطبع خلق نموده است، که در معاملات زندگی اجتماعی هر یک به دیگری نیاز مند میباشدند، خداوند حکیم با علم و حکمتش تمام ابواب خیر و طرق رشد را برای انسان باز نموده و انسان را تشویق نموده تا خود را به مدارج عالی برساند، ازین ابواب یکی هم باب فعالیت های تجارتي خصوصا از طریق شرکت، که مردم باهم انجام میدهند میباشد، نه تنها الله متعال این باب را باز بلکه آنرا تشویق نموده و حمایتش را از شرکاء اعلان نموده است تا بندگان با خاطر آرام بدان پرداخته کامیابی های عظیم را بدست آورند، شرکت در حقیقت نوعی تعاون درخیر با همنوع خود میباشد، و باین فعالیت راه سعادت مادی و معنوی جامعه نیز باز میشود.

به همین منظور است که خداوند(جل جلاله) به تمام مسلمانان امر مینماید، که در امر خیر همیشه باهم همکار باشند، چنانچه میفرمایند (وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى) (۱۳).

از زبان پیامبرمان (صلی الله علیه وسلم) نیز چنین روایت شده است (الله متعال میفرماید: (عن أبي هريرة رفعه قال: إن الله يقول: أنا ثالث الشريكين ما لم يخن أحدهما صاحبه، فإن خانه خرجت من بينهما.)^(۱۴)

مفهوم حدیث مبارک اینست که، الله متعال میفرماید، من در معیت، مساعد و کمک شرکاء هستم، و بر ایشان برکت خواهم انداخت تا زمانیکه صداقت خود را حفظ نمایند.

^{۱۲} القواعد الفقهية وتطبيقها في المذاهب الاربعه، الزحيلي، ج ۱، ص ۱۹۰، ۱۴۲۷ دارالفکر - دمشق

^{۱۳} المائده، آیه ۲

^{۱۴} سنن ابی داود، ابن ابی داود ابو عبدالله بن سلیمان، سجستانی، کتاب البیوع، باب فی الشریکه، (۳۳۸۳)، ۱۴۱۷ هـ، المعارف - الرياض

از فواید شرکت پیشرفت تجارت و فروع صنایع مختلف و وسایل رشد ثروت میباشد، هکذا رفع حاجت انسانی که بشکل مستمر نیاز دارد، خلاصه شرکتهای فواید بیشماری دارند که نظام و مصالح زندگی اجتماعی را انتظام می بخشد که در آن مصالح فقیر و غنی، مالک و مملوک و بالاخره همه احاد ملت که بدون آن زندگی بچالش مواجه شد تنظیم میشود.^(۱۵)

از آنجاییکه فعالیت شرکتهای در تمام ساحات زندگی کاربرد دارد و میتواند کمک زیادی برای رفع نیازمندی مردم انجام دهد و اقتصاد عمومی را رشد دهد، این امر از لحاظ شرع مقدس عبادت بزرگ محسوب میشود، زیرا رفع نیازمندی مردم از مقاصد شریعت اسلامی میباشد، بناء شرکتهای بشکل عام شرعا جایز میباشد که در مورد آن در سطور بعدی بحث خواهد شد.

الف- مشروعیت شرکت در کتاب الله (جل جلاله)

در مورد حکم شرکت بشکل عام نزد همه علما جایز میباشد، و دلایل آن در کتاب، سنت، اجماع و عقل موجود بوده؛ که بشرح زیر توضیح داده میشود:

الله متعال در مورد میفرماید (فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرُوا أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا)^(۱۶). ترجمه: پس بفرستید یکی از خودتان را با این دراهمتان به سوی شهر پس بآید که بنگرد کدامشان از دکان های شهر از جهت طعام پاکیزه تر؛ پس بیاورد برای شما روزی ای را از آن و باید مدارا و نرمی کند و خبردار نکند بشما هیچکس را.^{۱۷}

یعنی شرایع من قبلنا برای ما دلیل است، تا زمانیکه منسوخ نشده باشد. این دلیل برای شرکت اموال است، که در کلمه (بورقکم) و (فلیاتکم) اشاره به شرکت شده است، اما در مورد شرکت اعمال این قول الله متعال که میفرماید (وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ)^{۱۸} ترجمه: و بدانید که آنچه غنیمت گرفتید از چیزی پس هر آینه برا الله است یک پنجم آن و نیز برای پیامبر و برای خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است.^{۱۹}

^{۱۵} بدائع والصنایع، کتاب الشریکه، ص ۵۰۰ (برای معلومات بیشتر به منبع مراجعه شود)

^{۱۶} الکهف، آیه ۱۹

^{۱۷} حسن، محمود، شیخ الہند، ترجمه تحت اللفظی، ص ۲۹۵، آیه ۱۹، نشر احسان، ۱۳۹۲.

^{۱۸} انفال، آیه ۴۱.

^{۱۹} حسن، محمود، شیخ الہند، ترجمه تحت اللفظی، ص ۱۸۲، آیه ۴۱، نشر احسان، ۱۳۹۲.

درآیه مبارکه شرکت اعمال ذکر شده است، که بدست آوری غنایم به اساس عمل پیامبر و صحابه کرام بوده است. الخمی^(۲۰) درین مورد میگوید: نصی که دلیل اصلی شرکت است اینست که الله متعال در مورد ایتم میفرماید. (وَإِنْ تَخَالَطُوهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ)^(۲۱) و الله متعال می فرماید: «خداوند شمارا در مورد اولاد هایتان نصیحت می کند (يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ ۚ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ ائْتْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ۗ)^(۲۲). ترجمه: سفارش میکند به شما الله در باره ارث فرزندانان که برای مرد برابر بهره دو زن است پس اگر وارثان همه باشند زنان/ دختران بیشتر از دوتا پس برای آنهاست دو سوم آنچه برجا نهاده است.^(۲۳)

ب: مشروعیت از سنت رسول الله (صلی الله علیه وسلم)

پیامبر صلی الله علیه وسلم منحصراً دلسوز امت خودش هر آنچه به خیر امتش باشد چی مادی و یا معنوی نه تنها آنرا تایید میکند، بلکه حد الامکان کوشیده تا زمینه و وسایل آنرا برایشان مهیا نماید، شرکتهای منیحت وسیله خیر و مفید برای جامعه است، بناء رسول الله صلی الله علیه وسلم همه آنرا تایید کرده و هم از آن استفاده نموده است، که در ذیل تعدادی از احادیث شریف را در تایید آن بیان میکنم:

حدیثی از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت شده است: (عن أبي هريرة رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الله تعالى: أنا ثالث الشريكين ما لم يخن أحدهما صاحبه , فإذا خان خرجت من بينهم)^(۲۴) در حدیث مبارک الله متعال میفرماید: من سومین شریک دو نفر هستم تا زمانیکه با یکدیگر خود خیانت نکنند، وقتی خیانت کردند، از میان شان خارج میشوم. و در حدیث دیگری حدیث (کشتی) مشهور است که پیامبر صل الله علیه وسلم میفرماید (مرفوعاً: (مَثَلُ الْفَائِمِ فِي حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعِ فِيهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا عَلَى سَفِينَةٍ، فَصَارَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا وَبَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا، وَكَانَ الَّذِينَ فِي أَسْفَلِهَا إِذَا اسْتَقَوْا مِنَ الْمَاءِ مَرَوْا عَلَى مَنْ فَوْقَهُمْ، فَقَالُوا لَوْ أَنَّا خَرَقْنَا فِي نَصِيبِنَا خَرْقًا وَلَمْ نُؤْذِ مَنْ فَوْقَنَا. فَإِنْ تَرَكَوهُمْ وَمَا أَيْدِيهِمْ نَجْوًا وَنَجَوْا جَمِيعًا)^(۲۵) مصداق قیام کننده بر حدود الهی مانند جمله قومی کشتی در داخل دریا است که برخی به بالا و برخی به پایین آن قرار میگیرند، کسانی که در پایین قرار دارند، وقتی به آب نیاز دارند به

^{۲۰} الخمی: ابو الحسن علی بن الانجب، از مشاهیر فقهای مالکی است. پدرش بزرگان ادبا و شعر است. اصلاً از مردم بیت المقدس، پرورش یافته اسکندریه است و در مصر به تدریس مشغول بود و در سال ۶۱۱ هجری درگذشته است. (أسد الغابة، ابن الاثير، ج ۱، ص ۱۵۶، دارالکتاب العربی- بیروت/ الشامله)

^{۲۱} البقره، آیه ۲۲۰.

^{۲۲} النساء، آیه ۱۱.

^{۲۳} حسن، محمود، ترجمه تحت اللفظی قرانکریم، آیه ۱۱.

^{۲۴} سنن ابی داوود، ابی داوود سلیمان، ابن الاثعث السجستانی، کتاب البیوع باب فی الشریکه (حدیث رقم: ۳۳۸۳)، ۱۴۱۷ هـ، المعارف- الرياض

^{۲۵} الجامع الصحیح، محمد ابن اسماعیل البخاری الجعفی، باب الشریکه، ۲۵۴۰، الطبعة الثالثة، النشر دار ابن کثیر بیروت

کسانیکه در بالای کشتی قرار دارند مراجعه کنند، اگر مراجعه نکرده بگویند که در حصه خود برای بدست آوردن آب، کشتی را سوراخ میکنیم و آب بدست میاوریم و ردمان بالا را اذیت نمیکنم، کسانیکه در بالای کشتی قرار دارند باید آنها را اجازه نداده و مشکل شان را حل نمایند، در صورتیکه بسوراخ کردن کشتی اجازه ندهند، تمام اهل کشتی بالا و پایین را نجات داده اند.

وجه دلالت حدیث مشترک بودن کشتی میان همه اهل کشتی است، اگر مسولیت خود را در قبال کشتی انجام ندهند، همه غرق خواهند شد.

حدیث دیگری از سلیمان بن ابی مسلم است که گفت، در مورد بیع صرف که دست بدست باشد از ابا المنهال^(۲۶) سوال کردم، فرمود، من و شریکم چیزی دست بدست خریدیم و چیزی هم بطور قرضه، براء بن عازب آمد، از او سوال کردیم، گفت: من و شریکم زید بن ارقم خریداری کردیم، و در همین مورد از نبی اکرم صلی الله علیه وسلم سوال کردیم، فرمودند: «آنچه که دست بدست باشد درست است و آنچه به بشکل قرض باشد آنرا برگردانید»^(۲۷) احادیث زیادی دیگر نیز در مورد مشروعیت شرکت وجود دارند که نمونتا اکتفاگردید.^(۲۸)

از بحث فوق چنین نتیجه میشود که شرکت در شریعت اسلامی وحتی در شرایع قبلی اسلام جایز میباشد. زیرا اسلام منحیث نظام زندگی هرچیزی که برای انسان وخصوصا مسلمان مفید و موثر باشد آنرا حلال دانسته و مسلمانان را برا کسب و بدست آوردن آن تشویق مینماید.

ج: اجماع علماء برجایز بودن شرکت

در مجموع علمای اسلامی بشکل عام برجواز شرکت اجماع دارند، اگرچه درین مورد ابن رشد بعضی از اشکالاتی یاد آوری نموده میگوید «شرکت درجنس واحد جایز میباشد، چی دینار باشد یا درهم، اگرچه شرکت درحقیقت بیع باشد و بالای جنس معامله صورت نگیرد، بخاطر عدم تبادل اجناس که در دست هرطرف میباشد؛ و درمورد جنس گفتگونیز نشود البته گفتگودر وقت خریداری بالای عین شرط است، اما اجماع علمای این موضوع را در شرکت بشکل خاص جواز داده است». خطاب^(۲۹) میگوید «شرکت در متاع از جنس واحد به اجماع جایز است» ابن بطل^(۳۰) در مورد اینکه شخصی، مانند شریکش مقدار مالی را اختصاص دهد، بعدا قسمی یکجا

^{۲۶} ابا المنهال: سیار بن سلامه ابو المنهال الریاحی البصری، از روایان حدیث است که در سال ۲۰ هجری در کوفه تولد و در ۱۲۰ هجری در همانجا وفات نموده است. و از جمله تابعین میباشد. (أسد الغابة، ابن الاثیر، ج ۱، ص ۱۵۶، دارالکتب العربی- بیروت/الشامله)

^{۲۷} الجامع الصحیح، اسمعیل بن محمد البخاری، الجعفی، کتاب البیوع، باب بیع الذهب بالورق، ص ۷۶۳، ج ۲، ۲۰۷۱، (الشامله)

^{۲۸} بدائع و الصنایع، للکاسانی، ص ۴۹۹. (برای تفصیل بیشتر به منبع مراجعه شود)

^{۲۹} الخطاب: ابو عبدالله شمس الدین محمد بن محمد بن عبد الرحمن بن حسین الرعینی معروف به الخطاب، اصلش از المغرب و از نسل مرابطین بوده، در سال ۹۰۲ در مکه مکرمه متولد شده و در ۹۵۴ هجری در طرابلس وفات یافته و در آنجا دفن میباشد که مسجد بنامش (الخطاب) بنا نموده اند. وی از علمای مذهب مالکی است. (المؤتلف و المختلف، ابن القیسرانی، ج ۱ ص ۱۱۳، دارالکتب العلمیه- بیروت، طبع اول ۱۴۱۱/الشامله)

^{۳۰} ابن بطل: ابو الحسن علی بن خلف بن عبدالملک بن بطل البکری القرطبی مشهور به بن اللجام، از کبار علمای مالکی و روایان حدیث است در قرطبه اندلس زندگی کرده و در سال ۴۴۹ هـ وفات نموده است. (شرح صحیح البخاری، ج ۱۰ ص ۳۰، طبع دوم، ۱۴۲۳، سعودی ریاض، الشامله)

نمایند که تمیز آن ممکن نباشد و همین مال شرکت را هریک تصرف کنند بشکلی که هیچ کدام تفاوت نداشته باشند همین شرکت به اجماع جایز می‌باشد. شرکت با درهم و دینار نیز به اجماع جایز است، اما در مورد شرکتی که از یک طرف دینار باشد و از طرف دیگر درهم اختلاف است شوافع، مالک و کوفیان بجز ثوری (رحمهم الله) ناجایز میدانند^(۳۱).

از بحث فوق چنین معلوم می‌شود که شرکت در فقه اسلامی بشکل عام ان جایز بوده و همه فقهای کرام به مشروعیت آن اجماع دارند خصوصاً شرکت با پرداخت یک نوع مال، اما زمانیکه شرکت به انواع مورد بحث قرار می‌گیرد، اینجاست که میان فقهاء اختلاف نظر بمیان می‌آید. تعدادی از فقهاء یک نوع از شرکت را جایز دانسته در حالیکه تعداد دیگر مخالف آنها اند و انواع مذکور را ناجایز میدانند. بناء بحث اختلاف روی موضوعات جزئی می‌باشد، در حالیکه موضوع شرکت بشکل کل در میان فقهاء جایز می‌باشد.

د: جایز بودن شرکت بر اساس دلایل معقول

شرکت مرکب از بیع و وکالت است و هر دوی آنها جایز می‌باشند، صاحب هدایه باتایید می‌گوید: «شرکت به چهار شکل است و نیز شرکت عقود چهار نوع است که عبارت از: مفاوضه، عنان، صنایع و شرکت اعتبار»^(۳۲) اگرچه صاحب الکافی^(۳۳) آنرا رد کرده می‌گوید که شرکت صنعت و اعتبار در بخش مفاوضه یکی نبوده و تفاوت دارند، به نظر صاحب الکافی بهترین تقسیم تقسیم ابوجعفر الطحاوی^(۳۴) و ابوالحسن الکرخی^(۳۵) در مختصر شان ذکر نموده، آنها شرکت را سه نوع میدانند: شرکت اموال، شرکت اعمال، شرکت اعتبار، که هر کدام به نوع مفاوضه، و عنان می‌باشند.^(۳۶)

شرکت منحیث وسیله مفید و موثر در جامعه است، از طرف دیگر مشکلات بزرگ در جامعه بوسیله شرکت حل می‌گردد، از طرف دیگر شرکتها در یک جامعه منحیث ماشین تولید بوده و فواید زیادی به ارمغان می‌آورد. در ضمن شرکتها باعث کاهش فقر و بیکاری میشوند، زمانیکه یک شرکت تاسیس می‌شود، به صد ها نفر در آن مصروف کار شده و زمینه حمایت صدها و بلکه

^{۳۱} همان منبع، ص ۵۰۰

^{۳۲} الهدایه: شرح البدایه از جمله کتب فقه احناف، از تالیفات برهان الدین ابی الحسن علی بن ابی بکر المرغینانی. (الشامله)

^{۳۳} الکافی: از کتتابهای مذهب امام احمد (رحمه الله) از تالیفات عبد الله ابن احمد مشهور به ابن قدامه می‌باشد که در سال ۶۲۰ هجری وفات نموده است. (الکافی فی الفقه الامام احمد، ج ۴ ص ۱۴، طبع اول ۱۴۱۴. الشامله)

^{۳۴} ابوجعفر الطحاوی: امام ابوجعفر احمد بن محمد بن سلامه بن سلمه بن عبد الملک، از دی، مصری، طحاوی، طحاء از روستای در مصر است، از بزرگترین و مشهورترین قبایل عرب بشمار میرود، از قبایل قحطانی می‌باشد. در سال ۲۳۹ هجری متولد و در ۳۲۱ هجری در قراه مصر وفات یافته است. امام طحاوی از جمله ائمه و از حافظان حدیث می‌باشد. پدرش از دانشمندان شعر و ادب و مادرش زمره اصحاب شافعی می‌باشد. مامایش مزنی فقیه بزرگ و از شاگردان امام شافعی رح می‌باشد. (عقید طحاوی، ص ۲، ترجمه فارسی، عبدالله حیدری، انتشارات کتابخانه دیجیتالی عقیده، ۱۴۳۷.)

^{۳۵} ابو الحسن الکرخی: ابو الحسن عبید الله بن الحسن بن دلال بن دلهم الکرخی، البغدادی الحنفی، از جمله فقیهان حنفی از بغداد می‌باشد، تالیفات زیادی دارد، در الکرخی عراق تولد یافته و در سال ۹۵۲ وفات نموده است. (المؤتلف والمختلف، ابن القیسرانی، ج ۱ ص ۱۱۹، دارالکتب العلمیه- بیروت، طبع اول ۱۴۱۱)

^{۳۶} همان منبع، ص ۵۰۰. (برای تفصیل بیشتر به منبع مراجعه شود. بدایع والصنایع. ص ۵۰۰)

هزار ها فامیل مساعد میگردد. بناء عقل تائید میکند که شرکت منیحت وسیله مشروع جایز بوده واستفاده از آن باعث شگوفایی جامعه میگردد.

مبحث دوم ارکان شرکت

در هر موضوع ارکان یکی از نکات اصلی همان موضوع بوده که موضوع بالای متکی میباشد، موضوع متشکل از ارکان بوده وبدون آن از بین میرود، بناء درین مبحث ارکان شرکت که اساسی ترین مسله در شرکت ها است را به بحث و بررسی میگیریم.

مطلب اول در فقه اسلامی

ارکان در لغت جمع رکن و رکن بمعنی یکی از جوانب شی بوده که شی مذکور بر آن اتکاء نماید.^(۳۷) یا هم رکن عبارت از جانب قوی شی که عین آن میشود، ودر اصطلاح، عبارت از چیزی است که شی بالای آن متکی بوده وقوام شی مذکور بر آن استوار باشد.^(۳۸) رکن درحقیقت اساس یک شی و جزء مهمی است که شی مذکور بر آن استوار بوده وبدون آن بوده نمیتواند، مثل اینکه فاعل برای فعل رکن است، در صورتیکه فاعل نباشد فعل بوده نمیتواند.

شرکت به عبارتی مثل سایر عقود یک عقد است، و عقد در ذات خود ارکانی دارد، این ارکان جزء مهمی در عقد شرکت بوده و عقد شرکت بر آن استوار است. یعنی صحت و انفاذ شرکت بر شروط و ارکان وابسته بوده وبدون آن به فساد یا بطلان منجر میگردد. فقهای کرام در مورد ارکان عقد شرکت میان شان اختلاف دارند؛ ارکان عقد شرکت نزد احناف یک رکن و عبارت از صیغه (ایجاب و قبول) میباشد. اما نزد جمهور عبارت از چهار چیزی است.^(۳۹)

صیغه عقد، عاقدان، معقود علیه (موضوع عقد) و بعضی شوافع عمل را نیز بر آن اضافه مینمایند که همه چهار میشود.

اول صیغه: صیغه عبارت از کلام طرفین میباشد، هر عقدی نیازمند تعبیر اراده طرفین است واین تعبیر بوسیله کلام طرفین صورت میگیرد که عبارت از صیغه میباشد. و صیغه عبارت از کلامیست که از طرفین عقد صادر شده که دلالت بر اراده باطنه ای شان بوده و برای انشاء و بستن عقد ضروری میباشد.^(۴۰)

^{۳۷} المعجم الوسیط، مجموعه مؤلفین، ج ۱، ص ۳۲۸، باب الرءاء، (الشامله)
^{۳۸} بدایه المجتهد ونهایه المقتصد، ابن رشد، ج ۲، ص ۹، دارالفکر ۱۹۹۵.
^{۳۹} فقه الشركات، ص ۷۵ بیشتر بنگرید
^{۴۰} همان، ص ۷۶.

تبصره بر ایجاب قبول : ایجاب عبارت از کلامی که از جانب صاحب مال صادر شود، اگرچه در اخیر باشد. و قبول هم کلامی که از جانب مشتری صادر شود، اگرچه در اول باشد.^(۴۱)

ایجاب و قبول در عقد شرکت با هر کلام و یا لفظیست که بر مشارکت دلالت کرده و معنی شرکت را بدهد، این رای رای احناف و حنابله است.

مقصد اینست که دو لفظی که دلالت بر مقصود خود (شرکت) نماید، منعقد میگردد، زیرا عقد شرکت نیز یکی از عقود است و بر آنچه بر آن دلالت نماید، منعقد میگردد. مثلا اگر شخصی هراز افغانی را به شخصی دیگری داد و گفت شما هم مثل آنرا گرفته و با آن دو تجارت کنید، و بر مفاد آن توافق نمودند، طرف دیگر آنرا گرفت، عقد شرکت منعقد گردید. البته این هم قابل یاد آوریست که نزد احناف ایجاب باید از هر طرفی که صادر میشود، اول و یا در ابتداء باشد و قبول در مرتبه دوم قرار داشته باشد، که البته نزد فقهای دیگر برعکس آن مثل در فوق ذکر گردید میباشد.

دوم عاقدان

کسانی اند که عقد را انجام داده، ایجاب و یا قبول از ایشان صادر میگردد. بناء باید دارای اهلیت اداء بمنظور انجام عقد از طرف خود باشد (اهلیت اداء برای انسان عاقل ثابت میشود تا نشان دهنده عقل بلوغ و رشدش باشد بخاطر اینکه تمام تصرفات نافع و ضره او با اهلیت اداء درست میشود).^(۴۲)

عاقدان اشخاصی اند که دو طرف معامله را تشکیل میدهند، شریعت اسلامی برای حفاظت از مردم از بروز مشکلات و حفظ منافع و دفع اضرار برای طرفین معامله شرایطی را در نظر گرفته است، تا وقت معامله آنرا رعایت کرده و از متضرر شدن طرفین معامله جلوگیری شود، زیر شریعت اسلامی میخواهد تا افراد در جامعه از لحاظ مادی و معنوی رشد نمایند، در عین حالیکه نیمخواهد تا هیچ یک از افراد جامعه متضرر نشوند، یعنی شریعت اسلامی اجازه ضرر رسانیدن و متضرر شدن را اجازه نمیدهد. ازینرو برای صیانت و حفاظت در معاملات اقتصادی اهلیت را در نظر گرفته است.

سوم معقود علیه (محل عقد)

معقود علیه یا محل عقد عبارت از چیزیکه عقد بالای آن صورت میگیرد و احکام و آثار عقد معلوم میگردد. معقود علیه یا محل عقد در شرکت ممکن است:

^{۴۱} همان منبع، ص ۷۷ بیشتر بخوانید.

^{۴۲} همان منبع ص ۵۰۱

۱- مال باشد: در شرکت اموال چنین است و این مال نزد فقهاء به اقسام ذیل تقسیم گردیده است: الف:- مال نقدی: پول نقد متداول. ب:- مال عینی و عروض- یعنی کالای تجارتي و آن نیز نزد فقهاء به فروع ذیل تقسیم گردیده است:

- مال عینی مثلی و مثلیات یعنی چیزی های که کیلی و وزنی میباشد. مانند جو و گندم.

- مال عینی قیمی عبارت از چیز های که فردا قیمت های آن تفاوت دارد. مانند مواشی.

- علما بخصوص در صلاحیت بعض انواع مال در شرکت اموال اختلاف دارند.

۲- عمل: که در شرکت اعمال یا ابدان صورت میگیرد.

۳- مال و عمل و این هر دو در شرکت مضاربت صورت میگیرد.

۴- تضمین و اعتبار که در شرکت وجود نزد کسانی که جایز میدانند، صورت میگیرد. (۴۳)

اینکه معقود علیه در فقه اسلامی به انواع مختلف تقسیم گردیده است، علت اینست که تا مردم در معاملات خود در روشنی قرار گیرند و در وقت معامله دچار مشکل و ابهام نگردند و متضرر نشوند و یا هم گاهی به سبب ابهام میان اشخاص صاحب معامله نزاع بوجود میاید، و این نزاع دعوی میرسد، بخاطر جلوگیری از مشکلات متذکره معقود علیه کاملاً واضح شده تا دیگر ابهام در معاملات نباشد، از طرفی در شریعت اسلامی هر مال قابلیت معامله را ندارد، و مردم نمیتوانند اشیای که شریعت آنرا متقوم نداند را خرید و فروش نمایند، مثلاً شراب، گوشت خنزیر و غیره که در شریعت اینها مال متقوم نبوده و قابل معامله نمیباشند.

چهارم عمل

شرکت در فقه اسلامی گاهی با مال از طرفین منعقد میگردد، گاهی با کار هر دو شریک و مال هر دو شریک، گاهی مال از یک شریک و کار از جانب شریک دوم میباشد، گاهی کار از جانبین صورت میگردد. (۴۴)

در حقیقت اشکال شرکت میان اشخاص به این سه شکل صورت میگیرد، در هر سه شکل توافق جانبین اصل مسله را تشکیل میدهد، یعنی در صورتیکه افراد میان شان توافق داشته باشند، میتوانند به سه شکل فوق عقد شرکت را منعقد نمایند، که در فقه اسلامی شناخته شده است. در مورد قسم اول شرکت، همه فقهاء موافق بوده و آنرا جایز شمرده اند. قسم دوم که آنرا ذکر نمودیم، عبارت از مال از طرف یک شخص و کار از طرف شخص دیگر که این شکل شکل مضاربت است که به هر شکل باشد جایز بوده و اختلافی در آن نمیباشد.

^{۴۳} همان منبع ص ۵۰۲ بیشتر بنگرید.
^{۴۴} همان منبع ص ۱۱۶ بیشتر بخوانید

قسم سوم عبارت از اینست که کار از جانبین میباید، یعنی این شرکت به شرکت ابدان است که دو نفر یا بیشتر باهم شریک شده و کاری که از دیگران عقد مینمایند را بشکل مشترک انجام میدهند که درین مورد فقهاء باهم اختلاف دارند، احناف، حنابلہ و مالک رحمہما اللہ آنرا جایز و شوافع رح آنرا ناجایز میدانند.

یا هم قسم دیگری این شرکت به اساس اعتبار است که شرکاء باهم به اساس اعتبار خود فعالیت مینمایند، که نزد احناف و حنابلہ جایز و نزد شوافع، ظاہریہ و شیعہ آنرا ناجایز میدانند.^(۴۵)

از بحث در مورد ارکان شرکت در فقه چنین نتیجه میشود که، اگر چه فقهاء میان ارکان عقد ظاہرا اختلاف داشته، تعدادی موافق هم و تعدادی باهم مخالف میباشند، اما بعد از تحلیل و بررسی به این نتیجه میرسیم که اختلاف آراء فقہای کرام فقط بشکل ظاہری بوده و در حقیقت همه نظریات باهم مساوی میباشند، درین مورد تنها احناف نظر مخالف جمهور را دارند، احناف ارکان عقد را یکی که عبارت از صیغہ عقد میباشند مینامند، اما صیغہ عقد بدون عاقدان، بدون محل یا معقود علیہ ممکن نیست. پس به این نتیجه میرسیم که اگر چه ظاہر فقہای کرام اختلاف دارند، ولی در حقیقت همه نظریات یکی بوده و موضوع مشابه را بحث نموده اند.

مطلب دوم ارکان عقد در قانون

قانون مدنی افغانستان در مورد ارکان عمومی شرکت بحث نموده، و در ماده ۱۲۲۲ خود اعلام میدارد، که عقد شرکت باید تحریری باشد، در غیر آن اعتبار ندارد.^(۴۶)

یعنی در صورتیکه شرکاء بشکل غیر تحریری و بشکل شفاهی باهم صحبت کرده و عقدی را منعقد گردانند، این عقد معتبر نبوده و طبعا اثر مرتبه نخواهد داشت. برای آنکه رضایت نفوذ حقوقی پیدا کند، باید اراده طرفین سالم و مبتنی بر رضایت کامل آنها باشد.

ماده ۵۰۵ چنین صراحت دارد « شرط صحت عقد عبارت از رضایت عاقدین بدون اکراه و اجبار»^(۴۷) قوانین تجارتی ارکان شرکت را به دونوع اصلی و فرعی تقسیم نموده اند عناصر اصلی ای اساسی بمعنی عناصری اند که بدون آن عقد تکمیل نبوده و باطل پنداشته میشود، بناء انواع اصلی یا اساسی آنرا بشرح ذیل توضیح میدہیم:

قانون قراردادهای تجارتی و فروش اموال انواع اساسی قرار دادها را چنین مشخص

مینماید:

^{۴۵} همان منبع ص ۱۱۸ بیشتر بخوانید

^{۴۶} وزارت عدلیہ، قانون مدنی، ماده ۱۲۲۲

^{۴۷} همان، ماده ۵۰۵

1. پیشنهاد (ایجاب)

2. قبول؛

3. موضوع و هدف؛

4. سبب؛^(۴۸)

در ذیل هر کدام انرا بشکل مختصر توضیح میدهیم:

• ایجاب و قبول

ایجاب و قبول یا صیغه عقد عبارت است از آنچه از متعاقدین صادر گردد که دلالت بر اظهار اراده باطنی آنها جهت انشاء و ابرام عقد نماید. اراده باطنی طرفین در عقد بواسطه الفاظ یا قول ویا آنچه قائم مقام قول اعم از فعل، اشاره ویا نوشته باشد اظهار میگردد، که همین اظهار اراده باطنی طرفین را فقهاء (ایجاب و قبول) و (حقوق دانان اظهار اراده) مینامند.^(۴۹)

جهت تحقق وصحت عقد صدور آنچه که دلالت بر تراضی طرفین مبنی بر انشاء و ابرام عقد نماید ضروری است. بر همین اساس ماده ۵۰۵ قانون مدنی افغانستان مقرر میدارد که « شرط صحت عقد عبارت است از رضایت عاقدین بدون اکراه و اجبار ».^(۵۰)

یعنی شرط درست بودن عقد رضایت طرف های قرار داد بدون اکراه و اجبار میباشد که ایجاب و قبول را در برمیگیرد. ماده ۴۹۷ فقره اول قانون مدنی نیز همین مطلب را بیان نموده است، برای ایجاد اثر حقوقی مطلوب، دو طرف عقد باید دارای اراده جدی و سالم باشند.^(۵۱)

• صیغه عقد

صیغه عقد عبارت از همان الفاظی است که در وقت ایجاب و قبول بر زبان میاید، الفاظ مذکور میتواند به زمان ماضی بیان شود، یا زمان مضارع ویا هم به الفاظ امر، ماده ۱۱ و ۱۲ قانون قرارداد های تجارتي تصریح میدارد که باید الفاظ ایجاب و قبول ماضی باشد^{۵۲}، یا حال یا امر باشد. پس به این معنی است که اگر لفظی خارج از این سه قاعده باشد به وسیله ان عقد یا قرار داد منعقد نگردیده بلکه اثر هم بجای نمی گذارد.^(۵۳)

• عاقدان

گفتیم که ایجاب و قبول یکی از ارکان عقد میباشد، لذا تحقق ایجاب و قبول بدون عاقدان ممکن نیست، یعنی هرگاه بخواهیم عقدی را ببندیم، باید عاقدان آنرا منعقد نماید. ماده ۱۰ قانون

^{۴۸} وزارت عدلیه، قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال، مصوب ۱۳۹۳، مسلسل ۱۱۵۰، فقره ۱ ماده ۱۰.

^{۴۹} نظام الدین عبدالله، قواعد عمومی عقود، کابل: انتشارات سعید، ۱۳۸۷، ص ۴۹ و ۵۰.

^{۵۰} وزارت عدلیه، قانون مدنی، ماده ۵۰۵.

^{۵۱} همان، ماده ۴۹۷.

^{۵۲} وزارت عدلیه، قانون قرارداد های تجارتي، ماده ۱۱ و ۱۲.

^{۵۳} همان، ماده ۱۱ و ۱۲.

قرار دادهای تجارتي عاقدین را از جمله عناصر و ارکان عقد نمیدانند، اما گمان میرود که بر اساس اینکه هرگاه عاقدین در عقد نباشند هیچ عقد و قرار دادی قابل تصور نیست.^(۵۴)

از لحاظ فقهی عاقدین از جمله ارکان عقد گفته شده اند، بنا برین تفاوت میان ارکان عقد از لحاظ فقهی و قانونی درینجا هودیدا گردید. که در فقه عاقدان یکی از ارکان عقد بحساب میآیند و بدون عاقدان، ویا معامله عاقدان مجهول، معامله معتبر دانسته نمیشود.

قانون مدنی افغانستان در ماده ۵۰۵ عاقدان را از جمله شرایط عقد بحساب آورده است، قسمیکه درین ماده آمده است « شرط صحت عقد عبارت است از رضائیت عاقدین بدون اکراه و اجبار»^{۵۵} یعنی رضائیت عاقدین اشاره برین دارد که عاقدین از جمله شروط صحت بحساب آورده شده اند. اما قسمیکه در فوق تذکر گردید، در فقه عاقدین از جمله ارکان عقد بحساب آمده اند. پس نتیجه این میشود که در صورت عاقدین از جمله ارکان باشد، بدون عاقدین عقد باطل است، و در صورت دوم در اصل معامله مشکل نبوده بلکه مشکل در صحت معامله بوجود میآید؛ بناء در صورت اول معامله اساس باطل و در صورت دوم معامله فاسد بحساب میآید.

• موضوع عقد

موضوع عقد یا محل عقد یا قرارداد از جمله مقومات و ارکان عقد میباشد. ماده ۵۷۹ قانون مدنی افغانستان در مورد چنین صراحت دارد « برای هر نوع وجبیه ناشی از عقد، وجود موضوعیکه عقد به آن نسبت داده شده و قابلیت حکم عقد را داشته باشد، حتمی پنداشته میشود. موضوع عقد را عین، دین، منفعت، یا سایر حقوق مالی تشکیل داده میتواند. همچنان اجراء یا امتناع یک عمل موضوع عقد قرار گرفته میتواند.^(۵۶)

ماده مذکور بعد از آنکه موضوع عقد را واضح میسازد، اقسام آنرا را تشریح مینماید، که موضوعات عین، دین، منفعت یا سایر حقوق مالی بوده میتواند، در ادامه اجراء یا امتناع، یا به عباره دیگر تعهد و امتناع از تعهد نیز میتواند موضوع عقد قرار گیرد. اجراء و امتناع بشکل بسیار گسترده کاربرد دارد، مثل انجام کارها بوسیله کارگرها، یا اجتناب از کارها برای کارگرها در بخشهای مختلفی که اشخاص بکار گماشته میشوند. موضوع مهم دیگر اینست که برای آنکه عقد وجبیه لازم التنفیذ را ایجاد کند باید چیزی دارای ارزش از هر دو طرف عقد یا قرار داد مبادله صورت گیرد.

این چیز با ارزش عبارت از موضوع عقد یا قرار داد است. ارزش تبادل شده میتواند شی ملموس باشد مانند، خانه، موتر، یا اینکه خالص دین باشد، زمانیکه شخصی به شخص دیگر پول

^{۵۴} همان، ماده ۱۰

^{۵۵} وزارت عدلیه، قانون مدنی، ماده ۵۰۵

^{۵۶} وزارت عدلیه، قانون مدنی، ماده ۵۷۹

میدهد یا زمانی که یک شخصی حق گرفتن دین را به دیگری میدهد، موضوع قرارداد ممکن است، تعهد به اجتناب از انجام عملی باشد. قسمی که قبلاً گفتیم مثلاً در عقد و قرار داد با یک داکتر گفته شود که از غافل شدن در حصه مریضان اجتناب کند و یا از فلان ادویه استفاده نکند.

مواد ۵۸۰ الی ۵۹۰ قانون مدنی افغانستان و ماده ۱۳ قانون قرار داد های تجارتي و فروش اموال مشخصاً درین مورد میباشد. ماده ۱۳ قانون قرار داد های تجارتي چنین موارد زیر را منحيث موضوع عقد یا قرار داد میداند:

1. اموال منقول یا غیر منقول و یا ملکیت مادی و یا معنوی؛
2. منافع ناشی از اموال؛
3. کار یا خدمت خاص؛^(۵۷)

• سبب عقد

قانون مدنی افغانستان همانند قوانین مصر و فرانسه سبب را رکن عقد تلقی مینماید. تعریف سبب: سبب ترجمه کلمه «Lacause» فرانسوی و «causeL» انگلیسی است که آنرا علت ترجمه کرده اند^{۵۸}. ماده ۵۹۱-۵۹۴ قانون مدنی در مورد میگوید: که سبب عبارت از مقصد اصلی ای است که عقد وسیله مشروع رسیدن به آن قرار گرفته باشد. سبب عبارت از مقصدی است که توقع می رود عمل، مال، یا تعهد یاد شده آنرا برای شخص برآورده سازد. قانون مدنی افغانستان نیز چنین مفهوم را میرساند «سبب عبارت از مقصد اصلی ایست که عقد وسیله مشروع رسیدن به آن قرار گیرد»^(۵۹) سبب از نظر اصول فقه برعکس قانون وسیله ای برای رسیدن به هدف میباشد، قسمیکه در کتب اصول فقه تعریف آن آمده است «چیزیست که شارع آنرا معرفی برای یک حکم شرعی قرار داده است»^{۶۰} ازین تعریف بصراحت معلوم میگردد، که سبب تنها وسیله ای برای رسیدن به هدف تعیین شده است، یا سبب علامتی برای وجود یک حکم یا عدم آنرا علامتی برای عدم علامت یک حکم میباشد.

ماده ۱۴ قانون قرار دادهای تجارتي و فروش اموال موضوع مهم دیگری را در مورد سبب روشن میسازد، قسمیکه مبین است «سبب مقصد اصلی قرار داد میباشد که باید موجود، معتبر و مشروع بوده و مغایر نظم و آداب عامه نباشد»^(۶۱).

تعریف فوق چند نکته بسیار مهم را بیان نموده است.

^{۵۷} وزارت عدلیه، قانون قرار دادهای تجارتي و فروش اموال، ماده ۱۳

^{۵۸} www.abadis.ir.com

^{۵۹} وزارت عدلیه، قانون مدنی، ماده ۵۹۱.

^{۶۰} اصول فقه، عبدالکریم زیدان، ص ۴۹ و ۵۰، کتابخانه قلم، ۱۳۹۶.

^{۶۱} وزارت عدلیه، قانون قرار دادهای تجارتي و فروش اموال، ماده ۱۴

اول اینکه سبب باید موجود باشد یعنی قرار داد بالای امر مجهول و جنس غایب درست نیست. دوم اینکه معتبر باشد، یعنی قانونا بتواند معقود علیه قرار گیرد. سوم اینکه مشروع باشد: به این معنی که شرعا داد و گرفت آن منع نباشد. چهارم، مغایر نظم نباشد: یعنی قرار داد به امری نباشد که در آن نظم عمومی بر هم بخورد مثلا، قرارداد بر تخریب تاسیسات عامه؛ پنجم مغایر آداب عامه هم نباشد: یعنی آداب حاکم جامعه انرا قبول کرده باشد و در افکار عمومی شنیع و زشت نباشد. مثلا قمار بازی، قتل و غیره.

در نتیجه در صورتیکه سبب مقصد باشد، در عدم آن معاملات اساس باطل پنداشته میشود، در صورت دوم، عدم موجودیت سبب معامله را باطل نساخته بلکه آنرا موقوف میسازد. یعنی درین صورت معامله اساسا صحیح بوده ولی درصفت آن مشکل بوجود میاید؛ که درین صورت میتواند صفات متذکره دوباره اصلاح شده و معامله صحت یابد. درحالیکه در صورت اولی معامله اساس باطل بوده و راهی برای اصلاح آن موجود نمیشود.

در اثر مرتبه آن نیز متفاوت میباشند، در صورتیکه معامله باطل پنداشته شود، هیچ اثر مرتبه ای ندارد، و در صورت دوم وقتی صفات معامله دوباره اصلاح میشود، اثر کامل بر آن مرتب میگردد.

مبحث دوم تاریخ شرکت

درین مبحث دو موضوع قابل بحث میباشد:

اول تاریخ تطور عمومی شرکت در جهان

دوم تاریخ تطور شرکت در افغانستان

مطلب اول پیدایش شرکت در جهان

انسانها از زمان پیدایش شان نیاز به همکاری بین هم داشته اند، این همکاری در ساحات مختلف جریان دارد، گاهی این تعاون در مسایل ادبی و گاهی مادی است، نتیجه این تعاون مادی یک سلسله معاملات مالی بوده، که تدریجا بصورت مشترک در تبدیل عین، خانه، زمین و باغ میان همدیگر آغاز مییابد، گاهی این معامله بشکل مشترک در عمل با اموال معین نیز آغاز میگردد، گاهی این اشتراک بمنظور کار با اموال و عمل یکجا شده که رفته رفته اسم شرکت را بخود میگیرد؛ در ابتداء شرکت میان اشخاص صورت میگیرد ولی به تدریج رشد نموده و وسعت پیدانمود.

از زمان پیدایش شرکت، قوانین ناظم شرکتها نیز بوجود آمده است، ملل بزرگ چون فراعه^(۶۲) و بابل^(۶۳) ها شرکت را میشناخته اند، مثلا در قانون حمورابی^(۶۴) ها که سال ۱۰۰ قبل از میلاد تدوین یافته است، در ماده (۱۰۰) الی (۱۰۷) این قانون احکامی در مورد شرکتها که در آن زمان وجود داشت بحث گردیده است، و نص قانون مذکور چنین صراحت دارد « شرکت عبارت اند از عقدیست که میان دو یا بیشتر بمنظور یک عمل معین یا اعمال مختلف صورت میگیرد» نصوص قانون مذکور دلالت به این دارد که شرکت مروجه آن زمان شرکت مضاربت میباشد، که صاحب مال با شخص دیگر بحسب اتفاق عقد مینمایند، که مال از یک طرف و کار از جانب شخص دیگر باشد.

یونانی^{۶۵} ها نیز در قرن ششم قبل از میلاد شرکت را میشناخته اند، زمانیکه نظام (قرض البحری) را بوجود آوردند، صاحبان کشتی ها با اشخاص پولدار عقد میکردند که الی ۲۰٪ بیشتر برای آنها منفعت بدهند، با پیشرفت درین کار مفاد معین تعیین گردید، بعد از آن تجارت خشکه نیز به آن اضافه شد، درین مورد صاحبان اموال با اشخاص که پول ندارند عقد مینمودند، تا با آن تجارت نمایند، که در آن شرایطی در نظر گرفته نمیشد. ^(۶۶)

قرانکریم، نیز از وجود شرکت نزد امم قدیم را یاد اوری کرده و در قصه دادوود علیه السلام میفرمایند (وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ) ^(۶۷) که در قسمت از آیه مبارک بوجود شرکت میان مردم بحث مینماید.

رومی ها نیز شرکت را میشناخته اند، و در قانون رومانی از خصائص شرکت بحث شده و آنرا عقد رضایی نامیده اند، که مصالح مشترک شرکاء در آن حفظ میباشد، مانند عقد بیع، وکاله، اجاره و غیره... که تنها التزامات طرفین عقد را دربرمیگردد. ^(۶۸)

تعدادی از دولت های اسلامی در عصور گذشته نیز مردم را بر رأی یک امام ملزم نساخته اند، بلکه مردم در انتخاب فقهاء آزاد بوده اند، اگرچه تعدادی از دولت های اسلامی بمذاهب معین مردم را ملزم نمودند، مثل دولت فاطمی به مذهب شیعه، دولت یوسفی به مذهب مالک (رحمه الله

^{۶۲} فراعه: فرعون لقبی است که برای حاکمان مصر باستان از زمان اتحاد مصر علیا و سفلی توسط نارمر در حدود ۳۱۰۰ قبل از میلاد به کار میرفت. (مجله المنار، محمد رشید رضا، ج ۷ ص ۹۴، کتابخانه فقاقت اهل سنت)

^{۶۳} بابل یکی از تمدن های باستان حوزه میان رودان است. بابل در میان رودان در حوزه رود فرات قرار داشت. مرکز این تمدن باستانی شهر بابل بود که امروزه در ۸۸ کیلومتری جنوب بغداد و نزدیک شهر حله عراق واقع است.

^{۶۴} حمورابی: حمورابی ششمین شاه بابل از سال ۱۷۵۰ تا ۱۷۹۲ پیش از میلاد بود. او پس از کناره گیری پدر خود امپراتور بابل شد و در طی این مدت بابل را تا میان رودان گسترش داد. (دائر المعارف الاسلامی، مجموعه مؤلفین، ج ۵، ص ۵۱۸، طبع اول، ۱۴۱۸)

^{۶۵} یونانی ها: یونانی ها با هلن ها یک گروه قومی بومی کشورهای یونان و قبرس هستند. همچنین بخشی بزرگی از آنان در سراسر جهان پراکنده هستند. (مجله الرساله، الزیات باشا، احمد حسن، ج ۵۴۱، ص ۸، ۱۳۸۸ هـ)

^{۶۶} فقه الشراکة، ج ۱، ص ۲۵ (بنگرید) / www.yasrebigroup.com

^{۶۷} همان منبع، ص ۲۴

^{۶۸} همان منبع (۲۶) بنگرید

علیه) و دولت عثمانی به مذهب احناف مردم را ملزم نمودند، و هر دولت مذهبی را معین نمودند، گفتنی است که شرکت در اسلام شرکت اشخاص بوده ولی اعتبار مستقل را اخذ نکرده است.^{۶۹} در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی با بوجود آمدن انقلاب اروپا و کشف امریکا در تمام بخشها وسعت پیدا شد، پس از آن که اکتشافات و اختراعاتی به وجود آمد، بر پیشرفت بشر و وسایل زندگی آن تأثیر گذاشت و چهره صنعت را تغییر داد و بسیاری از ویژگی های تجارت را تغییر داد و گسترش تجارت و صنعت مستلزم سرمایه گذاری سرمایه های هنگفتی بود که نمی توانست توسط یک یا چند نفر صورت گیرد که گسترش آن مستلزم ایجاد شرکتهای سهامی و گسترش انواع آنها بوده و قوانین مختلفی برای تنظیم آنها صادر گردید، زیرا دانشمندان قدیم به شرکتهای بزرگ اهمیت نمی دادند، آنها معتقد بودند که مطالعه آنها خارج از محدوده قانون خاص مانند قوانین که در سالهای ۱۸۵۶ و ۱۸۶۷ صادر شد و شرکت تضامنی با سهام را تنظیم کرد میباشد، قانونیکه دولت المان بوسیله آن شرکت مسولیت محدود (LTD) را ایجاد نمود. سازمان مذکور در قوانین و مقررات با هدف تنظیم شرکت های سهامی ادامه داد، قوانین مذکور نظر به سیستم اقتصادی که از افکار سیاسی متفاوت برای حل مشکلات جهانی نشأت نموده بود فرق نداشت که این سیستم اسلامیست یا اشتراکیست یا سرمایه داریست یا هم کمونستی است. اکثر این قوانین از سیستم سرمایه داری نشأت نموده بود، تا اینکه مجله قوانین شرعی و احکام العدلی در ۳۰- ذی الحجه سال ۱۳۰۵ هج مطابق آگست سال ۱۹۰۴ تقنین یافت، که در کتاب دهم آن مسایل مربوط به شرکت ها تنظیم گردیده است.

بعد از آن سیستم دولت های اشتراکی که مرکز آن روسیه است بوجود آمد، که نظام اشتراکی بعد از انقلاب بلوشویک^{۷۰} در سال ۱۹۱۷ را تاسیس نمود، بر اساس این نظام اکثر شرکتهای ملکیت دولت خوانده شد و اکثر دولت های که مربوط نظام اشتراکی بود شرکتهای را به اساس نظام اشتراکی ایجاد نمودند، اگرچه تعدادی از دولت های سرمایه داری بامشارکت سرمایه مقامات شرکتهای را یکجا نمودند و آنرا بنام اقتصاد مختلط نام گذاری نمودند.^{۷۱}

خلاصه تاریخ شرکت این میشود، که شرکت از زمانه های طولانی در میان انسانها رواج داشته است، امت های گذشته معاملات تجاری خود را از طریق شرکتهای پیش برده اند، شکل این تجارت نظر به عصر زمان بسیار ساده بوده و حتی قانون مدون برای آن نبوده است. آهسته آهسته با رشد و پیشرفت بشر در ساحات زندگی تجارت نیز رشد نمود، که میبینیم که در زمان حمورابی

^{۶۹} فقه الشركاه، ج ۱، ص ۲۷ بیشتر بنگرید.

^{۷۰} انقلاب بلوشویک: جنبشی اعتراضی و ضد امپراتوری روسیه بود که در ۱۹۱۷ رخ داد و به سرنگونی حکومت تزارها و برپایی اتحاد جماهیر شوروی انجامید. مبنای انقلاب شان (صلح، نان، زمین) بود. (www.Wikipedia.org) ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.

^{۷۱} همان منبع ص ۳۲ (بنگرید)

ها قانون مدون برای شرکتهای تجارتي تدوین گردیده است، ولی باز هم شکل تجارت انچنان که امروز هست پیشرفته نبوده وسایلی بسیار ساده در آن استفاده گردیده است. این روند الی قرن ۱۸ میلاد ادامه داشت. در قرن ۱۸ که انقلاب صنعتی بوجود میاید، روند تجارتي نیز تغییر کرده وسایل جدید در تجارت استفاده گردید. قوانین جدید تصویب شد و بالاخره رشد و پیشرفت چشمگیری درین عرصه بوجود آمد.

اسلام منحیث یک نظام برای زندگی اجتماعی، شرکت ها را بخاطر ضرورت مردم که در میان عربها نیز رایج بود و بمنظور استفاده و رشد تجارت استفاده میگردید، تأیید نمود، در اوایل بشکل بسیار ساده از آن استفاده میگردید، زمانیکه جغرافیای اسلام وسعت پیدانمود از چهارسمت وسیع گردید، استنباطات احکام شرعی بیشتر گردید، درین حالت شرکت واحکام شرکت هم گسترش یافته وفقهاء نیز با تفصیلات بیشتر بالای شرکت بحث نموده وانواع آنرا نیز مشخص نمودند، مانند شرکت ملک، شرکتهای اشخاص وغیره...

مطلب دوم تاریخ شرکتهای در افغانستان

در رابطه شرکتهای در افغانستان گفته میتوانیم که شرکت ها در مجموع شرکتهای مدنی ویا تجارتي از سالهای ۱۳۱۲^{۷۲} خورشیدی به بعد به شکل رسمی در دولت افغانستان ثبت شده و فعالیت های خود را رسماً آغاز نموده اند، از آن زمان تا فعلاً شرکتهای مدنی و تجارتي در افغانستان فعال بوده و در فعالیت های شان کدام سکتگی رونما نشده است.

شرکتهای در افغانستان در بخش مدنی ویا تجارتي انواع بسیار زیادی دارند که از معلومات در مورد همه آنها درینجا ممکن نیست، به اساس گزارش اتاق های تجارت و سرمایه گذاری حدود ۲۴۰۰۰ هزار شرکت تا سال ۱۳۹۶ در دیتابیس این نهاد به ثبت رسیده است، البته شرکتهای مذکور از جمله شرکتهای تجارتي بوده بگونه منظم وقانونی به ثبت رسیده اند و در افغانستان مصروف تجارت میباشند.^{۷۳}

چونکه معلومات در مورد تمام شرکتهای در افغانستان درین جزوه کوچک امکان پذیر نیست بناء بطور نمونه تعدادی از شرکتهای را درینجا ذکر میکنیم:

اولین شرکت در افغانستان بانک ملی افغانستان است که بحیث شرکت مالی و بانکداری در افغانستان به تاریخ ۹-۲-۱۳۱۲ با سرمایه ۳۵ ملیون افغانی معادل ۳,۵ ملیون دالر توسط عبد المجید زابلی در کابل تأسیس گردید. این نخستین شرکت است که ساختار بانکداری را در سطح

^{۷۲} بانک ملی افغان، اولین شرکت در افغانستان است که بشکل رسمی فعالیت را آغاز نموده است.

^{۷۳} www.acci.org.af (بیشتر بنگرید)

کشورتنظیم نمود، بانک مذکور منحصراً شرکت سهامی فعالیت داشته که ۲۸٪ آن مربوط دولت ۷۲٪ مربوط به بخش های خصوصی بوده که با روی کار آمدن دولت وقت تمام سهام این بانک در سال ۱۳۵۵ ملی اعلام گردید، بانک مذکور تا قبل از ایجاد و تأسیس در افغانستان بانک وظایف آنرا به پیش میبرد^{۷۴}.

قسمتی که قبلاً عرض گردید شرکتها در افغانستان انواع مختلف داشته و در بخشهای مختلف فعالیت دارند.

دومین شرکتی که در افغانستان به فعالیت آغاز نمود، شرکت تعاونی دولتی که بشکل کوپراتیف ها فعالیت دارند، کوپراتیف ها در افغانستان به رشد اقتصاد ملی در سال ۱۳۳۴ توسط دولت وقت در چندین بخش فعال گردید، ابتدای این کوپراتیف ها در بخش زراعت در ۱۱۳ کوپراتیف بود که در چند ولایت به کمک مؤسسات خارجی مثل (ILO) و (FAO) ایجاد گردید، که بر اثر عدم معلومات و فهم درین بخش، عدم قانون و نبود یک اداره سالم متأسفانه منحل گردید. البته قابل یادآوریست که کوپراتیف ها الی سال ۱۳۵۷ خورشیدی ادامه داشت، کوپراتیف های مذکور در ۱۱ ولایت مجموعاً ۱۲۱۰ کوپراتیف در بخشهای زراعتی، صنعتی، استهلاکی، زنبورداری فعالیت داشتند^{۷۵}.

به همین شکل شرکتهای زیادی در افغانستان در بخشهای مدنی و تجاری فعالیت داشته که هم بالای اقتصاد مردم تاثیر مثبت گذاشته و باعث رشد و ترقی کشور گردیده اند، در پهلوی آن در رشد تولیدات داخلی، هم چنان صادرات اشیای تولید شده و در واردات کالاها با قیمت ارزان نسبت به کمپنی های خارجی نقش براننده ایفا میکنند. شرکتها در افغانستان بیکاری را کاهش داده و زمینه های کاری را برای افراد بیکار مساعد ساخته اند. نقش دیگر شرکتها در کشور اینست که فعالیت این شرکتها از یک سو باعث ثبات اقتصادی گردیده و سوی دیگر جلب سرمایه گذاری را در کشور بیشتر میسازد، زیرا با فعالیت های مختلف شرکتهای مذکور افراد دیگر داخلی و خارجی تشویق شده و به سرمایه گذاری میپردازد، حتی باعث ثبات امنیت در کشور میگردد.

درین قسمت در مورد قوانین تصویب شده تجاری و مدنی معلومات مختصر ارائه میکنم، تا موضوع تاریخ شرکتها در افغانستان تکمیل گردیده و خوانندگان محترم بتوانند بشکل کامل معلومات خود را درین موضوع تکمیل نمایند.

^{۷۴} حقوق تجارت، ستانکزی و ناصح، ص ۲۹۹. www.fa.m.wikipedia.org.af/
^{۷۵} حقوق تجارت، ستانکزی و ناصح، ص ۲۹۹، انتشارات سعید کابل، ۱۳۹۵ بیشتر بنگرید.

فصل دوم اقسام شرکت در فقه اسلامی

درین فصل موضوعات ذیل بحث خواهد شد:

- شرکتهای و اقسام آن در فقه اسلامی
- شرکت املاک ، شرکت عقود، شرکت اباحت

مبحث اول شرکت شرکت در فقه اسلامی

درفقه اسلامی بشکل عموم شرکت به دونوع میباشد، شرکت املاک و شرکت عقود. شرکت املاک شامل شرکتهای است که اشخاص به اساس اختیار و فعل خود در آن شرکت نموده و باهم شریک میشوند، نوع دیگر این شرکت عبارت از شرکتی است که افراد به اساس اختیار خود نه بلکه به اساس یک سلسله عوامل در آن شریک میشوند، مثل شرکت در میراث که به اساس جبر وبدون اختیار شریک شده اند. به عبارت دیگر این شرکتهای اختیاری وجبری نیز میگویند که در سطور پائین در مورد مفصلاً بحث خواهد شد.

دریک تقسیم بندی دیگر بشکل عام شرکت را به سه دسته تقسیم نموده اند، که عبارت

اند از:

اول شرکت اباحت: درین نوع شرکت تمام مردم بشکل عام صلاحیت تصرف اشیاء

مباح را دارا میباشدند، اشیای که ملکیت هیچ کسی نبوده و به همه تعلق دارند.

دوم شرکت ملک: شرکت ملک عبارت از شرکتی است که دو یا بیشتر اشخاص در آن

شریک بوده عین باشد یا دین یا به سببی از اسباب دیگرتملک مانند خرید، هبه، قبول ویا وصیت.^(۷۶)

سوم شرکت عقد: عبارت از شرکتی است که در آن دو یا بیشتر اشخاص بمنظور کسب

بوسیله اموال ویا اعمال ویا اعتبار شریک شده ودر مفاد وخساره نیز به اساس توافق شریک باشند.^(۷۷)

مطلب اول شرکت املاک

شرکت دراصل دو نوع است، شرکت املاک، و شرکت عقود، شرکت املاک نیز دو نوع میباشد که یکی آن به فعل یکی از دو شریک ثابت میگردد، و دیگر آن بدون فعل آنها.

آنکه به فعل شرکاء ثابت میگردد مثل اینکه خریداری کند، یا بخشش کند، یا وصیت شود برای یش یا هم صدقه را قبول نمایند، که درموارد فوق مشتری، موهوب، موصی، و متصدق در اشیاء مذکور شریک شناخته شده و شرکت شان شرکت ملک بحساب میاید.

منظور مطلب فوق اینست که مشتری و بایع، و اهب و موهوب، موصی و موصی له و متصدق در مالهای متذکره بنحوی شریک بحساب میایند. یعنی یک طرف به طرف دیگر مال خود را

^{۷۶} رد المحتار علی الدر المختار، ج ۵ ص ۲۹۹، بیروت ۱۴۲۳

^{۷۷} الموسوعه الفقیه حدیثه، محمد بن ابراهیم الموسی، ج ۶ ص ۱۴۴-۱۴۵ طبع دوم، ۱۴۳۳، مدار الوطن الرياض.

شریک میسازد، البته شرکت ملک است و ملکیت از یک طرف با طرف دیگر شریک ساخته میشود و این شرکت شرکت اختیاریست.

آنچه که بدون فعل شرکاء ثابت میگردد، عبارت از میراث است که شرکاء میان هم شریک شده و این شرکت را شرکت ملک میگویند.^(۷۸)

فقهای اسلامی در مجموع در تقسیمات شرکت اختلاف دارند، تعدادی آنرا به دو دسته تقسیم مینمایند، که عبارت از شرکت املاک و شرکت عقود است، تعدادی از آنرا به سه دسته تقسیم مینمایند که نوع سوم آن عبارت از شرکت اباحت است، شرکت اباحت عبارت از شرکتهای است که در آن همه مردم شریک اند، مثل آب و آتش و غیره...

شرکت اباحت به نحوی شرکت اجباریست که مردم در آن بدون خواست شریک اند و میتوانند از آن استفاده نمایند. اما بشکل عملی بجز از همان موارد یاد شده که آنهم امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی به دولت تعلق داشته و دولت آنرا به اشکال مختلف میان مردم توزیع میکند، به همین لحاظ اکثر فقها در مورد آن زیاد صحبت نکرده اند، یا شرکتهای امروزی بیشتر روی دینوع دیگر که عبارت از شرکت املاک و شرکت عقود است متمرکز اند، اگرچه شرکت اباحت یا اشیای مباحی که مردم در آن شریک اند بحال خود باقی بوده، اگرچه دولت مسولیت تقسیم آنرا بعهد گرفته است، باز هم شرکت اباحت بشکل دوشرکت دیگر مورد بحث علما قرار نگرفته است. که من در بحث حاضر نیز بر دو شرکت دیگر (املاک و عقود) توجه کرده و آنها را به بحث گرفته ام.

نوع اول شرکت املاک است، شرکت املاک به نوبه خود به دینوع کوچکتر تقسیم شده است، به عباره دیگر شرکت املاک گاهی بدون اراده اشخاص بشکل اجباری بوجود میاید و افراد بدون آنکه خود خواسته باشند، شریک هم قرار میگیرند. مانند میراث، هبه، صدقه و غیره...

شکل دیگر این اینست که به اساس اراده افراد صورت گرفته و اشخاص به اساس خواسته خود ملک را باهم خریداری کرده که درین صورت در ملک مذکور باهم شریک میشوند، که مثال خریداری مروج امروز است که مردم خانه، اموال تجارتهای و غیره ... مسایل را باهم خریداری مینمایند.

^{۷۸} بدائع والصنائع، للکاسانی، ۵۰۱ بیشتر بنگرید

مطلب دوم شرکت عقود

شرکت عقود دراصل به چهار نوع تقسیم میگردد، که عبارت از شرکت اموال، شرکت اعمال، شرکت صنعت، که بدوشکل (شرکت به اساس قبول و شرکت وجوه یا اعتبار) و شرکت مضاربت میباشد که در ذیل هر کدام آنها را توضیح خواهیم نمود. (۷۹).

الف شرکت اموال

شرکت اموال عبارت از اینکه دوشخص یا بیشتر درمالی شریک شوند به این شکل که یکجا بخرند یا بفروشند، یا بهر صورتیکه خریدند و یا فروختند و خداوند برای شان مفاد نصیب نمود، مفاد آن میان شان به اساس فیصله و شرط که خود میگذارند تقسیم گردد.

یا اینکه چیزی گفتند که به عقد شرکت دلالت مینمود، مثل اینکه گفتند هرچه خریداری نمودیم، میان ما شریک باشد یا یکی از ما چیزی خریداری نمود میان ما شریک باشد، در تمام صورتهای مذکور عقد شرکت گفته میشود، زیرا که اساسا هر دو طرف به شرکت عقد آگاهی دارند نه بروکالت چونکه عقد شرکت مشابه به عقد وکالت است، دروکالت وکیل برای موکل خود عا دتا تفویض صلاحیت نمیکند، زماینکه وکالت نباشد صحت آن نیز مبتنی بر صحت وکالت نمیباشد، زیرا در آن تخصیص بیان جنس، نوع و اندازه پول میباشد، پس بدون بیان اشیاء مذکور درست میباشد اگرچه (بیع و شراء را ذکر نکرده باشند) هم چنان اگر شخصی به دیگری بگوید آنچه ما خریدیم میان من و شما باشد، یا بگوید میان ما و دیگری بگوید (بلی) این گفتار به شرکت دلالت نمیکند، ولی اگر با گفتار مذکور قصد شریک تجارت را داشته باشند پس هر دو در تجارت شریک میشوند و برین اساس عقد شرکت بحساب میاید و بدون بیان جنس، نوع آن و اندازه پول جنس خریداری شده درست میگردد، چنانچه در خرید و فروش چنین میباشد. (۸۰).

درینجا مسله مهم تفاوت عقد شرکت با وکالت است در صورتیکه شرکاء هر دو نیت وکالت را داشتند، عقد مذکور بحساب آمده با تمام شرایط آن از شرایط خاص و عام، زیرا وکالت اساسا بر مبنی خاص میباشد، بخاطریکه دروکالت هدف بدست آوردن عین است نه بدست آوردن مفاد، بناء لازم است تا تخصیص گردد چنانچه قبلا ذکر گردید، مگر اینکه دروکالت عام بیان یکی از اشیاء که قبلا ذکر گردید (جنس، اندازه پول، یا نوعیت اشیاء) کفایت میکند، زیرا زماینکه برای وکیل تفویض صلاحیت بشکل عام داده شود درین صورت مشابه شرکت میباشد،

۷۹ همان منبع، ص ۵۰۲ / الشركات فی الفقه الاسلامی، علی الخفیف، ص ۲۶، دارالفکر عربی، ۱۴۳۰.
۸۰ همان منبع ص ۵۰۴ بیشتر بخوانید / الشركات فی الفقه الاسلامی، علی الخفیف، ص ۲۷.

بنأ ضروراست تا تخصیص گردد، در نتیجه اگر وکالت با شرایطی که قبلا ذکر گردید باشد درست و در غیر آن باطل بحساب میاید.

ب شرکت اعمال

شرکت اعمال عبارت از شرکتی است که دو شخص یا بیشتر در عملی مثل خیاطی، سفید کاری اشیاء یا غیر آن، بگویند شریک شدیم در فلان کار و آنچه الله متعال برای ما مفاد ارزانی نمود بر فلان شرط میان ما تقسیم گردد^(۸۱).

ج شرکت وجوه (اعتبار)

شرکت اعتبار اینست که دو شخص یا بیشتر در یک کاری شریک شوند در حالیکه مال ندارند، اما نزد مردم و جاهت و اعتبار دارند، خرید و فروش شان به اساس اعتبار شان میباشد، خریداری شان بشکل قرض و فروش شان نقد میباشد، یعنی چنین میگویند که شریک میشویم تا بشکل قرض خریداری کنیم و بشکل نقد بفروشیم و مفاد آن میان ما بر فلان شرایط تقسیم گردد، که این شرکت را شرکت وجوه یا اعتبار میگویند، زیرا درین شرکت اشخاص وجیه و قابل اعتبار خریداری میکنند که انواع عنان و مفاوضه را شامل میگردد، که البته هر کدام شرایط خاص خود را دارد^(۸۲)

در مجموع شرکت که به اساس عقود تشکیل میگردند، سه نوع است، یعنی اشخاص به اساس عقدی که میان خود منعقد مینمایند، تا تجارتی براه اندازند، این شراکت به سه شکل صورت میگیرد، شکل اول مال و یا قایمقام آن که از هر دو طرف پرداخته شده و مفاد و خساره و سایر مسایل مربوط در عقد مذکور فیصله میشود، شکل دوم شرکت به اساس اعمال است، یعنی اشخاص میان هم عقد مینمایند، تا کارهای را مشترکا انجام دهند، در عصر کنونی گفته میتوانیم که هر صنف از افراد مسلکی باهم یکجا شده و کارهای مسلکی خویش را با ایجاد یک شرکت به پیش میبرند و در نتیجه مفاد و خساره را نیز باهم توافق مینمایند.

نوع سوم شرکت اعتبار است، شرکت اعتبار شرکتی است که اشخاص در آن مال و یا قایمقام آنرا ندارند، تنها به اساس اعتباری که نزد مردم دارند، باهم شریک شده مال را خریداری نموده، بعد از فروش مال مذکور مفاد آنرا باهم تقسیم کرده و پول اشیای خریداری شده را به صاحبش برمیگردانند.^{۸۳}

^{۸۱} همان منبع ص ۵۰۵ بیشتر بنگرید

^{۸۲} همان منبع ص ۵۰۶. بیشتر بنگرید. / رد المتحار علی الدر المختار، ج ۵، ص ۴۶۷ - ۴۷۰

^{۸۳} رد المختار، ص ۵۰۰ - ۵۰۱

د:- شرکت مضاربت

شرکت مضاربت نوعی از شرکت است، زیرا نوع مفاد در آن وجود دارد، البته نه در رأس المال، زیرا رأس المال از یک طرف و کار از طرف دیگر است، اما مشابه به اجاره میباشد. عامل مستحق حصه خود از مفادیکه در مال بوجود آمده است میباشد. این شرکت هم در زمان جاهلیت و در زمان بعد از جاهلیت در میان مردم رایج بود. معروف است که پیامبر صلی الله علیه وسلم با مال خدیجه رضی الله عنها بحیث مضارب قبل از بعثت کار نموده است؛ این معامله بعد از بعثت نیز تائید گردیده است. در روایات زیادی آمده است، از جمله حدیث شریف حکیم بن حزام رضی الله عنه وقتی مال خود را به شخص مضارب میداد برایش شروط وضع مینمود، مثل اینکه میگفت که با مال من حیوانات را خریداری نکنی، زیرا احتمال هلاکت آن بیشتر است؛ و نه هم با مال من در بحر سفر کنی، وهم چنان مال مرا در راه سیل (آب زیاد) قرارندهی، اگر این کارها را انجام دادی؛ ضامن هستی^{۸۴}.

خلاصه شرکت مضاربت از جمله شرکتهای است که در طور تاریخ رواج داشته و شریعت اسلامی نیز آنرا مشروع قرار داده است.

مطلب سوم شرکت اموال

درفقه اسلامی شرکت ابتدا به دو بخش تقسیم گردیده که عبارت است از شرکت املاک و شرکت عقود میباشد.

شرکت عقود به نوبه خود به چهار نوع دیگر تقسیم گردید که عبارت از شرکت اموال، شرکت اعمال، شرکت وجوه یا اعتبار و شرکت مضاربت که در سطور بالا بشکل تفصیلی در مورد آنها بحث گردید.

شرکت اموال

شرکت اموال دونوع است :

نوع اول آن عبارت از شرکتهای است که همه بر مشروعیت آن توافق دارند، و آن عبارت از شرکت عنان میباشد؛ و نوع دوم آن عبارت از شرکت مفاوضه است. نظر به مذاهب چهارگانه مسمی شرکت مفاوضه یکی نبوده بلکه مختلف میباشد، که بعدا توضیح میگردد.

^{۸۴} الشركات فی الفقه الاسلامی، علی الخفیف، ۸۶.

• شرکت عنان

شرکت عنان عبارت از شرکتی است که به اساس آن دو یا بیشتر اشخاص ملزم میشوند تا هریکی از شرکاء حصه معین و مشخص مال تجارتي را با شرکاء دیگر خود سهم گرفته و ربح آن به اساس آنچه توافق نمودند میان شان باشد؛ چیزیکه مذاهل چهارگانه بر آن متفق اند.^{۸۵} در مجموع احناف صحت شرکت عنان چند شرکت گذاشته اند. اول: بشکل عموم رأس المال باید از مطلق اثمان باشد، یعنی افغانی، درهم، جنیه و دالرو غیر باشد، بناء از عروض درست نیست.

دوم رأس المال عین حاضر باشد و با دین یا مال غایب شرکت صحت نمی یابد. سوم: شرط است که تمام شرکاء مشترک کار نمایند، یعنی کار شرکت بالای یک شریک نبوده، بلکه همه مسول اند. یعنی از مقتضی این شرکت همین است که قسمیکه همه شرکاء منحیث وکیل یگدیگر اند، چی در تصرف و چی در عمل همه یکسان مسولیت دارند.^{۸۶}

• شرکت مفاوضه

قسمیکه در فوق تذکر داده شد که شرکت مفاوضه از جمله شرکتهاى است که فقهای کرام در مورد آن اختلاف نظر دارند.

رای احنابله در مورد این شرکت اینست که، اشتراک شرکاء بر نقود حاضر، در صورتیکه شرکاء در موضوعات مثل رأس المال، ربح، مساوی باشند و در تصرف هر شریک در مال شریک دیگر خود بر رأی خود عمل کرده و رأس المال شرکت بشکل مساوی باشد، این شرکت را شرکت مفاوضه میگویند.

مذهب احناف تمام شروط شرکت عنان را در شرکت مفاوضه شرط میدانند، بر علاوه تساوی در رأس المال و ربح و صلاحیت تصرف، بر همین اساس این شرکت مفاوضه گفته شده است، که هر شریک صلاحیت خود را در تصرف تمام مال تجارتي برای شریک خود تفویض کرده است. اصلا اساس مفاوضه مساوات گفته شده است است^{۸۷}.

احناف برای صحت شرکت مفاوضه تمام شروط شرکت عنان را شرط میدند^{۸۸}.

^{۸۵} الشركات فی الفقه الاسلامی، علی الخفیف، ص ۴۲

^{۸۶} همان منبع، ص ۵۶

^{۸۷} همان منبع ص ۷۸ بیشتر بخوانید

^{۸۸} همان منبع ص ۷۸

مبحث دوم انواع شرکتهای درقانون

قانون مدنی افغانستان با پیروی از فقه اسلامی به تقسیم شرکتهای پرداخته است، در تقسیم بندی شرکتهای درقانون تنها روی شرکتهای عقود بحث صورت گرفته و این نوع شرکتهای را به چهار نوع تقسیم نموده است که عبارتند از:

- شرکت اموال
- شرکت عقود
- شرکت وجوه یا اعتبار
- شرکت مضاربت

که در مطلب آینده در مورد همین چهار موضوع بحث تفصیلی خواهد شد.

مطلب اول شرکت مدنی

شرکت عبارت از عقدیست که بموجب آن دو یا زیاده از اشخاص تعهد مینمایند، تا دریکار انداختن یک فعالیت مالی به پرداخت مقدار مال یا انجام عمل یا اعتبارطوری سهیم شوند که مفاد و خساره به اساس موافقه که بین آنها صورت میگیرد، توزیع شود^(۸۹).

درقانون مدنی افغانستان شرکت بشکل عام ذکر شده و گفته شده که دویا بیشتر اشخاص در فعالیت مالی، انجام عمل یا هم اعتبار سهیم شده و مفاد و خساره را میان هم تقسیم مینمایند. درینجا روی مقصد و هدف شخص ترکیز صورت نگرفته که مقصد از شرکت درینجا کدام نوع شرکت میباشد، یعنی ذکر نشده که فهمیده شود که شرکت تجاری است یا مدنی؛ بناء درقانون مدنی افغانستان شرکتهای بشکل عام پیش بینی گردیده اند.

هم چنان شرکت درین قانون محدود نبوده تنها شرط شرکت اینست که شرکتها بشکل چهار گانه که در فوق ذکر گردید باشد و دوم شرکتهای از لحاظ تصرفات یا اینکه شرکاء با مسولیت و امتیازات شان مساوی میباشدند که این نوع شرکت را شرکت معاوضه میگویند و در صورت که در مسولیت و امتیازات شان متفاوت باشند این نوع شرکت را عنان میگویند، حال چو این شرکت فعالیت مالی باشد، یا عمل باشد و یا هم شرکت با اعتباره یا وجوه هر سه یکی اند، البته از یک نگاه وسعت را برای شرکتهای مدنی نشان میدهد که در قوانین تجاری موجود نبوده برعکس قوانین تجاری افغانستان شرکت را محدود ساخته بغیر آنچه درقانون شرکت خوانده شده نمیتوان به اشکال دیگر شرکت تاسیس نمود درحالیکه شاید درکشورهای دیگر اشکال زیادی برای

^{۸۹} وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون مدنی افغانستان، مصوب ۵۵، ۱۳، ماده ۱۲۱۶

شرکتهای تجارتي درقوانين آن کشورها درنظر گرفته شده باشد^{۹۰}. در ادامه انواع شرکت در قانون مدنی را به بررسی خواهیم گرفت.

قانون مدنی افغانستان با پیروی از فقه اسلامی شرکت را به چهارنوع تقسیم نموده است که عبارت از شرکت اموال، شرکت اعمال و شرکت وجوه یا اعتبار و شرکت مضاربت میباشد که هر کدام در ذات خود به دو نوع دیگر تقسیم گردیده اند:

شرکت خواه به اعطای مال باشد یا انجام عمل یا اعتبار دونوع است: شرکت مفوضه و عنان^(۹۱).

شرکت مفوضه : شرکت مفوضه آنست که شرکا در تصرف، سرمایه، مفاد و خساره باهم مساوی باشند^(۹۲). یعنی در شرکت مفوضه شرط اول عبارت از تساوی در تصرف مسولیت های شرکت، و شرط دوم عبارت از تساوی در مفاد و خساره که البته از صفات مفوضه همین شرط تساوی میباشد.

شرکت عنان : شرکت عنان آنست که شرکا در آن طوری موافقه نمایند که در تصرف یا سرمایه، مفاد یا خساره باهم متفاوت باشند^{۹۳}. در شرکت عنان شرکاء نسبتاً آزاد اند، و میتوانند به هر شکلی که خود خواستند، توافق نمایند، البته زمانیکه توافق صورت گرفت، توافق طرفین الزام آور میباشد، اما توافق درین شرکت مطابق میل و رغبت شرکاء میباشد، و محدودیت شرکت مفوضه را ندارد.

شرکت اعتبار: شرکت اعتبار آنست که در آن دو یا زیاده اشخاص، به اساس اعتبار، به خرید مال بصورت نسبه طوری موافقه نمایند که مال را فروخته هر یک از حصه معین آن مسؤل بوده در مفاد و خساره سهیم باشند^(۹۴). (۱) شرکت بمجرد تشکیل، شخصیت حکمی تلقی میشود مشروط بر اینکه، به ثبت و نشر رسیده باشد. شرکت نمیتواند قبل از ثبت و نشر، به اشخاص ثالث تمسک نماید ولی اشخاص ثالث به این شخصیت بدون نشر تمسک کرده میتوانند^(۹۵).

از مباحث فوق چنین نتیجه گیری مینماییم که شرکتهای مدنی طبق تعریف قانون مدنی افغانستان، عبارت از شرکت دو یا بیشتر از دونفر در یک فعالیت مالی است که به اشکال سه گانه فوق تقسیم میگردد. درین تقسیمات انواع زیادی از شرکت ها شامل میشود، وسعت پیش بینی قانون مدنی بسیار زیاد بوده که با وصف این تعریف شرکت های مدنی عنان یا مفوضه و یا هم

^{۹۰} رد المختار علی الدر المختار، ص ۳۰۲ بیشتر بنگرید/ البدائع والصنایع للكاسانی، ص ۵۰۵ بیشتر بنگرید.

^{۹۱} همان منبع، ماده ۱۲۱۷

^{۹۲} همان منبع ماده ۱۲۱۸

^{۹۳} همان منبع ماده ۱۲۱۹

^{۹۴} همان منبع ماده ۱۲۲۰

^{۹۵} همان منبع ماده ۱۲۲۱ بند ۱

اعتبار دیگر کدام محدودیت در ایجاد شرکت مدنی نبوده، بلکه به آسانی ایجاد شده میتواند، این امتیاز برای شرکت مدنی بخاطر حمایت از شرکت مدنی بوده میتواند، تا اشخاص بتوانند به آسانی شرکت ایجاد کرده و به فعالیت های مالی خود آغاز نمایند.

مطلب دوم شرکتهای تجاری

درمطلب دوم میخوامم پیرامون شرکتهای تجاری که درقوانین تجاری شناخته شده، بحث نمایم، اما ابتداء باید تعریف از شرکت تجاری را ذکر نمایم. «شرکتهای تجارت عبارت از اشتراک اشخاص است که به مقصد اجرای معاملات تجاری در موضوع واحد یا متعدد به وجود میاید.»^(۹۶)

عقد شرکت را میتوان منحيث عقدی تعريف کرد، که به اساس آن دو یا چند شخص متعهد میشوند که هر یک با تقدیم نمودن قسمتی از مال ویاسهم گیری شان درکار، درپروژه مالی ویا قرارداد، باهم سهم گردند وهدف آنها، شراکت درمفاد وضرر ویا استفاده از منابع اقتصادی پروژه باشد، بناء شرکت تجاری را چنین تعريف میکنیم:

شرکت تجاری عبارت از اشتراک اشخاص است که به مقصد اجرای معاملات تجاری درموضوع واحد یا متعدد بوجود میاید.^{۹۷} درقوانین تجاری افغانستان تعدادی از شرکت های تجاری را به اساس ضرورت زمان شناخته، که هرکدام آنرا بشکل مختصردرذیل توضیح خواهیم داد.^(۹۸)

طبق اصولنامه تجارت افغانستان انواع شرکتهای تجاری را قرار ذیل معرفی مینماییم^(۹۹):

شرکت های تجاری به انواع ذیل است:

الف- شرکت تضامنی (Collective)

ب- شرکت تضامنی مختلط (Commanded)

ج- شرکت محدود المسولیت (Limited)

د- شرکت سهامی (Anonym)

ه- شرکت تعاونی (Cooperative)

الف شرکتهای تضامنی (Collective)

^{۹۶} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت افغانستان، ماده ۱۱۶.

^{۹۷} همان منبع، ماده ۱۱۶

^{۹۸} حقوق تجارت، ستانکزی وناصح، ص ۲۰۰ بیشتر بنگرید

^{۹۹} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت افغانستان، ماده ۱۱۷

طوری‌که قبلاً گفته شد شرکتهای تضامنی یکی از انواع شرکتهای اشخاص میباشد که به اساس مفکوره ای فردیت پسندی، شناخت و اعتماد شرکاء بوجود میاید، این نوع شرکتهای برای داینین خویش برعلاوه تضمین سرمایه شرکت، اموال و دارایی شخصی خویش را بعنوان وثیقه نیز تعهد مینمایند، که درحقیقت این خصوصیت عمده است که شرکتهای تضامنی را از سایر شرکتهای تجارتهای تفکیک مینماید.

تعریف

اصولنامه تجارت افغانستان، شرکتهای تضامنی را چنین تعریف میکند: شرکتهای تضامنی عبارت از شرکتی است که در تحت عنوان معین برای امورتجارتی بین دو یا چند نفر، بامسولیت تضامنی تشکیل میشود.^(۱۰۰)

اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد، هریک از شرکا مسول پرداخت تمام قروض شرکت است. برای ایجاد این شرکت مانند سایر شرکتهای قرار داد تحریری شرط است، موضوعاتی که باید در قرارداد درج شود، در مواد ۱۳۶ و ۱۳۷ اصولنامه تجارت افغانستان ذکر گردیده است.^(۱۰۱)

مشخصه شرکتهای تضامنی اینست که هر یکی از شرکا مسول پرداخت دین شرکت از مال شخصی خویش میباشد، در صورتیکه دارایی شرکت بنا بر هر دلیلی کافی نباشد هر کدام مسول پرداخت قرض شرکت اند و داینین میتوانند یکی از شرکاء را دنبال کرده و دین خود را از تقاضا نمایند. تاسیس شرکت تضامنی به بشکل تحریری بوده و بدون آن معتبر دانسته نمیشود.

شخصیت حکمی شرکت

شرکت تضامنی در ابتداء یک شخصیت حکمی بوده و این اعتبار را به مجرد آغاز فعالیتهايش بدست میاورد، دیگر حقوق و مسولیت های شرکتهای مذکور نظر به قوانین تجارتهای کاملاً مجزا و منحصر به شرکت و از حقوق و امتیازات شرکاء کاملاً جدا میباشد. ماده ۱۰ قانون شرکتهای تضامنی در مورد چنین بیان میدارد.

^{۱۰۰} همان، ماده ۱۳۵

^{۱۰۱} ستانکزی، و ناصح، حقوق تجارت، ص ۲۰۷ بیشتر بنگرید.

« شخصیت حکمی شرکت به مجرد اتحاد دو یا بیشتر از دوشخص به حیث مالکین شرکت آغاز وبعد از ثبت، بدفتر ثبت مرکزی تکمیل میگردد، هرگاه شرکت قبل از ثبت به دفتر ثبت مرکزی معامله ای را انجام میدهد، مسؤول شناخته میشود درینصورت نمیتواند حقوق خود را به دیگران تعمیم نماید، مگر اینکه به دفتر ثبت مرکزی اعلان شده باشد.»^(۱۰۲)

خصوصیات شرکتهای تضامنی

شرکتهای تضامنی از جمله کاملترین نوع شرکت اشخاص میباشد دراین نوع شرکت سرمایه شرکت نقش عمده ندارد، بلکه اعتبار شرکت بستگی به اعتبار شرکاء دارد. شرکاء در نتیجه آشنایی وروابط نزدیک واعتمادی که بایکدیگر دارند مبادرت به تشکیل شرکت مینمایند و هرگاه سرمایه ای که در شرکت گذاشته اند جوابگوی تعهدات شرکت نباشد از دارایی شخصی خویش ضامن تعهدات شرکت میباشند. بطور خلاصه خصوصیات شرکت های تضامنی را میتوان در نکات ذیل خلاصه نمود.

- ۱- تضامنی بودن شرکت : هر فرد از شرکاء ضامن تعهدات شرکت میباشد.
- ۲- تصریح به شرکت تضامنی در نام شرکت: یعنی عنوان این شرکتهای نشان دهنده ای مشخصات خاص برای این نوع شرکتهاست
- ۳- غیر قابل انتقال بودن سهم الشرکه^{۱۰۳}
- ۴- شرکت های تضامنی بوسیله یک نفر جایز نیست.
- ۵- شخصیت حکمی شرکت
- ۶- تابع افلاس بودن شرکت.
- ۷- داشتن اساسنامه
- ۸- داشتن دارایی مستقل شرکت از شرکاء.^(۱۰۴)

انواع شرکتهای تضامنی

مطابق ماده سوم قانون شرکتهای تضامنی انواع شرکتهای تضامنی قرار ذیل است^(۱۰۵):

- ۱ - شرکت تضامنی عام
- ۲ - شرکت تضامنی خاص
- ۳ - شرکت تضامنی کار
- ۴ - شرکت به اعتبار

^{۱۰۲}وزارت عدلیه، قانون شرکتهای تضامنی، ماده ۲۰ سال ۱۳۸۵
^{۱۰۳} سهم الشرکه: مطابق ماده ۴ بند ۴۰ قانون شرکت محدود المسولیت: عبارت اند از واحد مقیاسی است که سرمایه شرکت محدود المسولیت به آن منقسم میگردد.

^{۱۰۴} www.imbenrashid.blogfa.com بیشتر بنگرید

^{۱۰۵} وزارت عدلیه، قانون شرکتهای تضامنی، ماده ۳، سال ۱۳۸۵ بیشتر بنگرید

تشکیل شرکتهای تضامنی

برای تشکیل شرکتهای تضامنی بر علاوه پرداخت تمام سرمایه نقدی و تقویم تمام سرمایه غیرنقدی، وجود قرار داد تحریری نیز ضرورت است. چنان ماده ۱۳۷ اصولنامه تجارت فقرات زیر را در قرار داد شرکت های تضامنی قابل درج میداند.^(۱۰۶) که بشرح زیر تحریر میگردد.

- 1 - تاریخ قرار داد
- 2 - اسم، شهرت، اقامت گاه، و دیگر اوصاف ممیزه شرکا، اگر شرکت دیگری به شرکت داخل شده باشد عنوان شرکت مذکور.
- 3 - مرکز تجاری شرکت.
- 4 - تضامنی بودن شرکت.
- 5 - عنوان شرکت
- 6 - اسامی شرکایی که بنام شرکت حایز صلاحیت امضا میباشند باتصریح این که منفرد و یا مشترکا صلاحیت امضا دارند.
- 7 - موضوع شرکت
- 8 - حصه سرمایه ای را که هر شریک تعهد کرده و قیمت های تخمینی قسمت سرمایه غیر نقدی باصورت تعیین قیمت آن.
- 9 - حصه اشتراک هر شریک در نفع و ضرر.

10 - تاریخ تاسیس و ختم شرکت.^(۱۰۷)

علاوه تا شرکا میتوانند نکات مفید دیگر را نیز بر نکات فوق علاوه نمایند در صورتیکه مفید بدانند. مثلا مسول بودن شرکا در پرداخت دین شرکت و یا نظیر آن موارد دیگر.

انحلال شرکت تضامنی (۱۷۱-۲۰۱ اصولنامه تجارت)

مطابق ماده (۱۷۵) اصولنامه تجارت، اسباب انحلال قضایی شرکت تضامنی قرار ذیل شرح میگردد.^(۱۰۸)

- 1 - عدم امکان رسیدن به مقصد شرکت.
- 2 - خیانت یکی از شرکاء در امور اداره و در تنظیم حسابات.
- 3 - عدم ایفای وظایف اصلی که به یک شریک تفویض شده است.
- 4 - سوء استعمال عنوان و یا اموال شرکت از طرف یکی از شرکاء برای منافع شخصی.
- 5 - عدم قابلیت و اهلیت یکی از شرکاء در اثر مرضی و یا علل دیگری در اجرای امور شرکت.

^{۱۰۶} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۱۳۷
^{۱۰۷} ستانکزی، نصرالله، و ناصح، محمد، حقوق تجارت، ص ۲۴۱
^{۱۰۸} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۱۷۵، سال ۱۳۳۶

6 - شرکت های که برای مدت معلومی تأسیس شده اند، و یا این که تداوم فعالیت آن مرتبط با زندگی یکی از شرکاء می باشد، اگر بعد از تکمیل میعاد و یا وفات شریک معاملاتش را ادامه دهد، به شرکت غیر محدود المدت تبدیل میشود.

7 - شریکی که تعهدش را راجع به تادیه سرمایه ایفا نکرده، لازم است قبلاً ازین که تقاضای انحلال شرکت صورت گیرد، برایش اخطار قبلی داده شده باشد^(۱۰۹).

8 - موافقه شرکاء به انحلال شرکت

9 - حکم محکمه به انحلال شرکت

10 - افلاس شرکت بنا بر حکم محکمه یا بر اساس توافق شرکا و طلب کاران شرکت مبنی بر اینکه شرکت به افلاس سوق داده شود^(۱۱۰).

بصور مختصر میتوان گفت که شرکت های تضامنی وقتی منحل میگردند که اغلباً عدم ایفای تعهد یکی از شرکا باعث شود، در صورتیکه شرکا متعهد باشند و مشکلی پیش نیاید معمولاً نه تنها که شرکت منحل نشده بلکه بیشتر رشد خواهد نمود، و مورد توجه شرکا قرار خواهد گرفت، بسیار نادر اند شرکت های که بر اساس تاریخ مدت معلومی داشته باشند، در صورت چنین مسله با زهم شرکتی که مفاد آن بهتر باشد و در حال رشد باشد، حتی اگر تاریخ آن نیز به پایان برسد، شرکاء دو باره بر تداوم آن موافقت خواهند نمود، و نمی میگذارند که شرکت با چنین مواصفات بسته شود، بناء در نتیجه میتوان گفت که انحلال اکثری شرکت ها وقتی بمیان میاید که در شرکت مشکل مالی بوجود آید یعنی معمولاً اینطور خواهد بود ولی هستند شرکت های که بر اثر علت ها دیگر مثل ختم مدت تاسیس بسته شوند.

ب-: شرکت های تضامنی مختلط (Commanded)

(۲۴۳ - ۲۴۴) اصولنامه تجارت

تعریف

شرکت تضامنی مختلط عبارت از شرکتی است که تحت عنوان معین به مقصد اجرای تجارت تشکیل میشود و مسولیت یک و یا چند نفر از شرکا در مقابل داینین شرکت غیر محدود، و مسولیت شریک و یا شرکای دیگر آن به یک سرمایه معین محدود باشد، شرکت مذکور تضامنی مختلط (Commanded) گفته میشود. سرمایه شرکایی را که تابع مسولیت محدود باشند، ممکن

^{۱۰۹} حقوق تجارت، ص ۲۴۴

^{۱۱۰} وزرات عدلیه، قانون شرکتهای تضامنی، ماده ۵۰، سال ۱۳۸۵

است بسهم تقسیم کرد. عنوان این شرکت صرف متشکل از نامهای شرکای تضامنی میباشد نه شرکای محدود المسولیت^(۱۱).

از عبارات فوق واضح میگردد که شرکت های تضامنی مختلط ترکیبی از شرکای متضامن و شرکای دارای مسولیت محدود به اندازه سهم است. در این نوع شرکتها نسبت به شرکای متضامن مقررات شرکتهای تضامنی و نسبت به شرکای غیر متضامن مقررات شرکت های سهامی تطبیق میگردد. در عنوان شرکت باید کلمه تضامنی مختلط حتما ذکر گردد، و هم درج اسم اقلا یکی از شرکای که دارای مسولیت غیر محدود است، در عنوان شرکت لازم.

هم چنان مقررات تأسیس شرکتهای تضامنی مختلط سهامی مطابق ماده ۴۵۰ اصولنامه تجارت تصریح شده است که در تشکیل این گونه شرکت، وجود حد اقل ۵ نفر مؤسس باید از شرکای متضامن باشد. شرکای دارای مسولیت محدود، اشخاص ثالث و صلاحیت های راجع به اداره شرکت، نمایندگی آن در خارج و خروج از شرکت را تابع احکامی میدانند که در موارد فوق راجع به شرکت تضامنی مخطط تصریح شده و مواردی را که خصوصیت دیگر داشته باشد و در فصل مربوط به شرکت های مختلط سهامی تذکر نیافته باشد، تابع مقررات شرکتهای سهامی میدانند.

• احکام عمومی شرکت تضامنی مختلط

به اساس اصولنامه تجارتي افغانستان، به استثنای مواردی که در این فصل خلاف احکام قبلی تذکره عمل آمد، احکام قابل تطبیق راجع به شرکت های تضامنی، در مورد شرکتهای تضامنی مختلط هم معتبر است.

در صورت عدم امکان تعیین نوعیت شرکت که تضامنی یا مختلط میباشد، شرکت تضامنی پنداشته میشوند.^(۱۱۲)

در قرارداد شرکتهای تضامنی مختلط علاوه بر ماده ۱۳۷ اسامی شرکای محدود المسولیت بامقدار سرمایه که هرکدام آنها داده اند، نیز ثبت گردیده و اعلان میشود. به اساس ماده ۱۳۷ اصولنامه تجارت افغانستان درج مسایل زیر در قرارداد شرکت حتمی میباشد، که مختصراً به آن اشاره میگردد.^(۱۱۳)

- تاریخ قرارداد؛

^{۱۱۱} حقوق تجارت، ستانکزی و ناصح، ص ۲۴۰ بیشتر بنگرید / اصولنامه تجارت افغانستان، فصل سوم شرکتهای تضامنی مختلط، ماده ۲۴۳ بیشتر بنگرید

^{۱۱۲} همان منبع ص ۲۵۲-۲۵۴ بیشتر بنگرید / اصولنامه ماده ۲۰۲-۲۴۴ بیشتر بنگرید
^{۱۱۳} همان منبع، ماده ۱۳۷ بیشتر بخوانید / حقوق تجارت، ص ۲۵۳

- اسم، شهرت، اقامتگاه و دیگر اوصاف ممیزه شرکا و اگر شرکت دیگری به شرکت داخل شده باشد، عنوان شرکت مذکور؛
- مرکز شرکت؛
- تضامنی بودن شرکت؛
- عنوان شرکت؛
- نامهای شرکایی که بنام شرکت حایز صلاحیت امضا میباشند با تصریح این که منفردا و یا مشترکا صلاحیت امضا را دارند؛
- موضوع شرکت ؛
- حصه سرمایه ای را که با صورت تعیین قیمت آن؛
- حصه اشتراک هر شریک در نفع و ضرر؛
- تاریخ تأسیس و ختم شرکت.^(۱۱۴)

شرکت های تضامنی مختلط چنانچه از نامش پیداست از دو گروه از شرکاء بوجود میاید، تعداد از شرکاء تضامنی و تعدادی از شرکاء محدود المسئولیت، یعنی تعدادی از شرکای که مسولیت شان تضامنی بوده و مسولیت عام در قبال شرکت را دارا اند، تعدادی دیگری با مسولیت محدود که مسولیت شان در قبال شرکت به اندازه سرمایه شان است، تشکیل میشود.

هم چنان مسولیت بزرگ بر دوش شرکای متضامن است، به همین اساس اختیارات شرکاء متضا من نسبت به شرکاء محدود المسئولیت بیتشر است حتی عنوان شرکت نیز باید نام یکی از شرکای متضامن درج گردد. و مسولیت های شرکای محدود المسولیت و هم چنان صلاحیت های شان به اندازه سرمایه بوده و زیاده از آن نه مسولیت دارند و نه هم امتیازاتی برای شان در نظر گرفته شده است. قانون شرکت های تضامنی مختلط همان قانون شرکت های تضامنی بدون استثناءات آن میباشد.

ج- شرکت های سهامی

ماهیت و صورت تشکیل شرکت های سهامی

تعریف : شرکت های سهامی شرکت های اند که در تحت یک عنوان معین برای معاملات تجارتي تشکیل شده سرما یه آنها معین . منقسم به سهام بوده و اندازه مسولیت هر شریک به اندازه سهم وی محدود می باشد.^(۱۱۵)

صورت تشکیل : به دو صورت تشکیل میابند :

^{۱۱۴} همان منبع، ص ۲۵۳ / حقوق تجارت ، ص ۲۵۳ بیشتر بخوانید.
^{۱۱۵} اصولنامه تجارت، ماده ۲۶۶ / حقوق تجارت، ص ۲۵۶

1 - به صورت آنی (منحصر به موسسان)

2 - به صورت تدریجی (به اساس سهم گیری عمومی)

شرکت های سهامی حد اقل از پنج موسس و سهم دار تشکیل میابد .

شرکتهای سهامی شرکتهای اند که به اساس سهام تشکیل میشود، شرایط این شرکتهای در ازدیاد شرکا بستگی به شکل ایجاد شرکت دارد، یعنی در صورتیکه بشکل آنی تشکیل شود محدود به مؤسسان بوده و اشخاص دیگر را در آن شامل نمیسازند و لی در صورتیکه بشکل تدریجی تشکیل گردد، در آن صورت شرایط منحصر به شرکا نبوده و میتوان اشخاص دیگر را در شرکت سهم داد و سرمایه آنها را در شرکت پذیرفت.

مراد از سهم گیری، تعهد کردن شخص به تادیه مبلغ معینی در سرمایه شرکت در مقابل کسب منفعت است. موسسان کسانی اند که اساس نامه را تهیه و بر آن امضا می کنند.

از جمله موضوعاتی که باید در اساس نامه درج گردد میتوان از عنوان شرکت و موضوع آن، مرکز شرکت، تعیین مقدار سرمایه و نوع سهام، قیمت هر سهم و شرایط تا دیه طرز انتخاب هیئت مدیره و هیئت نظار، صلاحیت های آنان و قید مدت دوام شرکت یاد آوری گردید.^(۱۱۶)

• خصوصیات شرکت سهامی

شرکت های محدود المسولیت مطابق قانون شرکتهای سهامی مصوب ۱۳۹۶ دارای خصوصیات و ویژگیهای ذیل میباشدند^(۱۱۷):

۱- تجارتي بودن موضوع

۲- منقسم بودن سرمایه آن به سهام

۳- داشتن شخصیت حکمی مستقل

۴- داشتن اساسنامه

۵- داشتن عنوان

۶- محدود بودن مسولیت شرکاء

۷- عدم عرضه ی سهام به عامه مردم

• تشکیلات و اداره شرکت های سهامی

در شرکت های سهامی سه ارگان زیر فعالیت دارند:

اولا مجمع عمومی که در آن سهام داران گرد هم آمده، مسایل حیاتی شرکت را حل و فصل کرده، تصمیم اتخاذ می دارند.

^{۱۱۶} همان منبع، ماده ۲۷۹.

^{۱۱۷} وزارت عدلیه، قانون شرکتهای سهامی و محدود المسولیت، مسلسل (۹۱۳) ۱۳۸۵.

ثانیا هیئت مدیره که امور شرکت را اداره می کند.

ثالثا هیئت نظار که امور مربوط به شرکت و اجرات هیئت مدیره را نظارت می کند.

اینک هر یک را مختصرا مطالعه می کنیم. (۱۱۸)

خصوصیات شرکت های سهامی مشخصه ایست که شرکت های سهامی را از بقیه شرکت ها جدا میکند، یکی آن مشخصه سهامی بودن است، هم چنان مسولیت شرکاء نیز محدود به سرمایه و سهام آنها بوده و بیشتر از آن مسولیت ندارند، هم چنان شرکاء نمیتوانند سهام شرکت را بشکل عام به مردم عرضه کنند، یعنی برای دادن سهم به شرکاء شرایط خاصی وجود دارد، که مطابق آن شرکاء میتوانند سهام بدست بیاورند، و شرکاء نمیتوانند بدون آن به شخصی یا اشخاصی سهم بفروش برسانند.

نکته مهم و قابل یاد آوری در شرکت های سهامی اینست که درین شرکت اشخاص رول مهمی نداشته بلکه اعتبار کلی شرکت بر سهام متکی بوده و هر شخص که سهام بیشتر داشته باشد، طبعا صلاحیت و امتیاز بیشتر و هم چنان مسولیت بیشتر مربوط او خواهد بود و درتصامیم شرکت نیز رول عمده را دارد.

۱- مجمع عمومی :

مجمع عمومی عبارت از اجتماع اشخاصی است که شخصیت حقوقی شرکت را به وجود آورده و یا شخصیت حکمی شرکت وابسته به وجود آنها است. این مجمع عالی ترین مرکز قدرت شرکت بوده و تعیین کننده مقررات آن می باشد. مجمع عمومی سه نوع میباشد : مجمع عمومی تاسیس یا موسسان، مجمع عمومی عادی و بلاخره مجمع عمومی فوق العاده اصول نامه تجارت صرف مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق العاده پیشبینی کرده است. اینک هر یک را مورد بررسی قرار میدهم. (۱۱۹)

۲- هیئت مدیره :

طرز تشکیل : هیئت مدیره اقلا از سه نفر تشکیل میشود که از طرف مجمع عمومی انتخاب میشوند (تعیین اولین هیئت مدیره ذریعه اساس نامه نیز ممکن است) هریک از اعضای هیئت مدیره مجبور است یک مقدار سهام خود را به حیث ضمانت به شرکت تودیع کند. اسناد سهام موضوعه ایشان، مهر شده درخزانه شرکت حفظ گردیده و تازمانی که از مسولیت های زمان

^{۱۱۸} حقوق تجارت، ستانکزی و ناصح، ص ۲۵۸ / قانون شرکتهای سهامی فصل پنجم، ص ۸

^{۱۱۹} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت افغانستان، حصه چهارم، ص ۱۳۸

تصدی خود برائت حاصل نکند، از خزانه خارج نمیشود. قیمت این اسهام معادل یک درصد سرمایه شرکت میباشد. اگر یک فیصد سرمایه شرکت متجاوز از (دو صد) هزار افغانی باشد، توزیع زیادتر از این مبلغ جبری نیست. اعضای هیئت مدیره حد اکثر برای سه سال انتخاب میشوند و اگر در اساسنامه مانعی نباشد، انتخاب مجدد آن ها جایز است.^(۱۲۰)

هر سال اعضای هیئت مدیره برای خویش یک رییس و هنگام ضرورت معاونی هم انتخاب میکند. هرگاه به عوض عضو معزول، دیگری به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب شود، باید موضوع به اولین اجتماع مجمع عمومی پیش کش گردد. عزل اعضای هیئت مدیره که ذریعه اساسنامه انتخاب شده اند، در صورتی که مجمع عمومی آن را تصویب کند، جایز میباشد.^(۱۲۱)

• هیئت نظار

برای نظارت از اعمال هیئت مدیره و مطلع ساختن مجمع عمومی از آن، هیئتی در هر شرکت سهامی وجود دارد، که بنام هیئت نظار نامیده میشود و مراتب فوق را نظارت میکند. در صورتی در اساسنامه تذکره عمل نیامده باشد اعداد اعضای هیئت نظار دوفربوده و این اعضا برای بار اول برای مدت یک سال و بار دوم حداکثر سه سال تعیین شده میتوانند. این اعضا میتوانند که از جمله اعضای داخل شرکت باشند و یا از جمله اشخاص ثالث و خارج از شرکت.

انتخاب مجدد هیئت نظار برای بار دوم امکان دارد؛ ولی اعضای هیئت نظار مدیره شرکت که مدت خدمت شان به سر رسیده باشد تا وقتی که از طرف مجمع عمومی برائت حاصل نکرده باشند، به صفت اعضای هیئت نظار شامل کار شده نمی توانند.^(۱۲۲)

تشکیل شرکتهای سهامی به سه دسته تقسیم گردیده اند، مجمع اول سهم داران اند که گرد هم جمع شده و تمام مسایل و موضوعات شرکت را در میان خود به بررسی گرفته و در اخیر تصمیم اتخاذ مینمایند. گروه دوم اشخاصی اند که شرکت را مدیریت میکنند این افراد توسط سهام داران در مجمع سهام داران انتخاب شده و مسؤلیت های شان نیز معلوم میگردد. دسته سوم کسانی اند که امور مربوط به شرکت را نظارت و ارزیابی مینمایند، تاخلاء و مشکلات دیگر شرکت را حل و از رشد و پیشرفت شرکت اطمینان حاصل نمایند و در هر ربع و یا مدت معین گزارش خویش را برای مجمع عمومی سهام داران تقدیم نمایند.

د-: شرکتهای محدود المسولیت (Limited)

^{۱۲۰} حقوق تجارت، ص ۲۵۹ بیشتر بخوانید.

^{۱۲۱} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت افغانستان، حصه دوم، ص ۱۱۸.

^{۱۲۲} همان منبع ص ۲۵۹، بیشتر بنگرید/ قانون شرکتهای سهامی و محدود المسولیت، فصل نهم، ص ۲۱

تعریف

مطابق اصولنامه تجارت، شرکت های محدود المسولیت عبارت از شرکتهای است که سرمایه آن منقسم به سهام نبوده و مسولیت هر شریک محدود به اندازه سرمایه متعهد او در شرکت باشد، محدود یا (لمیتد) نامیده میشود^(۱۲۳).

به اساس تعریف فوق، این نوع شرکت ها به شرکت های سهامی شباهت داشته و شرکا بیشتر از آنچه سهم شان است مسولیت ندارند.

در تشکیل این شرکتهای نیز سرمایه رول دارد. زیرا سرمایه به سهام منقسم نبوده؛ بلکه شرکا هر یک سهم الشراکه داشته و مجموع آن سرمایه شرکت را تشکیل میدهد. مثلا شرکتی که به سرمایه یک ملیون افغانی تأسیس میشود به سهم الشراکه غیر مساوی و غیر قابل تجزیه، تقسیم میگردد، یعنی شاید یک نفر ۲۰۰ هزار افغانی و فردومی ۵۰۰ هزار افغانی و نفر سومی ۳۰۰ هزار افغانی در شرکت شریک شوند^(۱۲۴).

درینجا برای هر شخص سهم او اعلان میشود نه اندازه سرمایه ای که به شرکت تحویل داده است، و همین سهم الشراکه در شرکتهای محدود المسولیت اهمیت دارد؛ و همین نکته یکی از تفاوت میان شرکت های محدود المسولیت و سهامی را تشکیل میدهد.

شرکت های محدود المسولیت اکثرا دارای شرکای محدود بوده و تعداد شرکا به ندرت زیاد خواهد بود. این شرکتهای در بین اشخاصیکه معمولا باهم دوست و همکار میباشند، تشکیل گردیده و بعدا شکل فامیلی را میداشته باشد.

در کشورهای که تجارت جنبه خصوصی دارد، این نوع شرکتهای رواج زیاد داشته و در ایجاد و تأسیس این نوع شرکتهای، شخصیت شرکا تا اندازه اهمیت دارد.

• تشکیل شرکتهای محدود المسولیت

مطابق اصولنامه تجارت افغانستان، شرکتهای محدود المسولیت یا لیمتد در قدم اول به اجازه وزارت تجارت تشکیل میابد، و برای تشکیل باید تمام سرمایه شرکت تعهد و اقلا نصف آن تأدیه شده باشد. هم چنان برای تشکیل این شرکتهای حد اقل دو نفر و حد اکثر ۵۰ نفر پیش بینی شده است^(۱۲۵).

• سرمایه در شرکت های محدود المسولیت

^{۱۲۳} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت سال ۱۳۳۶، ماده ۴۵۶

^{۱۲۴} حقوق تجارت، ستانکزی و ناصح، ص ۲۶۰.

^{۱۲۵} حقوق تجارت، ص ۲۹۰ بیشتر بخوانید/ اصولنامه تجارت، ماده ۴۵۰

قسمیکه در قسمت شرکتهای سهامی گفته شد، امکان دارد سرمایه بشکل نقدی و غیر نقدی باشد. حد اقل سرمایه در افغانستان مطابق ماده ۴۵۹ اصولنامه تجارت افغانستان مبلغ یک صد هزار افغانی میباشد.

سرمایه درین نوع شرکت ها به سهم الشركة که به اساس آن صاحبش به اندازه آن مسولیت دارد، منقسم میباشد. یعنی سهم الشراکه با سهام در شرکتهای سهامی در موارد زیر فرق دارد:

- ۱- سهم الشركة نباید بشکل اوراق تجاری قابل انتقال بیرون آید.
- ۲- سهم الشراکه را نمیتوان به غیر از شرکاء انتقال داد؛ مگر به رضای شرکای که اقلا سه ربع $\frac{3}{4}$ سرمایه شرکت مربوط به آنها است.

۳- انتقال سهام صورت نمیگیرد؛ مگر به موجب سند رسمی و این عینا مانند اسناد با اسم است و باید به اساس سند رسمی صورت گیرد و بعدا انتقال کند. (۱۲۶)

تفاوتی دیگری که میان شرکت های سهامی و محدود المسولیت دیده میشود، اینست که در شرکت های سهامی سهام شرکت رول عمده داشته و افراد در آن شرکتهای مهم نبوده و تمام اهمیت در آنها مربوط به سهام میگردد، در حالیکه در شرکتهای محدود المسولیت ضمن اینکه سهم شرکت در شرکت مهم است، رول افراد نیز نادیده گرفته نمیشود، و افراد نیز دارای تاثیر درین نوع شرکت ها میباشد.

• خصوصیات شرکتهای محدود المسولیت

شرکت محدود المسولیت مطابق قانون مصوب ۱۳۶۹ دارای خصوصیات و ویژگی های ذیل میباشد. (۱۲۷)

- ۱- تجاری بودن موضوع
- ۲- منقسم بودن سرمایه حکمی مستقل
- ۴- داشتن شخصیت حکمی
- ۵- داشتن اساسنامه
- ۶- داشتن عنوان
- ۷- محدود بودن مسولیت شرکاء
- ۸- عدم عرضه ی سهام به عامه مردم

^{۱۲۶} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت افغانستان، ماده ۴۵۹.
^{۱۲۷} فصلنامه علمی کاتب، خصوصیات شرکتهای محدود المسولیت، سال ۶، شماره ۱۴، ۱۳۹۸/ وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون شرکتهای محدود المسولیت، ماده ۲۰، مسلسل ۹۱۳، ۱۳۸۵

همانطوریکه اشاره گردید شرکت های محدود المسولیت با شرکتهای سهامی مشابه اند بناء خصوصیات هر دو شرکت نیز باهم نزدی میباشد، تنها میتوان این نکته را اضافه نمود که رول افراد درین شرکتهای قابل مشاهده میباشد، چیزیکه در شرکتهای سهامی دیده نمیشود.

و:- شرکتهای تعاونی (Cooperative)

تعریف

کوپراتیف عبارت از انجمن افرادی است که به روی علایق مشترک ، اهداف معین واشتراک مساعی اختیاری شان به منظور نایل شدن به یک وضع اقتصادی مشترک متکی بر اساسات اداره دموکراسی وسهم گیری مساویانه در تأمین سرمایه مورد نیاز ومتقبل شدن نفع وضرربه میان میاید.(۱۲۸)

به عبارت دیگر کوپراتیف ها انجمنی است که افراد ان به روی علایق واهداف معین متکی بر اساسات اداره مشترک بمنظورنایل شدن به یک وضع بهتر اقتصادی واجتماعی تشکیل میشود.(۱۲۹)

نوع دیگری از شرکتهای تجارتي که نه سرمایه ونه ضمانت شرکا در آن تاثیر کلی دارد بلکه تعداد شرکا واکثریت آنها مؤثر است شرکتهای تعاونی هستند.

درقبال احتیاجات روز افزون، افراد ضعیف مخصوصا کشاورزان وکارگران، جز با کمک یکدیگر نمیتوانند مشکلات بزرگی را حل کنند. یک فرد متمول یا توانا شاید بدون کمک دیگران بتواند حوائج خود را برآورد ولی بیشتر افرادی که از جنبه مالی ضعیف اند، اگر به یکدیگر کمک نکنند هرگز نمیتوانند زندگی خوبی داشته باشند.

یک نیروی ضعیف در جامعه ناچیز است ودرمقابل احتیاجی که در اثر توسعه دایره تمدن هر ساعت اضافه میشود نمیتواند وسایل راحتی وآسایشی خود را فراهم نماید ولی هرگاه این نیروها هر قدر ضعیف هم باشند اگر متمرکز شوند قدرت بزرگی تشکیل میدهند که در سایه آن شرکای که از آن بهره مند میشوند بهر هدف اقتصادی که مایل باشند خواهند رسید.

در قرن هجدهم که اروپا به دو دسته متمایز تقسیم شده بود یکی ثروتمندان وصاحبان کار خانه واشراف ودیگری کار گران وکشاورزان ورنجبران. این احتیاج بیشتر برای طبقه پائین پیدا شد که خودشان بدون مراجعه به طبقه ثروتمندان یعنی به شرط اجتماع شرایط زندگی را خود فراهم سازند.(۱۳۰)

^{۱۲۸} حقوق تجارت، ستانکزی وناصح، ص ۳۰۱

^{۱۲۹} همان، ص ۳۰۱

^{۱۳۰} به نقل از سایت کوپراتیف های افغانستان ([www. fa.wikipedia.org/wiki](http://www.fa.wikipedia.org/wiki))

برای برآورده شدن اهداف فوق شرکت تعاونی خوبترین شرکتی است که به منظور بهبود وضع اقتصادی شرکا و تأمین حوائج زندگی و یاکار پیدانشود اشخاصی بمنظور بهبود وضع اقتصادی خود شرکتی تشکیل میدهند که در نتیجه:

۱-: اگر بهای اجناس گران و شرکا بعلت نداشتن پول نتوانند احتیاجات سالیانه خود را یکجا خریداری کنند و ناچار اند روزمره از دست سوم و چهارم اشیاء مورد احتیاج خود را بقیمت گرانتر تهیه کنند، شرکت تعاونی با پول جزئی که هر شریک می پردازد و جمع آن مبلغ کلی میشود، اشیاء مورد احتیاج شرکا را از دست اول خریداری و به همان قیمت تمام شده یا سودی خیلی جزئی به شرکا میفروشد.

۲-: هرگاه کشاورزان و صاحبان صنایع نتوانند کالا یا متاع خود را به علت احتیاج به پول در بازار به قیمت خوب بفروشند و ناچارند محصولات خود روزانه به بهای کمتر به دلالان و یا سود پرستان واگذار نمایند؛ شرکتی تشکیل میدهند که آن شرکت کالای آنها در یک محل جمع نموده و به قدر احتیاج روزانه به آن پول میدهد، سپس کالای جمع شده را به قیمت خوب در بازارهای دنیا فروخته، وجه آنرا پس از کسر سود بسیار نازل به شرکا میپردازد.

۳-: به اشخاص بی بضاعت کسی وام نمیدهد، و اگر بدهد با شرایط سنگینی خواهد بود. این قبیل اشخاص شرکتی تشکیل و سرمایه جزئی که میپردازند اعتبار کافی بدست آورده و هر یک از شرکا اگر احتیاجی داشته باشد با سود ناچیزی از شرکت وام میگیرد. در شرکت تعاونی سرمایه و نفوذ اشخاص نقش مهمی ندارد و شرکا هر قدر سرمایه داشته باشند بیش از یک رای نخواهند داشت و سود هم به نسبت سرمایه تقسیم نمیشود.^(۱۳۱)

• انواع شرکتهای تعاونی

نظربه مشکلات که قبلاً تذکر رفت، باید تأسیس و طرز فعالیت های شرکت های تعاونی از تشنت و پراکندگی جلوگیری بعمل آید. در حال حاضر نمیتوان در انجام وظایف از تخصص استفاده نمود، لذا شرکتهای تعاونی باید اهداف مختلفی را تعقیب کرده و غرض رسیدن به آن انجام چندین وظیفه را بعهده گیرند. طوریکه در ابتداء مطالعه کردیم شرکت های تعاونی از هدف شرکت های تعاونی یک هدفه و چندین هدفه دسته بندی میگردد. هم چنان از نگاه نوع فعالیت و خدمات مذکور نظر به علایم به چند کتگوری تقسیم شده اند.

^{۱۳۱} ستانکزی، نصر الله و ناصح، محمد، حقوق تجارت، ص ۲۹۵. بیشتر بخوانید.

شرکتهای تعاونی زراعتی، باغداری، مالداري، بانکداری، استهلاکی، تهیه و فروش تقسیم میشود. (۱۳۲)

طبق دلیل فوق پیشنهاد میگردد که شرکتهای تعاونی آینده افغانستان یک ترکیب از هر دودسته بندی باشد، مثلا شرکتهای تعاونی سکتوری و چندین هدفه مثل شرکت های تعاونی زراعت عمومی، جنگلداری، پخته کاری، مالداري باغداری، تعمیراتی، لبلبو و نیشکرواستهلاکی (برای مامورین و کارمندان دولتی و غیر دولتی) اما هر یک این شرکت ها باید وظایف تهیه و تدارک مواد و وسایل تولیدی، فروش و بازار یابی، اعطای قرضه و اخذ پس انداز را بعهده گیرد. واضح است که با انکشاف فعالیت و خدمات در آینده در تشکیل شرکتهای تعاونی تقسیم وظایف متذکره یک امر ضروری خواهد بود.

قابل یاد آوریست که شرکتهای تعاونی همانند شرکتهای تضامنی، سهامی ولیمند دارای تشکیلات خاص بوده و فعالیت های این شرکتها توسط این ارگانها اداره و کنترل میشود. (۱۳۳)

خصوصیات شرکتهای تعاونی

مطابق ماده ۶ قانون شرکتهای تعاونی، شرکتهای مذکور دارای خصوصیات ذیل میباشد. (۱۳۴)

۱- عنوان (نام) شرکت

۲- اهداف دولتی شرکت.

۳- فهرست سهامداران و توزیع سهام صادر شده .

۴- مقر شرکت

۵- اندازه سهام سرمایه

۶- مدت دوام شرکت در صورتی که مدت دوام شرکت محدود باشد.

۷- تعداد سهام صادر شده و ارزش اسمی هر سهم صادر شده

۸- اندازه سهام سرمایه

۹- تعداد و ترکیب هیئت مدیره.

۱۰- تعداد و ترکیب کمیته اجرایی.

۱۱- سایر مواردی که مخالف احکام قانون نباشد. (۱۳۵)

^{۱۳۲} حقوق تجارت، ستانکزی و ناصح، ص ۳۰۰.

^{۱۳۴} وزارت عدلیه، شرکتهای تعاونی، ماده ۶، ۱۳۳۹۷
^{۱۳۵} همان منبع، ماده ۶

شرکتهای تعاونی قسیمیکه از نامشان هویداست شرکت های اند که بغرض کمک و همکاری ایجاد میگردند، اگرچه هدف این شرکتهای تجارت باشد، ولی درکل هدف ایجاد آنها کمک است بناء برنامه های این شرکتهای برنامه های تعاونی بوده، مفاد این شرکتهای نیز برای همکاری و کمک به مصرف میرسد، شرکتهای تعاونی البته این کمکها بدوشکل صورت میگیرد، شرکتهای تعاونی دولتی کمک هایش را به کارمندان خود که عبارت از مامورین دولت باشند توزیع میکند، شکل دوم آن عبارت از توزیع شرکتهای تعاونی برای اعضاء خودش میباشد، زمانیکه مفاد بدست میآورد، یا هم زمانیکه جنس را خریداری میکند، به قیمت بسیار ارزان انرا به اعضاء خود میدهد.

مطلب سوم مقایسه شرکت ها در فقه و قانون افغانستان

درین بحث میخواهیم شرکتهای و انواع شرکتهای در فقه اسلامی و قوانین بشکل مقایسه ای بحث نمایم. چنانچه در مباحث گذشته درمورد شرکتهای در فقه اسلامی به تفصیل بحث گردید. شرکت در فقه اسلامی بصورت عمومی دونوع میباشد، یکی شرکت املاک، دوم شرکت عقود. شرکت املاک به دونوع تقسیم گردید، که عبارت از شرکت اختیاری و غیر اختیاری میباشد.

شرکت عقود به نوبه خود به چهار نوع دیگر تقسیم گردیده است. شرکت اموال، شرکت، اعمال، شرکت وجوه یا اعتبار و شرکت مضاربت میباشد^{۱۳۶}.

شرکت اموال به نوبه خود به نوع فرعی دیگر تقسیم گردیده که عبارت از شرکت عنان و شرکت مفاوضه که بشکل مختصر بالای هرکدام بحث کوتاه صورت گرفت.

قانون مدنی افغانستان شرکت را بصورت عمومی به چهار بخش تقسیم نموده است، که عبارت از شرکت اموال، شرکت اعمال، شرکت وجوه یا اعتبار و شرکت مضاربت است^{۱۳۷}.

از جمله شرکتهای متذکره فوق (شرکت اموال، اعمال، وجوه یا اعتبار) را به دونوع دیگر عنان و مفاوضه تقسیم نموده که در فقه اسلامی نیز عین تقسیمات وجود دارد که قبلا درمورد بحث صورت گرفت.

قابل ذکر است که شرکت های ذکر شده در فقه اسلامی فروع از شرکت عقود میباشد، که قبلا درمورد بحث مفصل صورت گرفت. یعنی در تقسیمات شرکتهای قانون مدنی افغانستان کاملا از فقه اسلامی پیروی نموده است.

^{۱۳۶} الشركات فی الفقه الاسلامی، علی الخفیف، ۲۶
^{۱۳۷} وزارت عدلیه، قانون مدنی، ماده ۱۲۱۶.

قوانین تجارتي افغانستان اما، تقسيمات خود را بشکل ديگري نموده است. قوانين مذکور شرکت را به پنج نوع تقسيم نموده است؛ شرکت تضامنی، شرکت تضامنی مختلط، شرکت محدود المسوليت، شرکت سهامی و شرکت تعاونی میباشد^{۱۳۸}. این شرکتها چنانچه از نام شان پيدا است شرکتهاي اشخاص میباشد. در فقه اسلامی اگرچه قواعد اکثرين شرکتها موجود است، ولی نامهای این آنها چیزی جديد است که در فقه اسلامی نامگذاری نشده است.

از قواعدیکه هم در فقه اسلامی و هم در شرکتهاي جديد وجود دارد ميتوان، قواعدی مساوات در تصرف، در راس المال و در مفاد و خساره و هم چنان در مسوليت ها را ياد آوری نمود، این مماثلت تقریباً در همه شرکتهاي جديد که در فوق از آن ياد آوری نمودیم وجود دارد، در حالیکه از موضوعات مذکور در فقه اسلامی در شرکتهاي عنان، مفاوضه و مضاربت مفصلاً بحث نمودیم. بناء اگرچه نام این شرکت های چیزی جديد است، اما قواعد و ضوابط آنها با فقه اسلامی بسیار نزدیک میباشد.

پس در نتیجه گفته ميتوانیم که اگرچه اسمای شرکتهاي جديد تجارتي در جهان و افغانستان جديد ايجاد شده اند، اما در حقيقت و اصل موضوع این شرکتها شرکتهاي اشخاص اند که در فقه اسلامی، به اشکال مختلف وجود دارند، مثلاً در شرکت مضاربت، در شرکت اعمال، در شرکت وجوه یا اعتبار وغيره... احکام و اوصاف این شرکت ها نیز در فقه اسلامی وجود دارد، که قبلاً هم اشاره گرديد، در شرکتهاي عنان و مفاوضه که در سطور فوق بالای آن صحبت گرديد^{۱۳۹}.

^{۱۳۸} اصولنامه تجارت افغانستان، ماده ۱۱۷.

^{۱۳۹} احکام شرکتات الاشخاص، زراری نجاه و موحوس نسیمه، ص ۶، دانشگاه عبدالرحمن میره، دانشکده حقوق، سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴.

فصل سوم تفاوت های شرکت های مدنی و تجاری

درین فصل موضوعا ذیل به بررسی گرفته میشود:

- اهمیت تفکیک شرکتهای مدنی و تجاری

مبحث اول شرکتهای مدنی

- مطلب اول ماهیت شرکتهای مدنی
- مطلب دوم اهمیت شرکتهای مدنی
- مطلب سوم ویژگیهای شرکتهای مدنی

مبحث دوم شرکتهای تجاری

- مطلب اول ماهیت شرکتهای تجاری
- مطلب دوم اهمیت شرکتهای تجاری
- مطلب سوم ویژگی های شرکتهای تجاری

مبحث سوم تفاوتها شرکتهای مدنی و تجاری

- مطلب اول علل تفکیک
- مطلب دوم فواید تقسیم بندی
- مطلب سوم تفاوت های ماهوی
- مطلب چهارم تفاوت شکلی

مبحث اول شرکتهای مدنی

شرکتهای مدنی و تجارتي چنانچه از نامش پيداست به دو مقصد متفاوت ايجاد ميشوند، که یکی مقصد مدنی و دیگری مقصد تجارتي دارند، این دو هدف در حقيقت به اساس نياز و ضرورت مردم تشخيص و تفکيک گرديده اند، افرايکه به این موضوعات سروکار دارند، بايد از تفاوت های هر دو آگاه شوند، زیرا که در صورت نداشتن هم خود و هم ديگران را به مشکلات زيادی مواجه ميسازند. زیرا شرکتهای مدنی و تجارتي در موضوعات زيادی متفاوت اند، گاهی این تفاوت در قوانين جداگانه مطرح است، گاهی در محاکم جداگانه، گاهی در مقاصد، گاهی در نوعيت معاملات که عدم فهم در هر قسمت فرد يا افراد را به مشکلات زيادی مواجه خواهد ساخت. بناء دانستن تفاوت های شرکتهای مذکور برای عام مردم مفيد است، اما اشخاص مانند، تاجران، محصلين بخش مسلکی مثل حقوق و شرعيات، وکیل مدافع، خاړنوالان و قضات که با این موضوعات روزانه سروکار دارند، نهايت مهم و ضروريست، که درين قسمت این تفاوتها را در ابعاد وسيع به بررسی خواهيم گرفت.

مطلب اول ماهيت شرکتهای مدنی

ماهيت معاملات مدنی خلاف ماهيت معاملات تجارتيست، که این موضوع در چند نکته خلاصه ميکنيم:

قدم اول: افراد يکه اراده معاملات مدنی دارند تاجر نباشند چون تاجر بودن یکی از شرايط معاملات تجارتي که در ماده ۱۴ اصولنامه تجارتي افغانستان مشخص گرديده است ميباشد.

قدم دوم: برای اینکه معامله مدنی تلقی شود، بايد قصد خريد و فروش اموال درمیان نباشد چون در صورتی که قصد خريد و فروش وجود داشته باشد معامله تجارتي بحساب ميايد.^(۱۴۰)

يعنی در صورتی که اموال به قصد فروش خريداري گردد، معامله مدنی نبوده و تجارتي محسوب ميگردد. يعنی در معاملات مدنی شرط نيست که آنچه خريده شده بايد بفروش برسد، يعنی اگر شخصی مقدار مالی را بقصد نگهداری يا ضرورت خانه ويا هرنياز ديگر غير از تجارتي خريداري کند وبعدا به اساس ضرورت بخواد آنرا بفروش برساند ويا اجاره دهد، همه موارد فوق معاملات مدنی بحساب ميايد.

قدم سوم: اموال بايد منقول نباشد، زیرا در معاملات مدنی اموال غير منقول مورد نظر ميباشد و اموال منقول از جمله موضوعات معاملات تجارتي ميباشد.

^{۱۴۰} وزارت عدليه، اصولنامه، ماده ۱۵

قدم چهارم: هم چنان اشخاصی که معاملات مدنی انجام می‌دهند مقید به استمرار نبوده می‌توانند گاهی انجام دهند و گاهی هم آنرا ترک گویند.^(۱۴۱)

یعنی اشخاصیکه می‌خواهند معاملات مدنی انجام دهند، می‌توانند اموال خویش را بفروش برسانند یا هم اموال غیر منقول مثل خانه و زمین و غیره ... را بفروش برسانند، یا هم گاهی این کار ترک کنند، درحالیکه اگر قصد استمرار داشته باشند معامله مدنی نبوده از جمله معاملات تجارتي بحساب می‌آید.

قدم پنجم: در معاملات مدنی شرط نیست که حتمی باید شخصی که معاملات مدنی را انجام می‌دهد، آنرا منحيث شغل انتخاب کرده باشد، می‌تواند در عین زمان کار های دیگری نیز انجام دهد، و درپهلوی آن سلسله معاملات مدنی خرید و فروش را نیز انجام دهد.

قدم ششم : عدم سرعت

یکی از اصولی که باعث جدایی گردیده عبارت از عدم سرعت در معاملات مدنی است، و معاملات مدنی بشکل کلی بسیار بطی پیش می‌رود، درحالیکه تاجر بدون سرعت نمیتواند امور خود را بشکل درست تنظیم نماید، لذا این یک علت بود تا شرکتها و معاملات تجارتي از مدنی جدا گردید.

قدم هفتم: عدم اعتماد

در امور مدنی اعتبار به اندازه که در امور تجارتي وجود ندارد، ازینرو شخصی که معاملات مدنی انجام برای پیش برد امور خود باید معاملات را تنها بوسیله قرار داد رسمی میتواند انجام دهد، مثلا امور تجارتي به شکل قرض انجام میشود، و ضرورت است که اکثرا معاملات با ایجاب و قبول و بدون طی مراحل اسناد انجام شود. مال و پول میان تاجران رد و بدل میشود که اکثرا به اساس اعتبار صورت می‌گیرد. درحالیکه در معاملات مدنی اعتبار جایگاه نداشته و هر معامله باید به اساس قرار داد رسمی (نوشتاری) صورت گیرد، در غیر آن صورت معتبر پنداشته نمیشود.

قدم هشتم: سوم اسناد خاص مربوط به امور تجارتي

در امور مدنی معامله به پول انجام میشود اما در امور تجارتي معامله به چک و حواله و غیره مسایل انجام میشود.^(۱۴۲)

قدم نهم: مداخله دولت در امور تجارتي

^{۱۴۱} حقوق تجارتي، ص ۴۴، ۴۵

^{۱۴۲} حقوق تجارتي، ستانکزی و ناصح، اوصاف و ممیزات اسناد تجارتي، ص ۱۲۲

امور مدنی اگرچه از حمایت دولت برخوردار است. اما یک سلسله حمایت های قوی و سریع را معاملات تجارتي ضرورت دارد که تنها بوسیله دولت انجام شده میتواند، تا تاجران بتوانند مشکل خود را سریعتر حل و فصل نمایند، مثل امور ویزای خاص، مداخله در حکمیت های تجارت بین المللی و غیره^{۱۴۳} در حالیکه در معاملات مدنی هیچ یک از این موارد وجود نداشته و دولت درین موضوعات معاملات مدنی مداخله نمیکند.

در کل اگر بخواهیم معاملات مدنی را خلاصه کنیم، اینطور میگوییم که معاملات مدنی عبارت از معاملاتی اند که شروط معاملات تجارتي را نداشته باشد، یعنی وقتی اموال بدون قصد خرید و فروش و اموال غیر منقول و بدون استمرار انجام گردد، هرگونه معامله دیگر میتواند یک معامله مدنی باشد، اصولنامه تجارت افغانستان در معاملات تجارتي شروط فوق را شرط قرار داده است، و بدون این شروط معاملات تجارتي نبوده بلکه معاملات مدنی بحساب میاید، از خصوصیات دیگر معاملات مدنی اینست که معاملات مدنی برعکس معاملات تجارتي بسیار وسیع و گسترده است. هم چنان معاملات مدنی تابع قانون مدنی بوده و تابع افلاس نمیگردد. (۱۴۴) در حالیکه معاملات تجارتي تنها معاملاتی اند که در قانون تجارتي افغانستان پیش بینی شده اند.

مطلب دوم اهمیت شرکتهای مدنی

در مورد اهمیت شرکتهای در فصل اول بحث مفصل نمودیم، که شرکتهای در یک کشور جایگاه خاص خودش را داشته و تاثیرات خوبی بالای اقتصاد، و شغل زدایی دارد.

از مباحث فوق که در بحث شرکتهای مدنی گردید به این نتیجه میرسیم که، بوسیله شرکتهای میتوان تعدادی کثیری از افراد بیکار را صاحب کار نمود، و از این طریق بر اقتصاد کشور اثر خوب گذاشت. شرکتهای چی تجاری و یا مدنی هر دو این رول را بازی میکنند، از طرفی شرکتهای مدنی ضمن موثریت بر اقتصاد و کاهش فقر در رشد فرهنگ و هم پذیری جایگاه بلندی دارد. کار جمعی باعث بهتر شدن اجتماع، سازگاری مردم با همدیگر و تعاون آنها همه و همه در شرکت های مدنی انجام میپذیرد.

حس دوستی و تعاون زیاد تر شده و مردم احترام به رای، اخلاق، و افکار یکدیگر را یاد میگیرند. زیرا شرکتهای مدنی با نیت های غیر تجارتي و گاهی غیر و انتفاعی و گاهی خیریه میباشند، که این مسله دلایل خوبی برای موضوع ما بحساب میآیند. بناء شرکتهای مدنی نه تنها که

^{۱۴۳} www.aadin.blogfa.com بیشتر بخوانید

^{۱۴۴} وزرات عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده های ۱۴، ۱۵، ۱۸

در اقتصاد و کاهش فقر و بیکاری رول عمده بازی میکند، بلکه در ساختن اجتماع فرهنگی پیشرفته نیز نقش کلیدی را دارا میباشد.

بناء اهمیت شرکتهای مدنی در ابعاد مختلف قابل یاد آوریت، نکته مهم دیگری که میتوان از آن یاد آوری نمود، اینست که شرکت های مدنی حتی میتواند در راستای کاهش جرم و جنایت کمک کند.

قبلا یاد آور شدیم که بوسیله شرکتهای مدنی میتوان محیط سالم را بوجود آورد و اختلاف و کشمکش ها را کاهش داد. فرهنگ را رشد و تحمل و حوصله مندی در برابر یکدیگر را بوجود آورد. همه اینها در کاهش جرم و جنایت نهایت مهم و کمک کننده میباشد.

اگرچه شرکتهای مدنی مشابه شرکت تجاری نیست، و امتیازات آنرا ندارد، ولی با وصف این مسئله بوسیله شرکتهای مدنی میتوان عاید خوبی برای شرکاء حاصله نمود. زیرا از طریق شرکت مدنی میتوان خرید و فروش نمود و سرمایه را رشد داد. خلاصه شرکتهای مدنی به همان اندازه که امتیاز کمتری دارند، به همان اندازه آسان ایجاد شده و آسان نگهداری میشود.

مطلب سوم ویژگیهای شرکتهای مدنی

خصوصیات شرکتهای مدنی میتوان بشکل مختصر درسطور زیر بشکل شماره وار ذکر نمود:

• اول مشاعیت

این نوع شرکتها عبارت از مشاعیت درین شرکت است، اگرچه درشرکتهای تجاری نیز مشاعیت وجود دارد، ولی از لحاظ نتایج این دو مشاعیت باهم کاملا متفاوت است، یعنی مشاعیت شرکتهای تجاری شکل تجاری داشته ، در حالیکه مشاعیت شرکتهای مدنی شکل تجاری نبوده بلکه هدف مشاعیت بیشتر جنبه اجتماعی و تعاونی را بخود میگیرد.

• دوم غیر تجاری بودن

شرکتهای مدنی غیر تجاری بودن آنست، که تنها موضوعات غیر تجاری درین شرکتها انجام میشود، یعنی معاملات کاملا مدنی بوده و هدف و قصد تجاری در آن دیده نمیشود. که این مسئله در ماهیت شرکت مدنی و مسولیت های آن تاثیر بسیار زیادی دارد، مثلا یکی از بین مسولیت ها عدم پرداخت مالیه گزارف است، که شرکت مدنی به آن مکلف نمیباشد.

• سوم وسعت

خصوصت دیگر آنها نظر به قانون مدنی افغانستان اینست که این شرکت ها میتوانند بشکل بسیار وسیع ایجاد گردند، تنها شرط در آن اینست که مفوضه یا عنان باشد، ماده ۱۲۱۷ چنین بیان میدارد: «شرکت خواه به اعطای مال باشد یا انجام عمل یا اعتبار دونوع است: «مفوضه و عنان»^(۱۴۵).

یعنی در صورتیکه دو شرط فوق را داشته باشد، هر شخص میتواند شرکت ایجاد کند، این در صورتیست که شرکتهای تجارتی بسیار محدود بوده و بجز شرکتهای که در قانون شناخته شده اند، شرکتهای دیگر معتبر دانسته نمیشوند هم چنان برای ایجاد شرکتهای تجارتی معیارهای زیادی در نظر گرفته شده است که هر شخصی قادر نیست آنها را تکمیل نماید. مثلاً در ماده ۲۵ قانون شرکتهای تضامنی گفته شده که هر شخصی که میخواهد شرکت تضامنی خاص ایجاد کند شرایط آنرا کتبا ثبت نماید.^(۱۴۶)

منظور اینست که شرایط ایجاد یک شرکت تجارتی بسیار و در عین زمان مشکل است که هر شخص از عهده ای آن بر نمی آید، در حالیکه در ایجاد شرکتهای مدنی شرایط بسیار آسان و در عین حال بشکل بسیار ساده میتواند ایجاد گردد.

• چهارم مرور زمانی بیشتر

مرور زمان در معاملات مدنی که شرکت های مدنی جزئی از معاملات مدنی اند، بیشتر نسبت به موضوعات تجارتی است، یعنی در موضوع تجارتی مرور زمان تنها پنج سال است که بیشتر از آن دعوی تجارتی قابل سمع نمیباشد، در حالیکه در قضایای مدنی مرور زمان به ۱۵ سال بوده والی ۱۵ سال این دعوی قابل سمع میباشد.^(۱۴۷)

هم چنان در مورد اسناد تجارتی نیز مرور زمان از شش ماه الی سه سال در نظر گرفته شده است.^(۱۴۸) البته در صورت عدم عذر شرعی، و در صورت داشتن عذر موجه مسئله متفاوت است.

^{۱۴۵} وزارت عدلیه، قانون مدنی، ماده ۱۲۱۷

^{۱۴۶} وزارت عدلیه، قانون شرکتهای تضامنی، ماده ۲۵، مسلسل ۹۱۳، ۱۳۸۵.

^{۱۴۷} قانون مدنی، ماده ۹۶۵

^{۱۴۸} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۹۴۲ و ۵۳۸

مبحث دوم شرکتهای تجاری

درین مبحث روی موضوعات ذیل بحث صورت خواهد گرفت:

مطلب اول ماهیت شرکتهای تجاری

مطلب دوم اهمیت شرکتهای تجاری

مطلب سوم ویژگی های شرکتهای تجاری

مطلب اول ماهیت شرکتهای تجاری

نخست باید گفت که ماهیت شرکتهای تجاری ماهیت تجاری است، زیرا ماهیت تجاری یک ماهیت شناخته شده است، هر شخص اعم از تاجر و غیر تاجر این ماهیت را میثناسد. ماهیت تجاری یعنی اینکه معاملات شرکت تجاری تنها و تنها تجارت بوده و هیچ معامله ای دیگر را انجام نمیدهد. شرکت تجاری معاملات تجاری را انجام میدهد، که درینجا لازم است تا معامله تجاری را تعریف کنیم.

اصولنامه تجارت افغانستان در مواد ۱۴ و ۱۵ خود معاملات تجاری را چنین تعریف کرده است «اشخاص تاجر یا غیر تاجر که اموال منقول را به مقصد فروش یا اجاره دادن به دیگران خریداری مینمایند و آن اموال منقول را به حالت اصلی آن و یا بشکل دیگری تبدیل کرده بفروشد، یا اجاره بدهد؛ این اجاره از جمله معاملات تجاری محسوب میشود»^(۱۴۹). یا اینکه «اشخاص تاجر و غیر تاجر که اموال منقول را به نیت اجاره دادن به کسی به اجاره بدهد، اجاره گرفتن و اجاره دادن چنین اموال منقول را جمله معاملات تجاری محسوب میگردد»^(۱۵۰)

علاوه از آن فقره دوم ماده دوم مقرر خرید و فروش مال التجارة معاملات تجاری را چنین تعریف کرده است: «معاملات تجاری، عمل خرید و فروش مال التجارة به مقصد کسب مفاد عادلانه به صورت عمده و یا پرچون میباشد»^(۱۵۱).

از تعاریف فوق الذکر چنین استنباط میگردد، که معاملات تجاری بصورت خاص عبارت است از: خرید اشیاء منقول به مقصد فروش به منظور کسب منفعت و یا اجاره گرفتن اشیاء منقول به منظور اجاره دادن به شخص دیگری میباشد.

^{۱۴۹} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت افغانستان، ماده ۱۴ و ۱۵، ۱۳۳۶

^{۱۵۰} همان منبع، ماده ۱۴

^{۱۵۱} وزارت عدلیه، مقرر خرید و فروش مالتجاره، ماده ۲، ۱۳۵۸

مطلب دوم اهمیت شرکتهای تجاری

شرکتهای تجاری برخلاف شرکتهای مدنی دارای امتیازات خاص بوده و یک سلسله تشریفات خاصی ضرورت دارد، در ضمن امتیازات خاصی نیز دارد که شرکتهای مدنی امتیازات مذکور را ندارد^(۱۰۲).

زمانیکه تجارت در جهان رشد نمود، نیاز شدید به ایجاد شرکتهای تجاری احساس شد، زیرا شرکتهای مدنی دیگر جوابگوی مسایل تجاری نبوده، به همین منظور شرکتهای تجاری ایجاد گردید تا تجارت بشکل آسان، ارزان و به موقع صورت گیرد، شرکتهای تجاری از طرفی سهولت را برای تجارت ببار آورد و از طرف دیگر چونکه مسایل تجاری به مسایل مالی وابسته است، نیاز است سلسله تشریفات مد نظر گرفته شود که اهمیت شرکتهای تجاری را نشان میدهد.

شرکتهای تجاری تاثیر بسیار عمیق بر اقتصاد، سیاست، امنیت و فرهنگ یک کشور دارد. از لحاظ اقتصادی شرکتهای تجاری را منحصی شاه رگ اقتصادی میتوان تلقی نمود، زیرا اکثریت مسایل تجاری بوسیله شرکتهای تجاری انجام میشود، با ایجاد شرکتهای بیشتر در یک کشور زمینه کاری برای افراد بیشتر گردیده و در شرکت تجاری حدود صداها، بلکه هزار انسان صاحب کار شده و بیکاری در جامعه کاهش چشم گیری پیدا میکند.

رشد اقتصادی از یک طرف و کاهش بیکاری از طرف دیگر امنیت یک کشور را متاثر میسازد، زیرا همین دو عامل از سبب مشکلات امنیتی در یک کشور بوده با از بین رفتن آن امنیت به کشور برمیگردد، حتی شرکتهای تجاری در دنیا باعث تغییر سیاست ها در کشورها میگردد، و کشورها سیاست خارجی خود را با همسایه ها به اساس رشد و عدم رشد اقتصادی کشور های دیگر تنظیم میکند، بناء شرکتهای تجاری در یک کشور بسیار زیاد مهم بوده و روی همین ملحوظ میبینیم که قوانین زیادی برا موضوعات تجاری و شرکتهای تدوین گردیده است که تدوین قوانین یک نوع توجه دولت برای شرکتهای تجاری نشان میدهد. شرکتهای تجاری منحصی شخصیت حکمی در قوانین افغانستان در نظر گرفته شده است، که این موضوع هم نشان دهنده اهمیت شرکتهای تجاری میباشد. وقتی شرکتهای تجاری را منحصی شخصیت حقوقی و یا حکمی در نظر گیریم می بینیم که شرکت موصوف دارای شخصیت مستقل^(۱۰۳) گردیده ، دارایی این شرکت، از شرکا مجزا شده و شرکت بشکل مستقل عرض در جامعه عرض اندام مینماید، این مسله باعث میگردد، تا شرکت شرکت با اعتبار خود تمام معاملات خود را انجام دهد، داین

^{۱۰۲} وزارت عدلیه ، اصولنامه تجارت، فصل سوم، چهارم، پنجم، هفتم، نهم، دهم. بیشتر بخوانید
^{۱۰۳} همان، ماده ۱۱۸

ومدیون قرارگیرد^(۱۰۴) دعوی نماید، دعوی را بپذیرد... که این نیز بیانگر اعتبار شرکتهای تجارتي را میباشد.

مطلب سوم ویژگی های شرکت های تجارتي

عقد شرکت یک عقد شکلی است، بدین معنی که بصورت تحریری بوده ودرغیر آن باطل شمرده میشود. این عقد ازجمله عقود ملزومه محسوب میگردد، بدین معنی که طرفین عقد را متعهد وملزم میسازد، معیاری که عقد شرکت را ازدیگر عقود متمایز میکند، عنصراشتراک درنفع وضررمیباشد.

- قابل یاد آوریست که اساس تعریف عقد شرکت میتواند نقاط زیر را مورد توجه قرار داد:
- : شرکت به اساس یک قرارداد که معمولاً اساسنامه شرکت را تشکیل میدهد، ایجاد گردد^{۱۰۵}؛
 - : برای ایجاد شرکت تجمع حد اقل دو نفر ضروری میباشد؛
 - : شرکت میتواند توسط اشخاص حقیقی یا حکمی ایجاد گردد؛
 - : هرشریک در دارایی شرکت با تقدیم یک دست آورد، اشتراک میکند و دست آورد مذکور میتواند، اموال منقول، غیر منقول ویا کار باشد؛^(۱۰۶)
 - : دارایی شرکت از دارایی شرکا مجزا میباشد؛
 - : شرکت دارای شخصیت حکمی میباشد؛
- نظر به این که شرکت یک شخصیت حقوقی حکمی است، بنا برین دارایی حد اکثر مشخصات یک شخصیت حقوقی طبیعی میباشد. چنانکه درمورد شرکتهای تجارتي ماده ۱۱۸ اصولنامه تجارت افغانستان چنین بیان میدارد» شرکتهای دارای شخصیت حقوقی میباشند. بنا بر این میتوانند در تحت عناوین خود به عقد مقاولات و اجرای معاملات پرداخته، صفت داین ومدیون را اکتساب کنند ونیز میتوانند به این صفت در محاکم اثبات وجود کنند و اموال منقول وغیرمنقول را تصرف کنند.»^(۱۰۷)
- به اساس تعاریف متذکره معاملات (شرکت) تجارتي دارای شرایط زیر میباشد:

۱-: شرط خرید اشیاء :

^{۱۰۴} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۱۱۸.

^{۱۰۵} وزارت عدلیه، قانون شرکتهای سهامی، ماده ۲۱، مسلسل ۹۱۳، ۱۳۸۵.

^{۱۰۶} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت افغانستان، ماده ۱۱۹، بند ب.

^{۱۰۷} همان منبع، ماده ۱۱۸.

مطابق ماده ۱۴ اصولنامه تجارت افغانستان برای این که یک معامله، تجارتی پنداشته شود، با ید شی منقول که به فروش میرسد، قبلا خریداری شده باشد، در غیر آن معامله محسوب نمیشود.

بر همین اساس مبتنی بر ماده ۱۸ اصولنامه تجارت افغانستان، اگر صاحب زمین و یا دهقانی محصولات زراعتی خود را به وسیله یک دستگاه صنعتی تغییر شکل دهد و یا یک صنعت کار، خودش و یا توسط مستخدمان آثار صنعتی را که خود تولید کرده است، بفروش برساند، و یا اینکه یک مؤلف اثر تألیف خود را خودش منتشر و به فروش برساند، همه اینها از امور عادی محسوب میگردد؛ زیرا شی قبلا خریداری نشده بلکه خود صاحبش آنرا تولید نموده است؛ اما اگر این عمل را بشکل مداوم در وجود یک مؤسسه شغل و پیشه خود سازد، در این صورت اعمال فوق الذکر تجارتی محسوب میشود^{۱۵۸}.

۲- شرط فروش اشیاء

برای اینکه یک معامله تجارتی محسوب گردد، باید شی خریداری شده، قبلا به مقصد فروش آماده شده باشد^{۱۵۹}، در غیر آن، معامله تجارتی نخواهد بود و معامله متذکره یک معامله مدنی محسوب شده و تحت احکام قانون مدنی مطالعه میشود، فرضا شخصی یک مقدار گندم را به مقصد مصرف خانواده خود خریداری میکند، اما بعدا بنا بر مشکلات اقتصادی که برایش عاید گردیده، گندم خریداری شده را بفروش میرساند، این معامله تجارتی محسوب نمیگردد؛ زیرا هدف از خرید گندم مذکور فروش در آینده نبوده بلکه در هنگام خرید منظور آن رفع نیازهای فامیلی و شخصی اش بوده است، هر چند که یک مقدار گندم خریداری شده را بعدا بفروش هم رسانده است.

بهر صورت برای اینکه یک معامله تجارتی پنداشته شود، باید قصد فروش در هنگام خرید نزد شخص وجود داشته باشد. البته این دو شرط خرید و فروش عمدتا در مورد اعمال تجارتی تابع، بشتر صدق میکند، نه معاملات تجارتی اصلی، زیرا طوریکه بعدا دیده خواهد شد اعمال تجارتی اصلی تابع شخص نبوده بلکه اعمال مذکور ذاتا تجارتی میباشد، اگرچه قصد خرید و فروش نزد عامل وجود داشته باشد یاخیر^{۱۶۰}.

شرط خرید برای فروش موجب میشود، که بیشتر فعالیت ها از قلمرو اعمال تجارتی خارج شود مانند، فروش محصولات زراعتی توسط زارعین، چون زارعین تولید کننده اند نه خریدار- ویاسایر زیرزمینی و یا حاصل ابدات فکری، مثل حق اختراع مخترع و غیره .

^{۱۵۸} وزات عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۱۴، ۱۸

^{۱۵۹} همان، ۱۵

^{۱۶۰} www.aadin.blogfa.com

۳- شرط منقول بودن :

مطابق ماده ۱۴ اصولنامه تجارت افغانستان منقول بودن اشیاء یکی از شروط معاملات تجارتي محسوب میگردد.^{۱۶۱}

به این ترتیب خرید و فروش اموال غیر منقول اگرچه به مقصد کسب منفعت هم صورت گیرد، باز هم تجارتي گفته نمیشود؛ زیرا شرط است که معاملات تجارتي باید درقبال اموال منقول انجام یابد. طور که در فوق تذکریافت یکی از مواردی که اعمال تجارتي را از غیر تجارتي تفکیک میکند، همانا منقول بودن شی میباید. بناء خرید و فروش شی به منظور کسب منفعت زمانی تجارتي دانسته میشود که شی منقول باشد.^(۱۶۲)

۴- تداوم و استمرار در معاملات

شرط دیگری از شرایط معاملات تجارتي تداوم و استمرار در معاملات میباید^{۱۶۳}؛ زیرا یکی از خصوصیات برای شخصی که عنوان تاجر را کسب میکند، خصوصیت تداوم در معاملات او میباید، که باید بصورت تکرار انجام یابد. با استناد به همین اصل است، که معاملات تصدی ها که دارای مشخصه تکرار و تداوم میباشند، تجارتي دانسته میشوند.

بناء اگر فردی شی منقول را بمنظور کسب منفعت خریداری کند و بعدا بطور تصادفی آنرا بفروش برساند، چون مشخصه تکرار و تداوم در معامله مذکور دیده نمیشود، پس چنین معامله تجارتي نمیباشد. ناگفته نماند که علاوه از خصوصیت تکراری بودن معامله، یکی از سلسله شکلیات دیگری هم وجود دارد که برای تجارتي بودن یک معامله ضروری پنداشته میشود. این شکلیات عبارت از اخذ جواز تجارتي ثبت اسناد تجارتي در ادارات دولتی و شماری از مقررا دیگر، که در اصولنامه تجارت افغانستان پیش بینی شده است.^(۱۶۴)

^{۱۶۱} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۱۴ و ۱۵.

^{۱۶۲} همان منبع، ماده ۱۴ و ۱۵.

^{۱۶۳} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۸.

^{۱۶۴} حقوق تجارت، ص ۴۲-۴۵ بیشتر بخوانید

مبحث سوم: - تفاوت شرکت های مدنی و تجاری

درین بحث هدف اینست که واضح گردد، شرکتهای مدنی و تجاری باهم تفاوتهای زیادی دارد، که هرکدام آن باید به تفصیل توضیح گردد. درسطور زیر درمورد هریک این تفاوتهای بحث مفصل ارائه خواهیم نمود.

مطلب اول معیار تفکیک

نوعیت تجاری یا مدنی شرکت توسط شکل حقوقی و یا موضوع آن قابل تفکیک و تعیین میباشد، به اساس شکل حقوقی شرکتهای تضامنی، محدود المسولیت و شرکتهای سهامی شرکتهای تجاری محسوب میگردد. بطور مثال متخصصین محاسبه شرکت سهامی، تجاری محسوب میگردد، باوجودیکه فعالیت آن مدنی میباشد.

شرکتهای که دارای اشکال فوق نباشند میتوانند به اساس موضوع شرکت تجاری محسوب گردند، مانند شرکتهای که موضوع آنها خرید برای فروش اجاره اموال منقول، ترانسپورت، تبادل اسعار، عملیات های بحری، بانکداری و غیره باشد؛ اما شرکتهای که دارای فعالیت های زراعتی، تعلیمی و مشاغل آزاد، مانند وکیل مدافع و یا کلینک طبی هستند، شرکت مدنی محسوب میگردد. (۱۶۰)

مطلب دوم فواید تقسیم بندی

فواید تقسیم بندی شرکتهای مدنی و تجاری این است که اشخاص تاجر و کسانیکه با تجارت سروکار دارند، با حاصل نمودن این معلومات میتوانند، یک طرح خوب تجاری در بازار برای خود آماده نمایند، و این طرح را بدون اینکه به مشکلی مواجه شوند، تطبیق نمایند، و در نتیجه با موفقیت کامل تجارت خود را رونق دهند، زیرا گاهی عدم فهم دریک موضوع میتواند باعث راه گمی فرد گردد و سالها نتواند، راه درست را تشخیص دهد، از طرف دیگر افرادی که دعوی دارند، فهم این موضوعات برایشان بسیار با اهمیت است، و میتواند مشکلات زیادی را از سر راه شخصی که دعوی دارد، بردارد، زیرا هم از سرگردانی جلوگیری خواهند نمود و هم از اینکه وقت دیگران را هدر داده باشد، و مصارف اقتصادی نیز به همراه خواهد داشت.

^{۱۶۰} همان منبع، ص ۲۱۸ بیشتر بخوانید.

هم چنان ایجاد یک شرکت میتواند به اساس دلایل مختلف صورت گیرد، بعضی اوقات در ایجاد یک شرکت سهم گیری اشخاص متعدد به نسبت ضرورت مالی اجتناب ناپذیر است. البته این مسئله در مورد یک شرکت کوچک صدق نمیکند. (۱۶۶)

از جانب دیگر امکان دارد در آغاز شروع به فعالیت، صرف سرمایه دوشخص برای ایجاد شرکت کافی باشد؛ ولی بعدا توسعه فعالیت های آن ایجاب سرمایه بیشتری را کند. امکانات تدارک سرمایه لازمه میتواند از طریق ازدیاد تعداد شرکا بلند بردن سرمایه شرکت و یا هم مراجعه به قرضه های بانکی میسر گردد مثلیکه در شرکتهای محدود المسولیت چنین میباشد. (۱۶۷)

برای شرکت های بزرگ تجارتي یا صنعتی که ضرورت به سرمایه های بزرگ دارند، ایجاد شرکتهای سهامی یکی از وسایل مراجعه به سرمایه گذاری های وسیع و عامه میباشد. بطور مثال شرکتهای مذکور میتوانند از مردم تقاضا کنند تا در بلند بردن سرمایه شرکت به وسیله خرید سهام جدید سهم گردند. (۱۶۸)

بطور خلاصه فواید شرکتهای تجارتي را میتوان در چند نکته خلاصه نمود:

الف :- از نظر حقوقی

ایجاد شرکت دارایی مجزا از شرکا دارد؛ که باعث فواید زیادی میباشد؛ دریک تجارت خانه انفرادی تمام دارایی تاجر در تضمین معاملاتش قرار میگیرد (۱۶۹).

طریقه قانونی که میتواند دارایی تاجر از دست رسی داینین مصون ساخت، ایجاد شرکت میباشد؛ زیرا در این صورت مسؤلیت شریک صرف محدود به سهم و یا حصه او میباشد؛ که او در شرکت دارد.

البته قابل یاد اور نیست که اگر از لحاظ حقوقی تفکیک دارایی شرکت و شرکا امکان پذیر میباشد، از نظر علمی این مسئله همیشه صحت ندارد؛ زیرا از یک طرف در موقع مراجعه به قرضه های بانکی مسؤلان بانک به تضمین دارایی شرکت اکتفا نکرده و از شرکا تقاضا به عمل میاورد تا دارایی شخصی خویش را در تضمین بانک قرار دهند.

از جانب دیگر در صورت مواجه شدن شرکت به افلاس و اثبات مسؤلیت شرکا و یا هیئت رهبری شرکت در مورد اداره آن امکان آن میسر است که اشخاص مذکور از لحاظ دارایی شخصی خویش نیز مورد باز خواست قرار گرفته و مجبور به پرداخت قروض داینین گردند.

^{۱۶۶} www.aadin.blogfa.com بیشتر بخوانید

^{۱۶۷} وزارت عدلیه، قانون شرکتهای سهامی و محدود المسولیت، ماده سوم، بند ۱، مسلسل ۹۱۳، ۱۳۸۵

^{۱۶۸} حقوق تجارت، ص ۲۲۳

^{۱۶۹} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۱۱۹

ب- مزایای مالیاتی

از نظر پرداخت تکس و مالیه، شرکت‌ها به خاطر اهمیت نقش خویش در توسعه اقتصاد، از یک سلسله مزایا برخوردار می‌باشند. البته این مزایا نظر به قوانین هر کشور تعیین می‌گردد. یکی از اهداف مهم قانون‌گذار در این مورد، پشتیبانی از شرکت‌های نو می‌باشد، تا زمینه آن مساعد گردد که شرکت‌های مذکور، به پایا ایستاده و نقش خویش را در اقتصاد کشور مربوط، به شکل بهتر به عمل آورند. به همین منظور در بعضی کشورها، مثلاً فرانسه شرکت‌های نو ایجاد برای مدتی از پرداخت مالیه بری می‌باشند. اگر در سال‌های بعدی شرکت ذینفع گردد، مالیه مربوط به سال‌های اول را پرداخت می‌کند. (۱۷۰)

همچنان قانون‌گذار در اکثریت کشورها سعی می‌کند تا مالیات شرکت‌ها سنگین نبوده و باعث فرار سرمایه‌گذاری‌های خصوصی نگردد. بنابر آن امروز سرمایه‌گذاری‌های سکتور خصوصی بیش‌تر در کشورهای صورت می‌گیرد که فیصدی مالیه بالای شرکت‌ها در آن خیلی پایین بوده و یا این‌که هیچ‌وجود ندارد.

مطلب سوم تفاوت‌های ماهوی

تفاوت‌ها بطور چشمگیر میان شرکت‌های مدنی و تجارتي وجود دارد، بدین منظور یان تفاوت‌ها را بدو بخش عمده تقسیم نمودیم تا فهم آن را خوانندگان محترم آسانتر گردد، یکی از این تفاوت‌ها در اصل و ماهیت شرکت‌ها می‌باشد، یعنی شرکت‌ها از لحاظ اصل و محتوی باهم متفاوت اند، دوم از لحاظ شکلی باهم تفاوت دارند، تفاوت از نظر شکلی بدین معنی است که از لحاظ طرز اداره و رسیدگی به مسایل و حل اختلافات شان باهم متفاوت اند، بناء ابتداء تفاوت‌های ماهوی را بررسی کرده و در قدم دوم تفاوت‌های شکلی را بررسی می‌کنیم.

۱- از لحاظ هدف

شرکت‌های مدنی و تجارتي در هدف و مقصد باهم متفاوت اند، هدف شرکت‌های مدنی عبارت از فعالیت‌های مدنی بوده و هیچ‌گاه به نیت و مقصد تجارتي ایجاد نمی‌شوند، شرکا در شرکت‌های مدنی شخصا و بدون محدودیت مسول قروض شرکت به اندازه سرمایه خویش در سرمایه شرکت می‌باشند، به همین لحاظ شرکت‌های مدنی هم در امتیازات مانند، (مزایای حقوقی و مزایای مالیاتی) بهرمنند نبوده و هم در مسولیت‌های خود مانند مسولیت‌های مالی مسول و مکلف نمی‌باشند.

^{۱۷۰} همان منبع، ص ۲۰۴. بیشتر بخوانید.

خلاصه هدف شرکتهای مدنی عبارت از فعالیت های مدنی مانند، زراعت، شرکتهای خدماتی و غیره میباشد درحالیکه در شرکتهای تجاری معمولاً از ابتداء هدف شان تداوم کارهای تجاری میباشد، اگرچه بعضاً شرکتهای مدنی اند که شکل تجاری دارند، اما در عموم شرکتهای تجاری ممارست، تداوم و رشد بخش تجارت میباشد.^(۱۷۱)

به همین لحاظ گفته میتوانیم که تمام تفاوتهای موجود میان دو شرکت به اساس هدف و مقصد بمیان آمده میاید، زیرا اساس کار درین دو شرکت به نیت و هدف بستگی دارد، اگر نیت و هدف را ازین شرکت های حذف کنیم همه تفاوت های موجود دیگر از بین میرود و دیگر قادر به تفکیک تفاوت میان هر دو شرکت نخواهیم بود، بناء هدف و مقصد در شرکت های مدنی و تجاری موضوع بسیار مهم است که باید در نظر گرفته شود.

۲- -: از لحاظ موضوع

دراغانستان تعداد و وسعت شرکت های مدنی کم نیست، خیلی از واحد های صنفی بصورت شرکت مدنی اداره میشوند؛ مانند یک دوکان که چند نفر در آن شریک اند و معمولاً هم قرارداد کتبی ندارند. شرکتهای مدنی به آن دسته از شرکتهای اطلاق میشود که برای بدست آوردن منفعت تشکیل میگردند، از این جهت با شرکتهای تجاری کدام تفاوتی ندارند؛ اما موضوع فعالیت شرکتهای مدنی، فعالیت های است که از جمله معاملات تجاری مندرج در اصولنامه تجارت بشمار نمی آید.

معاملات تجاری ان دسته از معاملات خرید مال منقول قصد فروش، حمل و نقل مسافروکالا، معاملات بانکی، معاملات مربوط به برات، حجت وچک، دلالی، کمیشن کاری، بیمه و غیره... میباشد.^(۱۷۲)

اگر شرکتهای اعمالش را از معاملات تجاری مندرج در این (مواد) فوق خارج کند، و موضوع فعالیت آن را معاملات مدنی تشکیل دهد، چنین شرکتی، شرکت مدنی بحساب میاید. لذا اهم معاملات شرکت های مدنی را میتواند معاملات را جع به عقار، محصولات زراعتی، معادن، مقاولات خاص راجع به اراضی، فعالیت های فنی، علمی، ورزشی تشکیل میدهد که از طریق چنین فعالیت های شرکت های مدنی به منفعت دست میاید.^{۱۷۳}

^{۱۷۱} المعايير القانونية للتميز بين الشركة التجارية والمدنية، حاتم سعيد ص ۴۰، كلية القانون، جامعة الفلوجة، امارات متحدة عربي.

^{۱۷۲} وزارت عدليه، اصولنامه تجارت، ماده ۱۸، ۱۹ بیشتر بخوانيد

^{۱۷۳} حقوق تجارت، ص ۲۹۳

پس بطور خلاصه میتوان گفت، شرکت های مدنی به آن دسته از شرکت ها اطلاق میگردد که موضوع آنها را اعمال و معاملات مدنی تشکیل میدهد و غرض از تشکیل شرکت نیز کسب منفعت میباشد.

بناء بر اساس معیار موضوعی شرکتی تجاری است که موضوع فعالیت آن را انجام فعالیت های تجاری تشکیل میدهد؛ یعنی معاملات که در قانون تجارت بعنوان معاملات تجاری ذکر شده است. زاینکه موضوع و هدف شرکت در عقد شرکت بصورت منفرد تعیین شده باشد، تشخیص اینکه شرکت تجاری یا مدنی است، بامشکل مواجه نمیکرد.

اما سوال اینست، زمانیکه در عقد شرکت موضوع و اهداف متعددی برای شرکت ذکر گردد، به گونه ای که برخی از اهداف شرکت، تجاری و برخی از اهداف آن مدنی باشد، در این صورت تکلیف چیست؟ راه حلی که در این خصوص در حقوق فرانسه پذیرفته شده است، این است که اگر یکی از اهداف شرکت تجاری باشد، شرکت تجاری خواهد شد، ولو اینکه دیگر اهداف شرکت مدنی باشد.^(۱۷۴)

در قوانین افغانستان هم تقریباً مشابه همین نظر فوق پیش بینی گردیده است، مفهوم ماده ۲۱ اصولنامه تجارت افغانستان مشابه موضوع فوق میباشد، این ماده صراحت دارد که در صورتیکه معامله برای یک طرف هم اگر تجاری محسوب گردد، و مخالف آن در قانون تجارت وجود نداشته باشد، قانون تجارت افغانستان قابل تطبیق میباشد.

یعنی ازین ماده میتواند چنین استنباط گردد که در صورتیکه چند هدف و فعالیت مدنی باشد یکی از آنها برای یک شریک تجاری باشد، معامله تجاری محسوب میگردد.^(۱۷۵)

۳- عنوان شرکت

تفاوت دیگر میان شرکتهای مدنی و تجاری اینست که شرکتهای مدنی مکلف به داشتن عنوان یا اسم تجاری نمیشوند، زیرا این موضوع به تاجر بودن و نبودن ارتباط دارد، تنها اشخاص تاجر باید یک عنوان تجاری برای شرکت خود تعیین نمایند.

البته یک شرکت مدنی نیز میتواند که عنوان یا اسم برای شرکت خویش انتخاب نماید، اما یکی از شرایط برای شرکت های مدنی گفته نشده است، درحالیکه در شرکت های تجاری داشتن اسم تجاری برای شرکت یک مسولیت و هم یک امتیاز بحساب میاید.

^{۱۷۴} حقوق تجارت افغانستان، د. علی میرزایی، ص ۳۷
^{۱۷۵} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۲۱.

اصولنامه تجارت افغانستان در مواد ۴۰ الی ۴۵ احکام مربوط به عنوان تجارتي بيان مي‌دارد. به اساس آن هر تاجر مکلف به داشتن یک اسمی میباشند، که عنوان تجارتي را که تحت آن فعالیت میکنند، تشکیل میدهد. (۱۷۶)

«هر تاجر مجبور است تا اوراق و معاملات متعلقه تجارت خود را در تحت یک اسم معین که عنوان تجارت تعبیر میشود اجرا و امضا نمایند.» (۱۷۷) «هر تاجر چه منفرد و چه با شریک خصوصی که اجرای تجارت مینماید و هم چنان تمام شرکتهای تجارتي مجبورند که عنوان تجارت خود را در محلی که اجرای تجارت مینمایند و یا مرکز آنها واقع است به دایره ثبت تجارت ثبت و اعلان نمایند.» (۱۷۸) «عنوان تجارت بایست از اسم شخص تاجر و اسم فامیلی او مرکب بوده و شرط است از عناوینی که قبلاً ثبت گردیده است و اصلاً متمایز باشد. یک تاجر میتواند بعنوان تجارت خود تزییذاتی را خواسته باشد بنماید ولی نمیتواند چنان تزییذاتی بکند که راجع به هویت شخص او و یا در مورد وسعت - اهمیت و یا وضعیت مالی تجارتي تاجر مذکور و یا درباره موجودیت یک شریک نزد اشخاص ثالث یک فکر غلط و مغایر حقیقت را تولید نماید.» (۱۷۹)

در مورد عنوان شرکت های تجارتي احکام زیر ربط در اصولنامه تجارت بیان گردیده است. «در صورتیکه یک تاجر عنوان تجارت خود را اصولاً در یک محل ثبت کرده باشد، تاجر دیگر ولو دارای اسمی باشد که همین عنوان را تشکیل میدهد تا وقتیکه تزییذاتی به منظور تغییر این اسم از عنوان ثبت شده ما قبل نکند در همان محل نمیتواند که همان اسم را بحیث عنوان تجارت اتخاذ و یا جهت اجرای یک مقصد تجارتي استعمال نماید.» (۱۸۰)

هم چنان اگر یک تاجر و یا شرکت تجارتي بخواهد غیر از محلیکه عنوان تجارت خود را در آن ثبت کرده شعبه ای افتتاح نماید، در صورتیکه کدام تاجر و یا شرکت تجارتي تحت همان عنوان محل ثبت شده باشد مؤسس شعبه جدید مجبور است در عنوان تجارت شعبه خود چنان تزییذ نماید که از عنوان ثبت شده ماقبل همان محل و اصلاً تفریق شود.

«شخصیکه عنوان را با یک تجارت خانه یکجا تملیک میکند طوریکه از تعهدات شخص تملیک دهند که در تحت همان عنوان اجرا کرده مسؤل است.» (۱۸۱) «شخصیکه یک تجارت خانه را بدون عنوان تجارت تملیک میکند اگر در حین تملیک به اساس عقد مقاوله مسؤلیت تعهدات

۱۷۶ وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۴۰ - ۴۵ .

۱۷۷ وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۴۰

۱۷۸ همان منبع، ماده ۴۱

۱۷۹ همان منبع، ماده ۴۲

۱۸۰ ۴۴

۱۸۱ همان منبع، ماده ۴۶

تملیک کننده را بدمه نگرفته و آنرا به ثبت نرسانیده باشد از تعهدات شخص تملیک دهنده مسؤل نیست.»^(۱۸۲)

در شرکت های تضامنی عنوان شرکت متشکل از اسم یک یا چند از تن از شرکا به اضافه کلمه تضامنی میباشد. در شرکتهای سهامی عنوان شرکت عبارت از موضوع شرکت به اضافه کلمه سهامی میباشد. واسم شرکا ویا اشخاص دیگر نمیتواند عنوان شرکت را تشکیل دهد. در مورد عنوان شرکت های محدود المسولیت حکمی به مشاهده نمیرسد.

اسم تاجر و عنوان شرکتهای تجارتی از ین لحاظ مهم اند، تا تحت اسم و عنوان منتخب فعالیت کرده و مشتریان را بر اساس اعتبار نوعیت امتعه، کیفیت مناسب و احتمالاً خدمات بعد از فروش جذب کنند. هم چنان هیچ تاجر یا شرکت تجارتی حق ندارد از اعتبار تجاران دیگر ویا شهرت آن ها استفاده بعمل آورد.

یا به شهرت آنها صدمه وارد کند ویا با توصل به رقابت ناجایز و غیر قانونی مشتریان شان را جذب کنند. «کسانکیه قصدا بر امتعه اشیاء - دوسیه ها - پاکت ها - مکاتیب - رسایل اوراق تجاریه - بسته های تجارتی وبار های تجارتی - بغیر حق، عنوان تجارتی دیگری را وضع ویا امتعه را که عنوان تجارت غیر بر آن وضع شده باشد با آگاهی میفروشد ویا برای فروش عرضه میکند بشرطیکه در حکم ماده (۵۴) خللی وارد نشود بجزای نقدی یا به حبس ویا به هردو مجازات محکوم میگردد.»^(۱۸۳)

۴-: دفاتر تجارتی (کتابهای تجارتی)

دفاتر تجارتی، دفاتری ویژه تجار و مؤسسات تجاری و دربردارنده وضع معاملات و داد و ستدها، تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات آنها. واژه دفاتر جمع دفتر به معنای مجموعه ای به هم پیوسته از اوراق است که در آن مطالبی نوشته می شود. برخی واژه شناسان، آن را عربی و شماری دیگر آن را در اصل، یونانی یا فارسی دانسته اند. در زبان فارسی نیز به همین معنا و نیز به معنای کتاب، روزنامه و طومار به کار می رود. دفاتر تجارتی به معنای امروزی خود، پس از تدوین قوانین جدید، از جمله قانون تجارت افغانستان، مطرح شده اند، اما از دیرباز تاجران یا اشخاص عادی از دفاتر حساب استفاده می کرده اند. در پاره ای منابع تاریخی اسناد مختلفی حاکی از جزئیات معاملات میان تجار به چشم می خورد.^(۱۸۴)

^{۱۸۲} همان منبع، ماده ۴۷

^{۱۸۳} همان منبع، ماده ۵۱

^{۱۸۴} همان منبع، ماده ۶۵

اصولنامه تجارت افغانستان، تاجران و صاحبان شرکت ها را مقید به داشتن دفاتر تجاری نموده است، اما در شرکت های مدنی تاجران مقید به داشتن دفاتر تجاری نمیباشند، اگرچه فعالیت های مدنی و تجاری در شکل عمومی متفاوت نیستند اما تفاوت فقط در اهداف و مقاصد ی است که میان دو شرکت وجود دارد. شرکتهای مدنی اساسا امتیازات کمی دارند، به همین خاطر مسولیت های شان نیز کمتر میباشد، در قوانین افغانستان تا هنوز درین رابطه چیزی گفته نشده، برعکس در مورد دفاتر، شرکتهای تجاری در قوانین زیادی و حقوق تجارت مباحثی وجود دارد.

درین قسمت می پردازیم به دفاتر تجاری در شرکتهای تجاری که اصولنامه تجارت افغانستان آنر پیش بینی نموده است.

اصولنامه تجارت افغانستان تاجران را مکلف نموده است، که باید دفاتر تجاری داشته باشند، دفاتر تجاری باید سه نوع باشد. دفتر دارایی، دارایی شرکت به آن اختصاص دارد، و در آن دارایی شرکت درج میگردد، دفتر یومیه تمام فعالیت های روزانه مثل خرید و فروش، قرض و سایر موارد مرتبط در آن درج میگردد، دفتر کل عبارت از دفتری است که تمام مسایل مالی شرکت درج میگردد، در دفتر کل مسایل با جزئیات بیشتر مثل تاریخ، موضوع اسماء اشخاص درج میگردد.

البته قابل یاد آوریست که دفاتر تجاری وسیله نظارت در امور شرکت بوده علاوه از جمله وسایل اثبات نیز بحساب میاید، و نیز اطلاعات لازم در مورد شرکت و خود تاجر را ارائه مینماید.^{۱۸۵}

«هر تاجر مجبور است سه دفتر یعنی دفتر دارایی، دفتر کل و دفتر یومیه داشته باشد. علاوه برین مجبور است مینوت تمام مکاتیب و تلگرامات صادره و اصل تمام تلگرامات و مکاتیب وارده را با اوراق تادیات بصورت منظم حفظ نماید.»^{۱۸۶}

چونکه دفاتر مذکور بسیار مهم اند، به همین لحاظ در اصولنامه قید گردیده است، که قبل از استعمال باید ثبت گردد، تا که در هر ورق آن مهر گردیده و در اخیر آن تعداد اوراق قید کتاب گردد، و در اخیر سال به اساس قید وارده اول سال با تاجر تصفیه حساب گردد. «دفاتریکه بر طبق ماده (۶۵) ترتیب آن لازمی است، باید قبل از استعمال بصورت مجلد از طرف مالکین آن شخصا و یا بالواسطه به دایره ثبت که در محل همان تجارت خانه واقع است برای مهر و نشان تقدیم گردد. دایره ثبت بهر صفحه دفاتر برنگ ثابت نمره مسلسل را وضع و بمهر رسمی مهمور و در اول

^{۱۸۵} همان منبع، ماده ۶۹

^{۱۸۶} همان منبع ماده ۶۵

واخر کتاب تعداد اوراق را قید نموده بعد از نوشتن تاریخ در پهلوی مهر های صفحه اول و آخر تصدیقا امضا نیز میگردد.»^{۱۸۷}

نکته دیگر اینست که که دفاتر سه گانه با جزئیات بیشتری در اصولنامه تجارت افغانستان بحث گردیده است.

موضوع دیگر که درین بخش باید اشاره شود، تمام اسناد تجاری که در شرکت استفاده میشود، باید نگهداری گردد، چه خود شرکت و یا نماینده شرکت اسناد تجاری را الی پانزده سال نگهداری نماید، یعنی شرکت های تجاری مکلف الی پانزده سال میباشند^{۱۸۸}

نکته اصلی درین مورد اینست که حسابات مالی یک شرکت شاید به ملیون ها پول برسد به همین منظور شرکت ها مکلف اند، تا اسناد شرکت برای این مدت حفظ شود، در صورتیکه موضوع دعوی تجاری بعد از سپری شدن پنج سال قابل سمع نمیشود، ولی تصفیه حساب ممکن است الی پانزده سال باقی مانده باشد که شرکت باید این اسناد را حفظ کرده و در صورتیکه ضرورت به تصفیه حساب باشد، با شخص تصفیه حساب نماید. هم چنان در صورت حریق دفاتر شرکت قبل از میعاد تعیین شده باید از طرف شرکت به محکمه مربوط اطلاع داده شود، محکمه مربوطه در زمینه تحقیقات انجام داده و برای شرکت موصوف بعد از تحقیقات جواب تائید و یا رد خواهد، این جواب محکمه در صورت تائید، دلیل برائت برای شرکت بحساب میاید. ماده ۷۸ خود چنین بیان میدارد. «اگر دفاتر ضروریه تجاریه در اثر واقعاتی مانند حریق و آفات دیگری در ظرف مدتیکه محافظت آن مجبوری است ضایع شود لازم است کیفیت ضیاع در ظرف یکماه از طرف تاجر و یا وکیل او به محکمه مربوط اخبار گردد. اگر محکمه درباره صحت ضیاع بعد از تحقیق قناعت حاصل کند به شخص مراجعت کننده تصدیق لازم را اعطا خواهد نمود»^{۱۸۹}

نکته دیگر اینکه دفاتر تجاری منیحت وسایل اثبات در دعاوی تجاری بشمار میاید، یعنی دفاتریکه در قانون تجاری و اصولنامه تجارت بحیث دفاتر تاجر به ثبت رسیده اند، اعتبار قانون دریافت کرده میتواند بحیث دلایل اثبات عند المحکمه بحسایند، که ماده ۷۹ این موضوع بیان مینماید «در اختلافاتیکه میان شرکتهای تجاری بوجود میاید، دفاتر تجاری شان در صورتیکه شرایط ماده (۸۰ و ۸۴) را دارای باشند از جمله وسایل اثبات بشمار میاید.»^(۱۹۰)

^{۱۸۷} همان منبع، ۶۸

^{۱۸۸} همان منبع، ماده ۶۵

^{۱۸۹} همان منبع، ماده ۷۸

^{۱۹۰} همان منبع، ماده ۷۹

۵ - عنوان تجاری

تفاوت دیگری که میان شرکتهای مدنی و تجاری به چشم میخورد، عنوان تجاری و عنوان مدنی داشتن هر دو نوع شرکت میباشد، قبلاً گفتیم که شرکتهای مدنی مکلفیتی در داشتن عنوان ندارند، بلکه بشکل آزاد میتوانند هر اسمی که بخواهند انتخاب نمایند، البته داشتن عنوان چینی مدنی و چینی هم تجاری یکی از خصوصیات شرکتهای میباشد، اما شرکتهای مدنی با وسعت و آزادی بیشتری نسبت به شرکتهای تجاری میباشد.

قسمی که از نامشان پیداست شرکتهای مدنی و شرکتهای تجاری نامهای مدنی و تجاری برای خود انتخاب میکنند، همین نکته هر دو شرکت را از هم جدا میکند اما شرکتهای تجاری مجبورند برای خود یک عنوان انتخاب کنند.^(۱۹۱)

عنوان بعد از انتخاب در تمام مسایل شرکت ها تاثیر خودش را دارد. یعنی وقتی شرکت معین گردید و عنوان مشخص بخود گرفت دیگر واضح است که شرکت مدنی موضوعات مدنی را به پیش برده اشخاصی که به مسایل مدنی نیاز دارند نزد این شرکتهای مراجعه میکنند، درحالی که اشخاصی که دنبال امورتجاری دیگر باید درشرکتهای تجاری مراجعه کرده و مشکل خود را حل نمایند.

شرکتهای تجاری اولاً هرکدام قوانین مخصوص خود را داشته و قوانین مذکور برای شان صلاحیت و مسؤلیت های شان را پیش بینی کرده است، بناء شرکتهای تجاری باید مطابق قانون تدوین شده خود حرکت نمایند، بطور مثال درمورد شرکتهای محدود المسؤلیت قانون این شرکت داشتن عنوان تجاری را یکی از خصوصیات این شرکت دانسته و در ماده ۲۳ خود بیان میدارد» عنوان شرکتهای محدود المسؤلیت حاوی کلمه لیمیتد (Limite) با مخفف (Ltd) به عنوان پسوند میباشد.»^(۱۹۲)

اما درمورد همین شرکتهای تجاری گفته شده که شرکتهای بعضی از عناوین و کلمات را حق ندارند که برای خود عنوان تعیین نمایند. فقره دوم ماده ۲۳ قانون شرکتهای محدود المسؤلیت در زمینه چنین مقرر میدارد» مؤسسين نمیتوانند عناوین ذیل را برای شرکتهای محدود المسؤلیت انتخاب نمایند.»^(۱۹۳)

۱-: عناوینی که مطابق طرز العمل های مربوطه دفتر مرکزی استعمال آن ممنوع باشد.

۲-: عناوینی که در دفتر ثبت مرکزی توسط شرکتهای محدود المسؤلیت دیگری انتخاب و ثبت

گردیده باشد.

^{۱۹۱} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت افغانستان، ماده ۴۰.

^{۱۹۲} وزارت عدلیه، قانون شرکتهای محدود المسؤلیت، ماد ۲۳ سال ۱۳۸۵

^{۱۹۳} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۲۳.

۳-: عنوانی که به حیث علامت تجاری ثبت گردیده باشد، مگر اینکه مالک علامت تجاری رسماً به دفتر ثبت مرکزی عدم اعتراض خویش را مبنی بر استفاده آن اعلام نماید.^{۱۹۴} بناء دیده میشود که شرکتهای تجاری نسبت به شرکتهای مدنی دارای محدودیت های اند که از طرف قانون برای شان مطابق نیاز عصر در نظر گرفته شده، درحالیکه برای شرکتهای مدنی چنین پیش بینی های درقوانین دیده نمیشود.

۶- : از لحاظ نماینده و مامورین برای فروش

از منظر قانون برای جلوگیری از سوء استفاده اشخاص درکار و بار تجاری و غیر تجاری، هیچ کس حق دخل و تصرف در کار های یک شخص دیگری را ندارد، مگر اینکه شخص مذکور به کسی اجازه اینکار را داده باشد، اجازه یا صلاحیت ها معمولاً بنامهای وکالت، وصایت، ولایت یا مشابه آن که درقوانین بیشتر قابل بحث میباشد.

نماینده قانونی شرکت مدنی باید رسماً از طرف محکمه بنامهای قانونی که از آنها نام گرفتیم تعیین شده باشند، حتی صلاحیت های شان نیز مشخص شده میباشد، در غیر آن صورت صلاحیت تصرفات از جانب صاحب شرکت را نخواهند داشت، در صورت تصرف از لحاظ قانونی مورد پی گرد قانونی قرار خواهد گرفت.

در شرکت های تجاری برای امتیاز دهی و تشویق تجار تعدادی بعنوان معین افراد مشخص با صلاحیت های شان در مورد خرید و فروش در قانون تجارت افغانستان پیش بینی گردیده است، تا تاجران و شرکتهای تجاری بتوانند ازین سهولت استفاده کرده و کار تجارت خود را سرعت بخشند، ازینرو شرکتهای تجاری اشخاصی را بنام نماینده و نماینده سیار برا پیشبرد امور تجاری با صلاحیت قانونی، خود فرستاده میتواند که درین صورت برای تاجر هم صلاحیت و امتیاز بوده و هم یک سهولت بحساب میاید و دیگر نیاز رسمیات محکمه نمیباشد، اما باید خاطر نشان کرد که صلاحیت این نمایندگان نیز محدود بوده و نمیتوانند منیحت نمایندگان کامل الاختیار تصرفات نمایند. شرکتهای برای پیش برد امورشان دو نوع نماینده دارند^(۱۹۵)، یکی نمایندگان دایمی و دیگری نمایندگان سیار البته با تفاوت صلاحیت ها و مسولیت های هر دو نماینده، هر دوی این نمایندگان صلاحیت های محدود، به اندازه ای که صاحب شرکت برای شان داده میباشند نه بیشتر.

درین رابطه به نمایندگان سیار ماده ۹۵ اصولنامه تجارت افغانستان درمورد چنین بیان میدارد. « مستخدمی که برای اجرای معاملات تجاری یک تاجر توسط مکتوب یا اعلان یا متحد

^{۱۹۴} همان منبع فقره دوم ماده ۲۳
^{۱۹۵} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، فصل هشتم ونهم.

المال یا وثایق دیگری مثل آن از طرف تاجر مجاز گردیده به محل دیگر اعزام میگردند، نمایندگان سیار تجارتی گفته میشوند و آمرین شان از نتایجی که در دایره مآذونیت ایشان از معاملات تجاریه متولد میشود مسئول میباشند»^(۱۹۶)

قسمیکه گفتیم صلاحیت این نمایندگان نیز محدود میباشد، ماده ۹۶ «احکام ماده ۸۹» بر نمایندگان سیار تجارتی نیز تطبیق میشود، لیکن زمانیکه این نمایندگان معاملات را اجرا کرده اند بخواهند امضاء کنند، نمی توانند کلمه وکالتا یا معامل را استعمال نمایند بلکه مجبورند فقط اسمای آمرین خود را درج کنند.»^(۱۹۷)

در ماده ۸۹ توضیح شده که نماینده دایماً بنام آمر خود یعنی صاحب تجارتخانه اجرای معامله میکند باید در اثنای امضاء نمودن درپهلوی اسم و شهرت خود اسم تاجر و شهرت او و یا عنوان شرکت را بنویسد و نیز کلمه وکالتا و یا معامل را علاوه کند^(۱۹۸).

یعنی در غیر اینصورت نماینده درقبال تمام کارهای انجام شده خود مسئول خواهد بود و مورد پی گرد قانون قرار میگیرد. اشخاص دیگریکه منحصراً نماینده شرکتهای تجارتی از طرف این شرکتهای معرفی میشوند مامورین دایمی فروش اموال میباشند، این اشخاص نیز مانند اشخاص فوق مذکور (نماینده سیار) صلاحیت های محدود داشته تنها در حدود صلاحیت های داده شده میتواند اجرای معاملات نمایند، ماده ۹۸ اصولنامه تجارت در مورد چنین توضیحات دارد. «اشخاصیکه در تجارتخانه ها مجاز به فروش اموال عمده و پرچون باشند، مامورین فروش نامیده میشوند.

مامورین فروش حق دارند قیمت اموالی را که در داخل شعبه فروش بفروش میرسانند مطالبه و اخذ نمایند در صورتیکه صلاحیت اخذ قیمت به کسی داده نشده باشد مامورین فروش تا تصدیقنامه و اجازه رسمی به امضای آمرین و صاحبان تجارتخانه نداشته باشند نمیتوانند در خارج تجارتخانه مطالبه و یا اخذ قیمت اموال را بنمایند.»^(۱۹۹)

۷-: از لحاظ امتیازات

تفاوت دیگر شرکتهای مدنی و تجارتی در داشتن و نداشتن امتیازاتی است که در قوانین برای آنها در نظر گرفته شده است، شرکت های مدنی بشکل عام از مزایای برخوردار هستند، مثلاً داشتن شخصیت حقوقی، در افغانستان شرکتهای مدنی نیز حایز شخصیت حکمی و یا حقوقی میباشند که شخصیت حقوقی خود مزایای زیادی دارد که بوسیله آن شرکت میتواند به اهداف

^{۱۹۶} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت افغانستان، ماده ۹۵

^{۱۹۷} همان منبع، ماده ۹۶

^{۱۹۸} همان منبع، ماده ۸۹

^{۱۹۹} همان منبع، ماده ۹۸

زیادی نایل آید^(۲۰۰)، اما در عین زمان شرکتهای مدنی با موضوع غیرتجارتی فعالیت میکنند. هدف آنها انتفاع غیر تجار تیسست، اقامتگاه ندارند، عمدتاً با ثبت در دفاتر رسمی هویت پیدا میکنند، شرکا بشکل دسته جمعی مسویت شرکت را بعهدہ دارند و بالاخره گاهی شرکت بشکل اختیاری ولی گاهی حتی بدون اختیار شرکا باهم شریک میگردند، مثل شرکت در مال ورثه.

شرکت های تجارتی جایگاهی خاصی را در روابط تجارتی به خود اختصاص داده اند. امروزه مبادلات در اشکال مدرن خود دیگر شیوه های سنتی تجارتخانه ای را نمی پذیرد. صاحبان سرمایه و ارباب تجارت و مشتریان به سرمایگذاری در شکل موسسه و بنگاه دارای شخصیت حکمی علاقه بیشتری نشان میدهد و میتوان چنین گفت که اغلب فعالیت های تجارتی در قالب شرکت های تجارتی نهادینه شده است، که هیچ فعالیت تجارتی را نمیتوان پیدا کرد که در قالب شرکت تجارتی صورت نگیرد. لذا در دنیای امروزی شرکت تجارتی اهمیت زیادی دارد.

شرکتهای تجارتی در قوانین افغانستان جایگاهی زیادی دارند، علاوه بر آن اتاق های تجارت افغانستان برای شرکت های تجارتی مزایای زیادی در نظر گرفته و آنها را به چند گتگوری تقسیم نموده اند، که در ذیل هر کدام آنها بطور خلاصه شرح میدهم:^(۲۰۱)

• کتگوری اول (عضویت عادی)

این کتگوری از اعضای اتاق دارنده کارت عضویت عادی است که سالانه فیس آن ۲۰۰۰ افغانی می باشد و خدمات آتی برای شان ارائه می شود:^{۲۰۲}

۱. حق اشتراک و رای دهی از اعضا در مجمع عمومی اتاق تجارت و سرمایه گذاری افغانستان;

۲. برگزاری مجالس تجارتی و اجتماعی برای این گروه از اعضا جهت حل مشکلاتشان;

۳. برگزاری کورس های آموزشی لازم و رهنمایی شرکت های جدید التاسیس به سیستم تجارتی مدرن;

۴. ارائه پنج فیصد تخفیف در ترتیب پلان تجارت، پروپوزل، قرارداد و غیره اسناد تخنیکی تجارتی;

۵. هرگاه عضو عادی اتاق از قشر اناث باشد امتیازات عضویت نقره ئی برایشان ارائه میگردد;^(۲۰۳)

^{۲۰۰} وزارت عدلیه، قانون مدنی، ماده ۳۳۷

^{۲۰۱} www.acci.af.com بیشتر بخوانید

^{۲۰۲} www.acci.af.com مراجعه کنید

• کتگوری دوم (عضویت نقره بی)

این کتگوری از اعضای اتاق دارنده کارت عضویت نقره بی است که سالانه فیس آن (۱۰۰۰۰) افغانی می باشد و علاوه بر خدماتیکه برای کتگوری اول (عضویت عادی) ارائه می گردد، خدمات آتی نیز برای شان پیشکش می شود:

۱. معرفی شرکتهای مذکور به ادارات دولتی و نهاد های ذیربط به منظور حل مشکلات شان;
۲. تکثیر معلومات شرکت های خارجی که خواهان سرمایه گذاری و ایجاد شرکت های مختلط در افغانستان هستند;
۳. معرفی و سفارش کتبی این گروه از اعضاء غرض اخذ ویزه های تجارتي به سفارتخانه ها (سال دو مرتبه);
۴. ارائه پانزده فیصد تخفیف در ترتیب و ساخت پلان تجارت، پروپوزل، قرارداد و غیره اسناد تخنیکي تجارتي;
۵. صدور کارت عضویت نقره بی به این گروه از اعضای اتاق;

• کتگوری سوم (عضویت طلایی)

این کتگوری از اعضای اتاق دارنده کارت عضویت طلایی است که سالانه فیس آن ۲۵۰۰۰ افغانی می باشد و علاوه بر خدماتیکه برای کتگوری اول (عضویت عادی) و کتگوری دوم (عضویت نقره بی) ارائه می گردند، خدمات آتی نیز برای شان پیشکش می شود:

۱. معرفی و سفارش کتبی این گروه از اعضاء غرض اخذ ویزه های تجارتي به سفارت خانه ها؛
۲. معرفی و سفارش کتبی این گروه از اعضاء به بانک های دولتی و شخصی، مراجع قرضه دهنده و سایر شرکت های مالی برای اخذ قرضه؛
۳. ارائه بیست و پنج فیصد تخفیف در نشر اعلانات تجارتي این گروه از اعضا در مجله ماهوار اتاق تجارت و صنایع افغانستان؛
۴. ارائه بیست و پنج فیصد تخفیف در به دسترس قرار دادن سالون کنفرانس ها و ترینگ سنتر اتاق به این گروه از اعضا؛

۵. هرگاه عضو طلائى اتاق از قشر انانث باشد امتيازات عضويت پلاتينيوم برايشان ارائه ميگردد؛
۶. صدور کارت عضويت طلايى براى اين گروه از اعضاى اتاق (۲۰۴)

• کتگورى چهارم (عضويت پلاتينيوم)

- اين کتگورى از اعضاى اتاق دارنده کارت عضويت پلاتينيوم است که سالانه فيس آن ۵۰۰۰۰۰ افغانى مي باشد و علاوه بر خدماتيکه براى کتگورى اول (عضويت عادى)، کتگورى دوم (عضويت نقره يى) و کتگورى سوم (عضويت طلايى) ارائه مي گردند، خدمات آتى نيز براى شان پيشکش مي شود:
۱. فراهم نمودن زمينه عقد قرار داد هاى مشترک اين گروه از اعضا با شرکت هاى داخلى و خارجى؛
 ۲. ارسال مجله ماهوار اتاق به دفاتر اين گروه از اعضا به صورت متواتر؛
 ۳. ارائه پنجاه فيصد تخفيف در نشر اعلانات تجارتي اين گروه از اعضا در مجله ماهوار اتاق تجارت و صنايع افغانستان؛
 ۴. ارائه پنجاه فيصد تخفيف در به دسترس قرار دادن سالون کنفرانس ها و تربينگ سنتر اتاق به اين گروه از اعضا؛
 ۵. صدور کارت مخصوص يا (VIP) براى اين کتگورى از اعضاى اتاق در مجالس خاص و در ساير کنفرانس هاى اتاق؛
 ۶. صدور کارت عضويت پلاتينيوم به اين کتگورى از اعضاى اتاق (۲۰۵).

• کتگورى پنجم (عضويت VIP)

- اين کتگورى از اعضاى اتاق دارنده کارت عضويت مخصوص يا (VIP) است که سالانه فيس آن ۲۵۰،۰۰۰ افغانى مي باشد و علاوه بر خدماتيکه براى کتگورى اول (عضويت عادى)، کتگورى دوم (عضويت نقره يى)، کتگورى سوم (عضويت طلايى) و کتگورى چهارم (عضويت پلاتينيوم) ارائه مي گردند، خدمات آتى نيز براى شان پيشکش مي شود:

۱. حق برگزاري جلسات با رئيس جمهور سال يك مرتبه.

^{۲۰۴} همان منبع بيشتر بخوانيد

^{۲۰۵} <https://www.acci.org.af/membership/membership-benefits.html>

۲. سازماندهی جلسات و ملاقات های خاص این کتگوری از اعضای اتاق با اعضای کابینه، روسای مستقل ارگان های دولتی و غیر دولتی جهت رفع مشکلات شان؛

۳. سال یک مرتبه مصاحبه اختصاصی با اعضای این کتگوری و نشر آن در مجله اقتصاد بازار به ترتیب تاریخ اخذ عضویت شان در اتاق؛

۴. نشر لوگوی یکی از کمپنی های این کتگوری از اعضای اتاق در وسط مجله اقتصاد بازار به صورت متواتر الی ختم عضویت شان؛

۵ مخصوص یا VIP به این گروه از اعضای اتاق. (۲۰۶)

جایگاهی که اتاقهای تجارت افغانستان برای شرکتهای تجاری در نظر گرفته شده، برای تشویق و ترغیب تاجران ملی و بین المللی است، تا آنها را برای سرمایه گذاری بیشتر تشویق نماید، البته تاجای حق شان هم هست تا اینکه اطمینان شان حاصل شود که دولت از آنها حمایت کرده و سرمایه های شان در هر صورت مصون است، ازینرو سرمایه گذار وقتی تشویق های مذکور را مشاهده میکند، سرمایه گذاری خویش را بیشتر مینماید. اتاق تجارت و سرمایه گذاری اگرچه یک نهاد شخصی بوده ولی دولت افغانستان حمایت خود را ازین اتاق و سرمایه گذاران اعلان نموده است، و خود را برای خد مت گذاری برای تجار و سرمایه داران ملزم میداند. بهر صورت امتیازاتی که در فوق تذکر رفت تنها برای شرکتهای تجاری بوده و شرکتهای مدنی را دربر نمیگیرد.

۸- : ثبت علایم تجاری

از جمله تفاوتهای شرکتهای مدنی و تجاری در افغانستان یکی هم داشتن علایم تجاری برای شرکتهای تجاری و عدم علایم تجاری برای شرکتهای مدنی میباشد. علایم اگرچه مکلفیت شرکتهای تجاری نبوده، تنها در صورتیکه دولت آنرا اجباری نماید. به موجب ماده ۵ قانون ثبت علامت تجاری افغانستان، استعمال علایم تجاری اختیاری می باشد مگر اینکه وزارت تجارت و صنایع یا دفتر ثبت مرکزی بخش ثبت علایم تجاری استعمال آن را اجباری نماید (۲۰۷).

: اتاق تجارت و سرمایه گذاری افغانستان دارای شخصیت حکمی مستقل، غیر دولیت و غیر انتفاعی جامعه تجاری افغانستان میباشد .
۲۰۶ همان منبع
۲۰۷ وزارت عدلیه ، قانون ثبت علایم تجاری، ماده ۵، سال ۱۳۸۸

داشتن علایم تجاری برای شرکتهای تجاری خصوصا شرکتهای بزرگ یک امتیاز بحساب میاید، و شرکتهای بزرگ میتوانند با استفاده از علایم تجاری برای رونق بخشیدن تجارت خود استفاده کرده، و از طرف دیگر بوسیله علایم تجاری اموال و وسایل تجاری خویش را انحصار نمایند، از طریق ثبت برند، محصولات منحصر به فرد و اختصاصی شده و ارزش نام و شرکت افزایش پیدا می کند. با انجام این کار، شرکت ها در خصوص محصولات و خدمات خود حق انحصاری پیدا می کنند و طبق قانون هیچ شرکت ثانویه ای نمی تواند تا تاریخ اعتبار این علامت تجاری از آن به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم استفاده نماید.

زمانیکه یک شرکت تجاری علایم تجاری انتخاب مینماید، هیچ کس دیگر حق استفاده از آنرا بدون اجازه ندارد، در صورت سوء استفاده طرف مقابل مستحق مجازات و شرکت مذکور مستحق جبران خساره میباشد، ماده ۳۱ در بند (۱) قانون ثبت علایم تجاری چنین بیان میدارد «شخص در صورت تخلف یکی از موارد ذیل، حسب احوال به تناسب ضرر وارده به جبران آن محکوم میگردد»^{۲۰۸} (۲) تزویر یا تقلب علامت تجاری که قبلا طبق احکام این قانون در دفتر ثبت مرکزی (بخش ثبت علایم تجاری) به ثبت رسیده یا آنرا طوری استعمال نماید که موجب اغفال مردم گردد.»^(۲۰۹)

اهمیت علایم تجاری زمانی بیشتر واضح میشود که بدانیم دولت برای آن قانون جداگانه تصویب نموده است، (قانون ثبت علایم تجاری، سال ۱۳۸۸) که تمام مسایل و موضوعات مربوط به علایم تجاری، امتیازات، حمایت، و تعیین علایم تجاری، جبران خساره در صورت سوء استفاده از علایم و غیره موارد مربوطه را تنظیم میکند.

هم چنان قابل یاد آوریست که قانون ثبت علایم تجاری علایم را تعریف کرده و تعدادی از موضوعات بعنوان ثبت علایم تجاری را منع قرار داده است، در مورد تعریف علایم به موجب بند ۱ ماده سوم قانون ثبت علامت تجاری افغانستان، علامت تجاری عبارت است از : «علامت یا ترکیبی از علایمی که بتواند کالاها یا خدمات را از کالاها یا خدمات دیگر متمایز گرداند.»^(۲۱۰)

علایم تجاری برای یک شرکت فواید زیادی دارد، که شرکتهای تجاری میتوانند از آن استفاده نمایند، یکی دیگر از فواید داشتن علایم تجاری اینست که اعتبار شرکت تجاری در میان شرکتهای دیگر بلند مینماید.

^{۲۰۸} همان منبع، ماده ۳۱.
^{۲۰۹} همان منبع، ماده ۳۱
^{۲۱۰} همان منبع، ماده ۳ بند (۱)،

قبلا گفتیم که علایم تجاری یک امتیاز است، بناء شرکتهای تجاری میتوانند، درصوتی که بخواهند آنرا بفروشند، هبه کنند، ویا بهر شکل دیگر که خواسته باشند، به دیگری آنرا انتقال دهند، ماده ۱۷ قانون ثبت علایم تجاری چنین میگوید «علامت تجاری قابل انتقال بوده و در صورتی مدار اعتبار پنداشته میشود که مطابق احکام مندرج این قانون ولوایح مربوط در دفتر ثبت مرکزی (بخش ثبت علایم تجاری) طوری جداگانه به ثبت رسیده باشد.»^(۲۱۱)

مطلب چهارم تفاوتهای شکلی

منظور از تفاوتهای شکلی اینست که شرکتهای مدنی و تجاری از لحاظ شکلی نیز باهم متفاوت اند، که این تفاوتها در سطور زیر باتفصیل بیشتر بررسی گرفته میشود.

۱- از لحاظ تشکیل و اداره

همانطوریکه قبلا هم گفته شد، میان شرکتهای مدنی و تجاری تفاوتهای زیادی وجود دارد، یکی از این بخش های تفاوت در تشکیلات و اداره این شرکت هاست، که درین مورد تفصیلا بحث خواهیم نمود:

• شرکت های مدنی

چنانچه در فصل گذشته نیز بحث نمودیم که اداره شرکتهای تجاری هرکدام شکل مخصوص خودش را دارد، یعنی به اساس خصوصیت شرکت اداره شرکت نیز یک سلسله مواصفات یا شرایط پیدا میکند، که هرکدام با دیگری فرق دارد، زیرا که هرکدام این شرکتهای مطابق خصوصیتی که دارند، تشکیلات شان ساخته میشود، اما شرکت های مدنی چنین نبوده شرکتهای مدنی بشکل عموم دارای اداره ساده و عادی میباشد.

در حالیکه شرکتهای تجاری هرکدام دارای تشکیلات خاص میباشد و از نظر قانونی مکلف به چنین ادارات گردیده اند. درینجا مطابق قانون مدنی افغانستان اداره شرکت های مدنی را توضیح میدهم.^(۲۱۲)

«شرکاء در مقابل یکدیگر صفت امین را داشته و مال شرکت در نزد شریک حکم امانت را دارد. در صورتیکه مال بدون تقصیر یا تجاوز شریک تلف شود، شریک مذکور مسؤل شناخته نمیشود، اما در حال قصور یا تجاوز مسؤل شناخته میشود»^(۲۱۳)

^{۲۱۱} همان منبع، ماده ۱۷

^{۲۱۲} همان منبع، ص ۲۲۳ بیشتر بخوانید

^{۲۱۳} وزارت عدلیه، قانون مدنی، ماده ۱۲۳۸

هم چنان عقد شرکت متضمن طرز اداره، اسم یا اسماء هیئت مدیره و حدود صلاحیت هریک از اعضای هیئت مذکور می باشد. در شرکتهای مدنی تنها شکل عام یک اداره مورد بحث قرار گرفته، تفاوت چندانی در شرکتهای مدنی دیده نمی شود یعنی قانونا کدام پیش بینی درین قسمت وجود ندارد.

قانون مدنی تنها یک نوع اداره را برای اداره کردن شرکتهای مدنی مانند شرکتهای زراعتی، شرکتهای مشاغل آزاد، در نظر گرفته است اما در شرکت های تجاری قضیه اینطور نیست و هر شرکت تجاری مطابق قانون خودش طرز اداره و سایر مسولیت هایشان مشخص گردیده است که بعدا روی آن بحث خواهیم نمود.

• شرکتهای تجاری

تشکیل و اداره شرکتهای تجاری هر کدام شکل خاص خود را دارد، مثلا در طرز تشکیل شرکتهای سهامی، موضوعات زیادی مانند: مجمع عمومی مجمع عادی، هیئت مدیره، هیئت نظار، سهام و مسایل مربوط به آن قابل بحث می باشد.

در شرکتهای محدود المسئولیت: موضوعات مانند، شرایط تعهد کل سرمایه و پرداخت حد اقل نصف سرمایه توسط شرکا، یا شرایط خود شرکا از دونه نفر الی پنجاه نفر، هم چنان زمانیکه شرکا از بیست نفر زیاد شود ضرورت به هیئت نظار است و در صورتیکه از بیست نفر کم باشد به هیئت نظار ضرورت نمی باشد. درین شرکتهای شرط است تا یک نفر نماینده از طرف دولت بنام کمیشنر تعیین میگردد. (۲۱۴)

به همین شکل شرکتهای تجاری در افغانستان تفاوت های زیادی با شرکت های مدنی دارند، مثل تقسیم دیگر اگر بگوییم که در شرکتهای اشخاص صلاحیت ها و مسولیت های افراد بیشتر است، و افراد درین شرکتهای بیشتر مورد توجه قرار دارند، در حالیکه در شرکتهای سرمایه موضوع بر عکس شرکتهای مذکور می باشد، افراد رول زیادی نداشته و اهمیت زیاد را سرمایه و سهام دارند، بناء هر کدام آن مطابق طرز تشکیل و اداره خودش یک سلسله مزایا و معایب خود را دارند. (۲۱۵)

۲- از لحاظ مسولیت شرکاء

هدف از مسولیت شرکاء اینست که شرکاء در چند بخش مسولیت دارند، و این مسولیت خویش را بخوبی انجام دهند، در سطور زیر در مورد هر کدام تفصلا بحث خواهیم نمود:

^{۲۱۴} حقوق تجارت، ناصح وستانکزی، ص (۲۵۷ - ۲۹۱) بیشتر بخوانید.
^{۲۱۵} همان، ص ۲۷۶.

اول-: تصرفات شرکاء

هدف مطلب فوق اینست که در شرکت های مدنی و تجارتي مسولیت اشخاص کاملاً متفاوت است، یکی ازین تفاوتها تصرف اشخاص در هردو شرکت است، یعنی در شرکت های تجارتي چونکه اداره و تصرفات از نظر قانونی پیش بینی گردیده است، بناء مطابق قانون باید اداره شرکت ایجاد گردد، زمانیکه اداره ایجاد گردید، مسولیت و تصرفات هر شخص در شرکت مشخص میگردد.

در حالیکه در شرکتهای مدنی چنین تقسیم بندی دیده نمیشود؛ همه در صنف واحد قرار دارند، و مسولیت شان در دیون شرکت مسولیت عام نسبت به دیون شرکت دارند، مسولیت شرکا درین شرکتهای بر اساس مسولیت محدود به اندازه مقدار سهم شان در خساره شرکت که قبلاً تعیین گردیده میباشد، یعنی مسولیت تحمل خساره از قبل برای هر شریک تعیین میگردد و خارج از آن هیچ نوع مسولیت ندارد، در حالیکه چنین حالت در شرکت تضامنی نبوده و شرکا مسولیت تضامنی دارند، و اگر دارای شرکت دیون شرکت را تکمیل نکرد، شرکاء مسول باقی دیون میشوند^(۲۱۶).

دوم-: مسولیت مدنی شرکاء

هر شخصی که از رهگذر اقدامات و یا فعالیت های شرکت متضرر گردد، میتواند به اساس مسولیت مدنی شرکت علیه آن اقامه دعوی و تقاضای جبران خساره کند. اساس این مسولیت میتواند بر مبنای عقد با شرکت باشد (در صورت که شرکت تعهدات خویش را انجام ندهد یا نادرست انجام دهد) و یا اینکه بر مبنای سهو و خطا باشد، مثلاً یک عمل رقابت غیر اصولی، غیر سالم و یا عدم اتخاذ تجاویز لازمه برای جلوگیری از خطرات برای مردم نسبت به فعالیت های شرکت... و غیره^(۲۱۷).

سوم: مسولیت جزایی شرکاء

امروز در بسیاری از کشورهای جهان، شرکت ها را میتوان از رهگذر جزایی مورد بازخواست قرار داد؛ زیرا شرکت ها در بسیاری موارد مسول متضرر کردن اشخاص از لحاظ صحی، اقتصادی، ضرر به محیط زیست و نظم اجتماعی میباشد.

^{۲۱۶} المعايير القانونية للتمييز بين الشركة التجارية والمدنية، ص ۴۳
^{۲۱۷} حقوق تجارت، ص ۲۲۱

هم چنان عدالت ایجاب میکند که نمایندگان شرکت نیز در مورد مسؤلیت شرکت جوابگو باشند، مشروط بر اینکه در این راستا مسؤلیت شرکت در اثر بی اعتنائی اشخاص مذکور ویعدم اتخاذ تجاویز لازمه از جانب ایشان باشد.^(۲۱۸)

چون شرکت یک شخصیت حقوقی شناخته شده است بناء عینا من حیث یک شخص تحقیق محاسبه میگردد، در صورتیکه از طرف شرکت و یا از طرف کارمندان شرکت ضرر برای فرد و یا جامعه عاید گردد، شرکت در قبال آن مکلف و مسول بوده و طبق قوانین کشور مجازات میگردد، مجازات و مکافات هر دو برای شرکت ها عینا مثل اشخاص حقیق مد نظر میباشد.

۳- از لحاظ رسیدگی دعوی

شرکتهای مدنی و تجارتي از لحاظ قوانین نیز متفاوت اند، شرکتهای مدنی تابع قوانین مدنی و شرکتهای تجارتي قوانین تجارتي میباشد،

در افغانستان قوانینی که مربوط به شرکتهای مدنی میشوند عبارت از قانون مدنی و قانون اصول محاکمات مدنی است، که تمام مسایلی مربوط به شرکتهای مدنی آن مورد بحث قرار گرفته است، شرکتهای مدنی بشکل عموم تابع قانون مدنی و اصول محاکمات مدنی افغانستان میباشد، البته قابل یاد آور است که شرکتهای تجارتي فرع شرکتهای مدنی میباشد یعنی ابتداء قانون مدنی و اصول محاکمات مدنی منبع رسیدگی به تمام مسایل مدنی و تجارتي بود ولی بمرور زمان و به اساس ضرورت های جدید تجارتي قوانین تجارتي تصویب و از قانون مدنی جدا گردیده اند.

به همین خاطر در قانون مدنی موضوعات بشکل عام ذکر گردیده است، هیچ تفاوت در رسیدگی به حل مسایل در نظر گرفته نشده است، زیرا قانون مدنی قانون عمومی برای رسیدگی به همه موضوعات تجارتي و مدنی میباشد، هم چنان در تقسیم بندی شرکتهای یک نوع شرکتهای مدنی که شکل تجارتي دارند نیز موجود است، این مسله بیانگر اینست که قانون مدنی قانون عام برای رسیدگی به شرکتهای مدنی و تجارتي بوده است، اما زمانیکه قوانین شرکتهای تجارتي تصویب گردیدند، این قوانین چونکه قوانین فرعی میباشدند، تفاوت ها، شرایط خاص، در آنها بچشم میخورد.^(۲۱۹)

شرکتهای تجارتي قسمیکه قبلا هم یاد آوردیم، نظر به ضرورت ها ایجاد گردیده است، قوانینی مثل اصولنامه تجارت، حقوق تجارت، قانون حکمیت، قانون اصول محاکمات تجارتي، قانون میانجیگری تجارتي و قانون تجارت بشکل عام کاربرد داشت، اما بشکل خاص اکثر

^{۲۱۸} همان منبع، ص ۲۲۲

^{۲۱۹} وزارت عدلیه، قانون مدنی، ماده ۱۲۱۶، ۱۲۱۷

شرکتهای تجارتي قانون بخصوص خود را دارند که ميتواند قانون شرکتهای تضامنی ومختلط، قانون شرکتهای سهامی، قانون شرکتهای محدود المسولیت وقانون شرکتهای تعاونی را یاد آورگرديد.

قانون اصول محاکمات تجارتي در فصل اول ماده ۱ چنین ميگويد «رسيدگی به تمام اختلافاتی از معاملات تجارتي نشأت ميکند، وظيفه محاکم ثلاثه تجارتي بوده وتابع احکام اين قانون ميشانند.»^(۲۲۰)

«هیچ یک از محاکم تجارتي نمیتواند راساً به دعوی رسيدگی کند، مگر اینکه یکی از طرفین رسيدگی به دعوی را مطابق احکام اين قانون درخواست نموده باشد.»^(۲۲۱) «محاکم تجارتي مکلف اند، به دعوی تجارتي مطابق اصولنامه تجارت واین قانون رسيدگی نمایند.»^(۲۲۲)

۴-: از لحاظ وسایل اثبات

تفاوت ديگر شرکتهای مدنی وتجارتي تفاوت میان وسایل اثبات دعوی است. هریکی را بشکل جداگانه به بررسی ميگیريم.

وسایل اثبات در اسباب حکم درمنازعات مدنی یکی از جمله بخش های اصول محاکمات مدنی بشمار ميآيد. ازاینکه افغانستان درقواعد اصول محاکمات مدنی اکثراً از فقه مرافعات (فقه دعوی) شریعت اسلامی پیروی نموده است، چنانچه دربحث منابع اصول محاکمات مدنی درین زمینه بحث تفصیلی وجود دارد. روی همین اصل است که دروسایل اثبات دعوی مدنی فقه اسلامی تأثیرخود را در رسيدگی دعاوی محاکم افغانستان حفظ نموده است، واز آراء ونظریات مستدل ومنطقی فقهاء کرام قانون اصول محاکمات مدنی متأثر ميشانند.

اساساً وقاعدتاً اثبات حق بدوش مدعی ميشانند، ومدعی حین دعوی خویش نزد محکمه مکلف به اثبات آن طبق مدارک اثباتیه ميشانند، بخاطریکه مدعی خلاف اصل یاخلاف ظاهر دعوی را دایر ميسازد که عبارت از اصل برائت الزمه است. بناء هرگاه مدعی بخواهد تا حق خویش را نزد محکمه ثابت سازد باید متوسل به مدارک اثباتیه که اساس وسبب حکم محکمه را تشکیل مدهيد گردد. درین صورت مدعی مکلف به اثبات دعوی خویش ميشانند.^(۲۲۳)

^{۲۲۰} وزارت عدلیه، قانون اصول محاکمات تجارتي، باب اول، ماده ۱

^{۲۲۱} همان منبع ماده ۲

^{۲۲۲} همان منبع، ماده ۳

^{۲۲۳} محمد ظریف، علم ستانکزی، اصول محاکمات مدنی، ص ۸۱، طبع هشتم، سال ۱۳۹۶ بیشتر بخوانید

بناء گفته می‌توانیم که وسایل اثبات در اصول محاکمات مدنی چنانچه در فوق نیز تذکر داده شد، قاعده وصلب موضوع دعوی را تشکیل می‌دهد، وبدون وسایل اصلاً دعوی وجود نداشته و مدعی ومدعی علیه نمیتوانند، حق خود را ثابت نمایند.

قابل یاد آور است که وسایل اثبات در حل منازعات تجارتي علاوه بر اقرار، بینه، یمین ونکول، بیشتر از وسایل اثبات در منازعات مدنی پیش بینی شده است.

در قانون اصول محاکمات تجارتي پیش بینی شده است که اشخاص میتواند در قرارداد های خویش برای حل منازعات پیش آمده خود حکمیت را انتخاب نمایند، یعنی در صورتیکه طرفین قرارداد، در قرارداد خود مراجعه به حکمیت را تعیین نموده باشند میتوانند در زمان حدوث اختلاف میان شان به حکمیت مراجعه نمایند . ماده ۲۰۹ اصول محاکمات تجارتي چنین بیان میدارد « طرفین میتوانند در اصل قرار داد عقد ویابموجب قرارداد جداگانه متعهد شوند که در حال حدوث اختلاف بین آنها به حکمیت مراجعه کنند»^(۲۲۴)

مفهوم ماده مذکور اینست که هرگاه طرفین به حکمیت موافقه نمودند، مکلف تا طبق قانون حکمیت عمل کرده ومنازعات خویش را حل وفصل نمایند.

تفاوت دیگری که در حل منازعات تجارتي دیده میشود که در حل منازعات مدنی وجود ندارد، میانجیگریست، در صورتیکه برای حل منازعه میانجیگری موافقه صورت گرفته باشد، طرفین مکلف اند تا طبق آن عمل نمایند، ماده پنجم قانون میانجیگری چنین بیان میدارد « احکام این قانون بالای تمام طرفین منازعه قابل تطبیق بوده، مگر اینکه موافقه طبق حکم مندرج ماده چهارم این قانون صورت گرفته باشد.»^(۲۲۵) ماده مذکور بیان میدارد که اگر طرفین به میانجیگری موافقه نمایند، مکلفیت دارند، تا طبق توافق خویش حل منازعه خود را از طریق میانجیگری حل وفصل نمایند، این امتیازات برای دعاوی تجارتي از جمله امتیازاتی است که در اصل از شرکتهای ومعاملات تجارتي نشأت نموده است، وقانون این امتیازات را در حقیقت برای تاجر وشرکتهای تجارتي پیش نموده، تا از یک طرف تاجر حمایت کرده واز طرف دیگر تاجر وسرمایه گزاری را تشویق نماید.

تفاوت وسایل اثبات در دعوی مدنی درین است که تمام اصول، قواعد ومقررات و قوانین مدنی در حالات حدوث اختلاف قابل تطبیق میباشد، در حالیکه در دعوی تجارتي هیچ کدام از موارد فوق بکار گرفته نمیشود، بلکه اصول، وقواعد وقوانین وحکمیت یا مصالحه تجارتي وهم چنان مقاولات تجارتي برای حل اختلافات میان اشخاص تاجر قابل تطبیق میباشد.

^{۲۲۴} همان منبع، ماده ۲۰۹

^{۲۲۵} وزارت عدلیه، قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتي، ماده ۵، سال ۱۳۸۵

تفاوتی که درینجا قبل ذکر است اینست که دروسایل اثبات تجارتی درمرحله اول مقاولات تجارتی قراردارند، البته مقاولاتیکه مطابق قوانین کشور بوده ومخالف آن نباشند. درصورتیکه بوسیله مقاولات قضایا حل وفصل نشوند محکمه متیواند بعد از آن وسایل دیگر استفاده نماید. ماده ۶۲۴ اصولنامه تجارت چنین بیان میدارد« محکمه با استناد به اسناد ومقاولات تجارتی برثبوت عقد، حکم صادر مینماید ودرصورتیکه حکم دیگری دراین قانون موجود نباشد، ازشهادت شهود، قراین وامارات استفاده میتواند. اندازه مدعی به درین قاعده نزد محکمه فرقی نمیکند.»(۲۲۶)

درین ماده بصراحت دیده میشود که حق اولویت را به مقاولات تجارتی داده ودرصورت عدم موجودیت دلیل درقدم دوم به موارد دیگر راجع میسازد.

۵- : محاکم جداگانه

تفاوت های که درین بحث میتوان روی آن تاکید نمود، عبارت از تفاوت دیوانهای مدنی وتجارتی است که بشکل جداگانه فعالیت داشته و موضوعات مدنی دردیوان های مدنی وموضوعات تجارتی دردیوان های تجارتی محاکم حل وفصل میگردد، هر دیوان بشکل جداگانه تابع قوانین ومقررات جداگانه خود بوده طرز رسیدگی دعوی مدنی وتجارتی درقوانین جداگانه مذکور تفصیلا بحث گردیده است(۲۲۷).

یکی از تفاوت ها درمحاکم مدنی وتجارتی صلاحیت های حوزه وی میباشد، یعنی محاکم درمحدوده قلمروجغرافیایی خود به سطح ولایت، ولسوالی وحوزه های شهری به موضوعات مربوطه شان رسیدگی مینمایند.

اگرچه موضوعات همه مدنی ویا تجارتی باشد ولی بخاطر نظم، دسپلین وجلوگیری از هرج ومرج در رسیدگی به دعاوی محاکم باید طبق صلاحیت های حوزوی خویش به موضوعاتی که مربوط حوزه صلاحیت شان میگردد، رسیدگی کنند و خارج از آن نمیتوانند به موضوعاتی که در حوزه شان نیست رسیدگی نمایند.(۲۲۸)

تفاوت دیگر تفاوت صلاحیت های موضوعی در محاکم میباشد. صلاحیت موضوعی عبارت اند از صلاحیت های اند که نسبت به موضوع مشخص که درمحکمه تشکیل گردیده است قضایای همان موضوع را رسیدگی محاکماتی قرار میدهد.

بصورت عموم طبق تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، صلاحیت ها به دو دسته تقسیم گردیده

اند:

^{۲۲۶} وزارت عدلیه، اصولنامه تجارت، ماده ۶۲۴

^{۲۲۷} همان منبع، ص ۲۹

^{۲۲۸} همان منبع، ص ۳۰ بیشتر بخوانید

اول صلاحیت های جزایی

ازینکه صلاحیت های جزایی مربوط موضوع هذا نبوده تنها صلاحیت های حقوقی را مورد بررسی قرار میدهم.

دوم صلاحیت های حقوقی

چونکه صلاحیت های جزایی موضوع بحث ما نبوده، بناء صلاحیت های حقوقی را مورد بحث و بررسی قرار میدهم:

محاكم حقوقی: محاكم حقوقی عبارت از محاكمی است که قضایای حقوقی اعم از مدنی، حقوق عامه و تجارتی را رسیدگی مینماید^(۲۲۹)

تمام محاكم که فوقا اشاره شد از نظر موضوعات مشخص تشکیل گردیده اند و صلاحیت رسیدگی به قضایای مخصوص خویش را دارند. دراین مورد هم هرگاه یک محکمه موضوع محکمه دیگر را از نظر صلاحیت موضوعی رسیدگی و فیصله نماید، چنین فیصله باطل میباشد. مثلا موضوعات مدنی که شامل ازدواج و حقوق ناشی از آن یا حقوق ناشی از معاشرت زوجیت، یا دعوی نسب و غیره را دیوان تجارتی رسیدگی نماید، این رسیدگی باطل بحساب و دیوان مدنی دوباره آنرا رسیدگی خواهد نمود، البته در صورت عدم موجودیت محکمه ابتدئیه تجارتی محکمه مدنی یا دیوان مدنی محکمه ابتدئیه بنا بر ضرورت میتواند که به موضوع تجارتی رسیدگی کند ولی به هیچ صورت محکمه تجارتی نمیتواند به موضوع مدنی رسیدگی نماید.

در مرکز هر ولایت محکمه ابتدئیه تجارتی عند الضرورت ایجاد میگردد، در ولایتی که محکمه ابتدئیه تجارتی موجود نباشد رسیدگی قضایای تجارتی از صلاحیت دیوان مدنی محکمه ابتدئیه شهری میباشد^{۲۳۰}.

در قوانین محاكم افغانستان پیش بینی شده، در صورتیکه محکمه ای بدون صلاحیت موضوعی را رسیدگی نماید، رسیدگی آن باطل و موضوع دوباره جهت رسیدگی به محکمه مربوطه ارجاع میشود، درینجا میبینیم که محاكم در رسیدگی موضوعات تجارتی و مدنی بشکل جداگانه عمل کرده و حتی در صورت رسیدگی خلاف صلاحیت موضوعی رسیدگی باطل میگردد.

البته قابل یاد آوریست که قضایای محاكم چه مدنی و یا تجارتی قضایا را بشکل ابتدائی در محکمه ابتدئیه، بعدا در استیناف و بعد از آن در دیوان های تمیز بشکل جداگانه رسیدگی مینمایند.

^{۲۲۹} همان منبع، ص ۳۱

^{۲۳۰} همان منبع ص ۳۸

این را نباید از یاد برد که قواعد شکلی تمام دعاوی حقوقی به استثناء دعاوی تجارتي اعم از دعاوی (مدنی حقوق عامه واحوال شخصیه) توسط اصول محاکمات مدنی مورد بررسی قرار میگیرد. ولی دعاوی تجاری توسط قانون اصول محاکمات تجارتي بررسی میگردد.^{۲۳۱}

صلاحیت های تفویضی: استثناء دیگر صلاحیت تفویضی است که خلاف صلاحیت موضوعی و حوزوی از طرف ستره محکمه یا قانون برای یک محکمه در نظر گرفته میشود، مثلا هرگاه یکی از دیوانهای ستره محکمه فیصله دیوان محکمه استیناف را نقض به عین دیوان ذیصلاح قضیه ارجاع نیمگردد، قانون در مورد حکم مینماید تا قضیه به یکی از محاکم مماثل یا ولایت همجوار غرض رسیدگی ارسال گردد. در اینصورت صلاحیت از محکمه ذیصلاح به یک محکمه دیگر به حکم قانون تفویض میگردد.^{۲۳۲}

۶- : از لحاظ حل و فصل اختلافات (حکمت، میانجیگری)

مقدمه: حل منازعات اختلافات ناشی از معاملات مالی در افغانستان، به دوشکل قابل حل میباشد، افغانستان کشوریست که جامعه آن سنتی و به عرف عادات و تقالید خود پابند میباشد، درخیلی از مسایل حتی مسایل بزرگ حاضر به دعوی و رسیدگی رسمی نمیشوند و زیاد دوست ندارند، که کارهای شان رسمی حل شود، شاید دلایل زیادی درین مورد وجود داشته باشد، مثلا فساد در ادارات دولتی، عدم اعتماد میان دولت و ملت و سایر عوامل، بهر صورت اختلافات بصورت عمومی عبارت از اختلافات مدنی و اختلافات تجارتي میباشد.

در مورد حل اختلافات مدنی تا هنوز کدام قواعد و مقررات رسمی و یا قانونی تدوین نگردیده است، مردم اختلافات شان را یا از راه محاکم مدنی حل و فصل مینمایند، و یا هم برای حل و فصل اختلافات خود به جرگه های قومی که توسط مردم تشکیل گردیده است، مراجعه مینمایند، علمای دین، محاسن سفیدان، بزرگان قومی به اساس قواعد بومی و عام اختلافات مردم را حل و فصل مینمایند.

الف- : حل منازعات معاملات مدنی

در قضایا مدنی منازعات بشکل عام و محلی بوسیله مجالسی بنام جرگه که سابقه تقریبا طولانی دارد حل و فصل مینماید. جرگه ها معمولا کدام قواعد و مقرراتی رسمی که بوسیله نهادهای رسمی تنظیم شده باشند، و یا هم خود کدام سیستم منظم و قانونی نداشته فقط بشکل عام

^{۲۳۱} وزارت عدلیه، قانون تشکیل و صلاحیت های قوه قضائیه، ماده ۳۱، مسلسل ۱۱۰۹، ۱۳۹۲
^{۲۳۲} همان منبع، ص ۴۰

تعدادی بعنوان بزرگان قوم، علمای دین و اهل خبره دور هم جمع شده و قضیه را حل و فصل مینمایند عموماً درین جرگه ها افراد مسلکی نمیباشند، جرگه ها طبیعتاً مزایا و معایب خود را دارند؛ که در ذیل به آنها اشاره خواهیم نمود.

ارزش شوراهای سنتی بعنوان میکانیزم حل منازعات در تعدادی از نشست هایی که از سوی آی دلبلیو پی آر در سراسر افغانستان برگزار گردید، خلاصه آن چنین است:

اکثریت اشتراک کنندگان مناظره هایی که در ولایات قندهار، ننگرهار و لوگر برگزار شده بود به این باور بودند که شورای بزرگان محلی که بنام جرگه نیز یاد می شود، روش موثر و از نظر فرهنگی مناسب حل منازعات محلی می باشد. اما تعدادی با شور و هیجان استدلال می کردند که این سیستم راه منصفانه ای برای حل مشکلات نمی باشد. ساکنان قندهار گفتند که مردم عادی هنوز برای حل منازعات شان بجای پروسه های رسمی قضایی به جرگه ها مراجعه می کنند و اکثرشان از نتایج این جرگه ها راضی اند^(۲۳۳)

حاجی ملا عبدالباری، رییس شورای ولسوالی ارغنداب به اشتراک کنندگان گفت که این رویکرد حل منازعات در سنت اسلامی نیز مورد تایید قرار گرفته است. اما کسانی که در جرگه ها اشتراک می کنند باید پاک نفس بوده و از شریعت به خوبی آگاه باشند. در آن صورت دو طرف منازعه فیصله ای را که در نتیجه اجماع بدست می آید، قبول خواهند کرد^(۲۳۴).

نکته ای قابل یاد آوری اینست که از لحاظ شرعی آیا این جرگه ها و فیصله های شان قابل قبول هست و یا خیر مسله ایست قابل بحث، اما بیاد باید داشته باشیم که در شریعت اسلامی در فیصله ها اصل، عدالت است، اینکه در جرگه های یاد شده عدالت در نظر گرفته میشود؟ گفته میشود که اکثراً درین جرگه ها بر اساس عدالت فیصله ها صورت نمیگیرد، اگرچه گاهی این نوع فیصله ها عمدی و گاهی بدون عمد صورت میگیرد.

عبدالباری گفت: "در ارغنداب میان دو خانواده برای ۲۰ سال بر سر زمین منازعه جریان داشت. هردو طرف به این خاطر متحمل تلفات شده بودند. وقتی آنها مساله را به علما و بزرگان قومی ارجاع کردند، یک جرگه برگزار شد. ما تصمیمی گرفتیم که هردو طرف به آن راضی گردیدند. هردو خانواده حالا آرام و آسوده روی زمین های شان زندگی می کنند.^(۲۳۵)

در مورد حکمیت مدنی یا جرگه در افغانستان باید خاطر نشان کرد که حکمیت های مذکور از لحاظ قانونی کدام اعتباری ندارند، زیرا بر اساس قواعد و قانون بنا نیافته اند، ضمن اینکه

^{۲۳۳} www.IWPRpublishing.com

^{۲۳۴} www.IWPRpublishing.com / www.da.azadiradio.com

^{۲۳۵} www.IWPRpublishing.com

بعضی از فواید را دارا اند، بعضی اوقات مشکلات بسیار جدی را نیز در خود دارند، یکی از مشکلاتی که میشود آنرا جدی گرفت اینست که تقریباً بسیار اوقات بر اساس بی عدالتی بالای یک طرف فیصله صورت میگیرد.

ضمن اینکه بی عدالتی صورت میگیرد، هیچ کس حق نقض فیصله ای مذکور را بعد از فیصله ندارد، درحالیکه از لحاظ قانونی یکی از اصول میانجیگری ها اینست که فیصله و میانجیگری بالای اطراف معامله تحمیل شده نمیتواند. این نکته واقعا مشکلاتی زیادی را برای مردم خلق نموده است، در صورتیکه طرف معامله به جرگه تن ندهد مشکلی دیگری بزرگتر از آن برای شخص مذکور بوجود میآید، همه مردم از او دوری میکنند، زیرا او به جرگه تن نداده است و آنرا قبول نکرده است، درین مورد اکثر مردم به این نوع جرگه ها راضی نیستند، اما تاثیر اجتماعی همه را مجبور به اطاعت نموده است، بناء طرف معامله خصوصا کسانی که قوت و زور ندارند، معمولاً تحت ظلم طرف مقابل قرار میگیرد و هیچ چاره ای جز تسلیمی ندارند.

نکته دیگر درین مورد اینست که در افغانستان جرگه در میان اقوام نیز متفاوت است، اقوام پشتون در مجموع وابستگی بیشتری نسبت به اقوام دیگر به جرگه های مذکور دارند، هر چند اقوام تاجک و هزاره و اوزبیک نیز از طریق این جرگه ها اختلافات خود را حل میکنند، ولی تمایل بیشتری به حل رسیدگی قانونی از طریق محکمه درین مردم بیشتر است.

در بیست سال پسین تمایل اکثر مردم از همه اقوام در رسیدگی اختلافات شان خصوصا اختلافات مدنی به محاکم زیاد شده است، باوصف فساد گسترده ای که در محاکم عنوان میشود ولی باز هم تمام مردم نسبت به جرگه ها به رسیدگی رسمی از طریق دولت بیشتر خوش به نظر میرسند و این خوش بینی در حال گسترش است، زیرا فیصله های ظالمانه ای که اشاره شد باعث گردیده است تا مردم به این جرگه بی باور شده و راهی محاکم گردند، قسمیکه دیده میشود طی چند سال دیگر در صورتیکه وضع محاکم در رابطه به رسیدگی محاکم بهتر گردد، شاید هیچ کس حاضر به فیصله های جرگه نگردد.^{۲۳۶}

ب-: حل منازعات تجارتي

منازعات تجارتي ذریعه دو وسیله حل و فصل میگردد. یکی راه حل قضایی که مربوط به محکمه میشود و دوم راه حل غیر قضایی از راه تفاهم و یا اشخاصی که از اطراف اطراف قضیه انتخاب میشوند حل و فصل میگردد.

محاکم تجارتي خاصی بخاطر بررسی منازعات و دعوی های تجارتي در هر کشور تأسیس یافته که به صفت یگانه ارگان قضایی به اساس نظام قضایی هر کشور صورت میگیرد. مثلاً

^{۲۳۶} www.tolonews.com / www.IWPRpublishing.com / www.da.azadiradio.com بیشتر بخوانید

در افغانستان در قانون تنظیم و تشکیل محاکم تجارتي را در مواد ۳۰۴ الی ۳۰۹ مربوط فصل اول باب ششم، قانون اصول محاکمات تجارتي مورد بررسی قرار داده است. از دیدگاه قانون اصول محاکمات تجارتي، دعاوی تجارتي مربوط به محاکم ابتدائیه تجارتي میباشد. این محاکم از یک رئیس و دو عضو که همه از جمله قضات میباشند، متشکل میباشد و قضایای تجارتي را حل و فصل مینمایند.^{۲۳۷}

۱- اهمیت حکمیت

اختلاف زاینده زندگی جمعی است؛ یعنی ممکن نیست که زندگی جمعی وجود داشته باشد و در آن اختلافی بین اعضا به وجود نیاید؛ چرا که انسانها در ارتباط با یکدیگر هستند که منافع نیز در آن نهفته است. در اثر این ارتباطات تعارض منافع نیز پیش می آید. جوامع اولیه انسانی، سعی کردند با شیوه‌های ساده‌ای که بین خود ایجاد نمودند، اختلافات بوجود آمده را از آن طریق برطرف نمایند. بسته به این که جامعه انسانی در کدام نقطه جغرافیایی واقع است و چه نوع دیدگاهی در بین آنها حاکم است، شیوه‌های گوناگونی نیز به نسبت پراکندگی بین آنها شکل گرفته است، مانند اینکه «سازش» به عنوان یک شیوه حل و فصل اختلافات، سابقه بیشتری در مناطقی مانند خاور دور داشته و دارد. اما از هنگامی که این جوامع پراکنده با یکدیگر ارتباط برقرار نمودند، با سیستم‌های حل و فصل یکدیگر نیز آشنا شدند.^{۲۳۸}

یکی از شیوه‌هایی که از قدمت بسیار برخوردار است، «حکمیت» است که در اکثر نقاط جهان از گذشته‌های دور حتی از دوران اولین تمدن‌ها با نام‌های متفاوت حتی پیش از پیدایش حکومت و قانون وجود داشته که به عنوان روش از بین بردن کشمکش‌ها جا افتاده بوده است.

این شیوه بعدها در جوامع مختلف بر اثر تشکیل نهادهای قضایی کمتر مورد توجه قرار گرفت. اما به زودی معایب رسیدگی قضایی ظاهر گردید و بار دیگر توجه‌ها منعطف به حکمیت به دلیل مزایای موجود در آن گشت. هم‌چنین از آنجایی که اختلافات ناشی از روابط افراد در سطح داخلی و فراملی اکثراً در بُعد مالی و تجارتي صورت می‌گرفت، نیاز به یک نهادی که بتواند اختلافات را بین اتباع مختلف حل و فصل نماید، بیشتر احساس می‌گردید.

به هر حال، سرانجام در قرن بیستم این نهاد به عنوان شیوه‌ای مناسب برای حل و فصل اختلافات تجارتي مورد توجه گرفت و نظامند گردید، نه تنها در سطح داخلی کشورها، بلکه در سطح بین‌المللی نیز قوانین مختلفی در این جهت تدوین شده و براساس بعضی از آنها

^{۲۳۷} وزارت عدلیه، قانون اصول محاکمات مدنی، ماده‌های ۳۰۴-۳۰۹.

^{۲۳۸} همان منبع، حقوق تجارتي، ص ۳۱۶

سازمان‌های توانمندی در این زمینه شکل گرفته اند تا آن جایی که در هر گوشه ای از این جهان، اهمیت حکمیت را مورد شناسایی قرار داده‌اند.^{۲۳۹}

افغانستان نیز همانند سایر کشورها سعی کرده است از حکمیت تجارتي بهره مند شود و به این منظور از سال ۱۳۱۰ با اقدام سکتور خصوصی به منظور انسجام فعالیت های تجارتي خود و دفاع از حقوق خود در دعاوی تجارتي، اقدام به ایجاد مجمعی در خصوص حکمیت تجارتي کرده است که سپس تبدیل به اتاق تجارتي شده و تا امروز ادامه دارد.

در حوزه قانونی نیز دولت تلاش کرده است تا برای حل و فصل اختلافات، خصوصاً فعالیت‌های اقتصادی و تجارتي به وضع قوانین و مقررات بپردازد.

با آن که به صورت عملی، سکتور تجارتي با منازعات تجارتي و حکمیت مرتبط بوده اند، اما برای اولین بار قانون گذار افغانستان در سال ۱۳۴۳ به موضوع حکمیت در «قانون اصول محاکمات تجارتي» پرداخت. بعدها در سال ۱۳۷۴ دولت وقت قانون مستقل «حکمیت تجارتي» را منتشر نمود.

دولت افغانستان بعد از تحولات صورت گرفته در کشور، در سال ۱۳۸۵ برای حمایت و تشویق به تجارت و فعالیت‌های اقتصادی و حل و فصل سریع، عادلانه و بی طرفانه اختلافات ناشی از آن قانون حکمیت تجارتي را که متأثر از «قانون نمونه حکمیت کمیسیون تجارت بین‌الملل (Ancestral) سازمان ملل متحد است را به فرمان رئیس جمهور تنفیذ نمود. به این ترتیب شاید بتوان گفت منبع اصلی قانون حکمیت تجارتي افغانستان همان «قانون حکمیت نمونه «Ancestral» راجع به حکمیت تجارتي بین المللی است.

خلاصه اینکه، از ابتدای تبدیل شدن حکمیت به عنوان یک شیوه مناسب و متداول برای حل و فصل اختلافات تا کنون، این شیوه در عرصه بین‌المللی از تحولات چشمگیری برخوردار بوده است به نحوی که تا کنون سازمان‌های مختلفی برای ارائه خدمات حکمیت تأسیس شده اند که هر یک به حل منازعات تجارتي از طریق حکمیت می‌پردازند.^{۲۴۰}

در افغانستان نیز «مرکز حل منازعات تجارتي افغانستان» ایجاد شده است که به حل و فصل منازعات تجارتي می‌پردازد و فعلاً منازعات تجارتي را از طریق حکمیت و میا نجیگری حل و فصل می‌کند.^(۲۴۱)

۲- حل و فصل منازعات ذریعه انتخاب حکم

^{۲۳۹} حقوق تجارت، ص ۳۱۷. بیشتر بخوانید

^{۲۴۰} وزارت عدلیه، قانون

^{۲۴۱} www.acdr.afghanistan

به اساس این روند اطراف قضیه هنگام بروز مشکلات به جای این که به قضاات و محاکم مراجعه نمایند، با توافق هم، یک و یا چند شخص را منحیث حکم انتخاب کرده، صلاحیت حل و فصل مشکلات خویش را، به آنها واگذار مینمایند. این روند بنام تحکیم یاد میشود.

احیانا عقد کنندگان، این شیوه حل مشکلات را، در متن عقد، می‌گنجانند. به این معنی که در عقد مینویسند « در صورت بروز مشکلات حل آنرا از طریق انتخاب حکم و فیصله وی می‌جوییم» در چنین یک حالت، هر مشکلی که پدید میاید ذریعه تحکیم حل و فصل می‌گردد.^(۲۴۲)

شرطی که در عقد گنجانیده شده بنام شرط تحکیم یاد می‌گردد. احیانا اگر عقد کنندگان چنین شرطی را در قرار داد درج نکند؛ ولی بعد از بروز مشکل، تفاهم خاصی را بین هم در این خصوص به امضا برسانند، و متعهد به این شوند که منازعه شان را از طریق انتخاب حکم و فیصله او حل نمایند، این تفاهم را که بعد از وقوع منازعه انجام یافته بنام وثیقه تحکیم یاد میکنند. شرط تحکیم عموماً در متن عقد درج می‌باشد، و گاه گاهی ضمن عقد جداگانه قبل از حدوث منازعات به آن تعهد صورت می‌گیرد. بناء عنصری که بین شرط تحکیم و وثیقه تحکیم تمیز ایجاد میکند، نوشتن در عقد اصلی و یا عدم نوشتن در آن باشد.

شرط تحکیم آنست که قبل از وقوع منازعات بدان تعهد صورت گرفته باشد، اما وثیقه تحکیم آنست که بعد از وقوع منازعات طرفین روی آن توافق مینمایند.^(۲۴۳)

شرط تحکیم هر چند در متن عقد ذکر باشد، با زهم منحیث عنصر مستقل در نظر گرفته شده و با بشکل مستقل تعامل صورت می‌گیرد.

حتی در صورت بطلان عقد این شرط نظر به استقلالیته که دارد، صحیح پنداشته شده و به اساس آن عمل صورت می‌گیرد؛ مگر اینکه سبب بطلان به شرط تحکیم نیز راجع باشد. مثلاً عقد توسط شخص ناقص الاهلیت، به امضا رسیده باشد، در چنین حالت عقد با شرط تحکیم هر دو باطل می‌باشند.

تحکیم با اشکال دیگر حل منازعات متفاوت می‌باشد، هنگامی که یک شخص از سوی اطراف قضیه جهت تعیین یک عنصری که تصرف قانونی آنها به ان احتیاج دارد، تعیین میشود، انرا تحکیم گفته نمیتوانیم، مثلاً در عقد خرید و فروش اگر طرفین شخصی سومی را جهت تعیین قیمت جنس انتخاب نمایند؛ این گونه تفاهم تحکیم گفته نمیشود.

ج- میانگیری

^{۲۴۲} وزارت عدلیه، قانون حکمیت تجارتي، ماده دوم، بند ۴، ۲۰۳.

^{۲۴۳} حقوق تجارت، ص ۳۱۷

میانجیگری (مصالحه): عبارت از عملیه لازم الاجرای است که به تاسی از آن میانجی به اساس درخواست و توافق طرفین، خدمات بیطرفانه را بمنظور حل و فصل سریع و عادلانه منازعات اقتصادی و تجارتي انجام میدهد.^{۲۴۴}

میانجی: عبارت از یک شخص حقیقی یا بیشتر از آنست که به اساس توافق طرفین، غرض حل و فصل منازعه مربوط تعیین میگردد.^{۲۴۵}

۱- **اهمیت میانجیگری:** میانجیگری یکی دیگر از طرق غیر قضایی حل منازعات تجارتي میباشد. هدف میانجیگری مانند حکمیت آن میباشد، تا زمینه تشویق طرفین دعوی را به حل و فصل سریع، عادلانه و بی طرفانه فراهم سازد.

قابل یاد اوربست که در حل منازعات تجارتي از طریق مصالحه یا میانجیگری، طرفین قضیه هم زمان دو توقع دارند، اول رسیدگی قضیه بشکل سریع و عاجل و دوم، درعین حال که سرعت را میخواهند، این را نیز انتظار دارند که حل و فصل بشکل سری و پوشیده انجام شود، تا اعتبار و اعتماد آنها میان معامله داران شان محفوظ باشد.^{۲۴۶}

۲- تفاوت میانجیگری و حکمیت:

برخلاف حکم حکم، در حکمیت که بعد از طی مراحل قانونی به ویژه قرار محکمه ذیصلاح، بالای طرفین منازعه الزامیت دارد، راه حل پیشنهاد شده منازعه توسط میانجی بالای طرفین بدون موافقت دو جانبه قابل تحمیل نیست.

قابل تذکر است که این فرق را میتوان در اصطلاحات به کار برده شده دریافت نمود.

در حکمیت صحت حکم حکم در میان است، که آیا حکم حکم درست یا با نادرست و باطل ولی در میانجیگری از راه حل پیشنهادی صحبت میشود.

از جانب دیگر میتوان گفت که میانجیگری دارای مسؤلیت پر باری است، زیرا اعتماد او استوار بر سعی و تلاش وی در جستجوی یک راه حل عادلانه و بی طرفانه میباشد، که بعدا مورد تأیید طرفین دعوی قرار میگیرد. البته در حکمیت نیز حکم مکلف به رعایت بیطرفی میباشد، ولی امکان دارد حکم وی استوار بر دلایل قانونی و حقوقی باشد؛ و برای یک جانب غیر عادلانه تصور گردد.^(۲۴۷)

^{۲۴۴} وزارت عدلیه، قانون میانجیگری و حکمیت تجارتي، ماده ۲ سال ۱۳۸۵

^{۲۴۵} همان منبع، ماده ۲

^{۲۴۶} قانون میانجیگری و حکمیت تجارتي، ماده ۲۰

^{۲۴۷} حقوق تجارتي، ص ۳۲۵ بیشتر بخوانید

نتیجه گیری

با پیشرفت در همه ابعاد زندگی بشر در بخشهای معاملاتی مدنی تجاری نیز پیشرفت های چشمگیری بوجود آمده است، که یعنی با پیشرفت و تغییرات درین زمینه بعد از قرن نهم دیگر تمام کارها در سطح ملی و بین المللی بشکل فرد نه بلکه بشکل عمومی بوسیله شرکتها انجام میگردد درین بخش سهولت های بسیار زیادی برای انسانها بوجود آمد.

بعد از قرن نهم با پیشرفت در ساحات مختلف شرکتها نیز توسعه یافتند. شرکتها از ابتداء مدنی و تجاری بوده پیشرفت شرکتهای تجاری نسبت به شرکتهای مدنی پیشرفت بیشتر داشته اند. اگرچه شرکتهای مدنی نیز پیشرفتهای خود را داشته اند.

در مورد تفاوت شرکتهای مدنی و تجاری باید بدانیم که این شرکتها تفاوتهای بسیارزیای دارند که فهمیدن آنها خالی از فایده نخواهد بود، تفاوت شرکتها از اهداف و مقاصد شروع شده، تفاوت اصل و ماهیت آنها، تفاوت این شرکتها در فقه و قانون افغانستان، تفاوت در مسولیت ها و امتیازات، در داشتن و نداشتن دفاتر تجاری عنوان اساسنامه، محاکم و قوانین همه تفاوتی واضح دارند. فهم این تفاوتها برای افراد مسلکی اشخاصی که تجارت دارند و افرادی که دعوی دارند بسیار مفید بوده و راه را برایشان آسان میسازد. بصورت خلاصه میتوانیم در مورد موضوع چنین نتیجه گیری نماییم:

۱- شرکتها در مجموع سهولت های زیادی را برای بشر بوجود آورده و کارها را بسیار زیاد آسان ساخته اند.

۲- بوسیله شرکتها میتوان به سود های بزرگی دست یافت، سودیکه بشکل انفرادی بسیار مشکل حتی ناممکن میباشد.

۳- شرکت ها در سطح ملی و بین المللی از اهمیت ویژه ای برخوردار اند.

۴- شرکتها در افغانستان دو نوع بوده که عبارت از شرکتهای مدنی و شرکتهای تجاری میباشد.

۵- شرکتهای مدنی شامل شرکتهای اند که امور غیر تجاری را پیش میبرند، و تابع قوانین مدنی میباشد.

۶- شرکتهای تجاری شامل شرکتهای اند که امور تجاری را پیش برده و تابع قوانین تجاری افغانستان میباشد.

۷- شرکتها در کاهش بیکاری رول بسیار مفید را در کشور ایفا میکند، هر شرکتها چی مدنی و چی هم تجاری صدها و هزار ها نفر را استخدام کرده و بیکاری کاهش میدهند.

۸-: شرکتها در رشد اقتصاد کشور رول اساسی داشته و منحیث عامل بزرگ برای اقتصاد کشور بحساب میاید.

۹-: موجودیت شرکتها باعث جلب سرمایه گذاری درکشور میگردد, زیرا وجود شرکتها باعث اعتبار درکشور شده و باعث میشود که سرمایه گذار خارجی و داخلی روی سرمایه گذاری فکر کند.

۱۰-: رشد اقتصاد باعث رفاه اجتماعی وامنیت عامه درکشورمیشود, چونکه نیاز اساسی درجامعه رفع میگردد.

پیشنهادات

تحقیق زمانی صورت میگیرد که خلای یا سوال در ساحه تحقیق وجود داشته باشد و محقق در جریان تحقیق عمدتاً به چالش های روبرو میگردد، یا هم بگونه که تمام جوانب تحقیق را در تحقیق خویش تحت پوشش قرار دهد قادر نخواهد بود و یا اینکه به نتایج دست خواهد یافت. در هر دو صورت مسلماً پیشنهادات برای رفع چالش ها و یا جهت تکمیل تحقیق و یا هم پیشنهاد مبنی بر نتایج حاصله از تحقیق خود خواهد داشت. این پیشنهادات را میتوان چنین خلاصه نمود:

۱- تفاوت شرکتهای مدنی و تجارتي در قوانین افغانستان بشکل نامنظم و بسیار محدود معرفی گردیده اند. یعنی لازم است که توجه بیشتری در زمینه صورت گیرد، زیرا در هر دو بخش پیشرفتهای زیادی صورت گرفته است.

۲- شرکتهای تجارتي در حدی در قوانین تجارتي معرفی گردیده و حد اقل برای هر یک از شرکتهای قانون جداگانه در نظر گرفته شده ولی در مورد شرکتهای مدنی توجه کمتری صورت گرفته تا هنوز هیچ قانون در مورد شرکتهای مدنی به تصویب نرسیده است. لازم که هم تحقیقات بیشتری در زمینه صورت گیرد و هم دولت توجه لازم را معطور بدارد.

۳- شرکت در فقه اسلامی به اشکال زمانه های قدیم معرفی گردیده است، خصوصاً در افغانستان ضرورت است، تا شرکتهای تجارتي نیز بر اساس فقه معاصر تعریف و جایگاه شان مطابق قوانین بین المللی تحقیق گردد، و تفاوت های که درین زمینه موجود است، را وضاح سازند، یعنی اختلافات را حل کرده و موقف فقه اسلامی در مورد تمام شرکتهای تجارتي ومدنی واضح گردد.

۴- در مورد شرکتهای مدنی لازم است، تحقیقات بیشتر صورت گیرد، و واضح گردد که شرکتهای مدنی در افغانستان کدام شرکتهای اند و چی مزا یای برای آنها در نظر گرفته شده است.

۵- لازم است در مورد شرکتهای مدنی و مفاهیم، قوانین توضیحات بیشتر صورت گیرد و بیشتر واضح گردد، یعنی مفاهیم مثل کلمه شرکت در قانون مدنی افغانستان زیاد توضیح داده نشده است، بناء لازم است تا در مجموع مفاهیم مدنی خصوصاً شرکتهای مدنی توضیحات بیشتر داده شود.

۶- ضرورت تحقیقات بیشتر روی قوانین تجارتي، احساس میشود، زیرا نبود توضیحات مفاهیم تجارتي و مقایسوی در فقه و قانون افغانستان خصوصاً بسیار کم است، بناء ضرورت است که درین راستا توجه تحقیقی زیادتری مبذول گردد.

۷- در خلال این تحقیق واضح گردید که محاکم در افغانستان تجارتي ومدنی هر دو فعالیت میکنند، اما در مورد اهمیت هر کدام منابع کافی وجود ندارد، پیشنهاد میگردد که درین راستا تحقیقاتی صورت گیرد تا برای سایر تحقیق کنندگان مشکلات حل گردیده و کاهش یابد.

شماره	فهرست آیات قرانكريم	سوره	صفحه
١	(وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ)	البقره	١٠
٢	ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ ۖ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ (٢٨)	الروم	١٧
٣	(وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ ۖ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ ۖ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ (١٩))	الكهف	١٧
٤	(فَابْتَغُوا أَحَدَكُمْ بَورِقِكُمْ هَٰذِهِ ۖ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا (١٩))	الكهف	٢٩
٥	(أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (٤١))	القلم	٢٥
٦	(يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ ۚ)	النساء	٣١
٧	(يا ايها الذين امنوا افوا بالعقود)	المائده	
٨	(وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ)	المائده	٢٨
٩	(وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ...)	انفال	٣٠

فهرست احاديث شريف

شماره	حديث	حكم حديث	صفحه
١	(اذا استكمل المولود خمس عشرة سنة كتب ماله وما عليه وما أخذت منه الحدود)	حديث ضعيف	٦١
٢	(عن أبي هريرة رفعه قال : إن الله يقول: أنا ثالث الشريكين ما لم يخن أحدهما صاحبه، فإن خانه خرجت من بينهما	سند آن ضعيف است بخاطر نفهمي پسر ابى حيان تميمي	٣٢
٣	" لا إيمان لمن لا أمانة له، ولا دين لمن لا عهد له)	حديث حسن	٥١
٤	(المُسْلِمُونَ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي الْمَاءِ وَالْكَالِ وَالنَّارِ)	سند آن ضعيف است بخاطر ضعف عبدالله بن خراش	٢٦
٥	(مَثَلُ الْقَائِمِ فِي حُدُودِ اللَّهِ وَالْوَاقِعِ فِيهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا)	حديث حسن	٣٢

شماره	فهرست اعلام	صفحه
۱	ابی داوود ابن ابی داوود	۶
۲	ابالمنهال	۳۳
۳	ابن رشد, ابن بطل, امام ثوری	۳۴
۴	ابو جعفر الطحاوی, ابو الحسن الکرخی	۳۵
۵	اسماعیل البخاری	۱۱
۶	احمد ابن احنبل	۵۱
۷	ابن بطل	۱۲
۸	ابی المنهال	۱۱
۹	الحطاب	۱۲
۱۰	حسن محمود	۱۰
۱۱	حاتم سعید	۶۲
۱۲	ابوالحسن الخمی	۱۰
۱۳	امام ثوری	

٨	الزحيلي	١٤
٣٣	سليمان بن ابي مسلم	١٥
١٢	شوافع	١٦
	علم ستانكزي	١٧
٦	علاالدين حصكفي	١٨
	امام مالك	١٩
٣٥	نصر الله ومحمد ناصح	٢٠

مراجع ومصادر

قرانكريم

كتابها

١. امين محمد, بن عا بدين رد المحتار على الدرالمختار, ج ٦, ١٤٢٣, دارالعالم الكتب, رياض.
٢. ابن قدامه, المقدسى, عبدالله بن محمد, (٦٢٠هـ) المغنى, على مختصر خرقى, ١/٥ مطبعه المنار سال ١٣٦٧هـ ش.
٣. افندى, على حيدر خواجه, امين (متوفى: ١٣٥٣ هـ) درر الاحكام شرح مجله الاحكام, انتشارات دار الجبل چاپ اول.
٤. امين, عبدالباقي, قانون گذارى, ص ٢١, مزكزتحقيقات قاصد, ١٣٩٧.
٥. بن عباد, اسماعيل, بن عباد, صاحب المحيط, فى اللغة, انتشارات عالم الكتب, بيروت, چاپ اول ١٤١٤.
٦. الجعفى, البخارى, اسماعيل محمد, الجامع الصحيح, طبع سوم, ابن كثيربيروت.
٧. الحصكفى, علاء الدين, محمد بن على بن محمد, الدرالمنقى, شرح الملتقى ١٣٢٧/٢, ٧٢٢, مطبعه دار سعادت.
٨. حنبل بن محمد بن احمد بن احمد, مسند امام احمد بن حنبل, (٢٤١ هـ) طبع چهارم, ١٣٧٣ دارالمعارف.
٩. الخياط, عبدالعزيز, فقه الشركاه, ص ٨٥, ١٤١٤, مؤسسه الرساله, طبع چهارم.
١٠. خرمدل, مصطفى, تفسير نور, احسان, تهران, ١٣٨٤.
١١. الزحيلى, وهبه, القواعد الفقيهه وتطبيقها فى المذاهب الاربعه, ج ١, ص ١٩٠, ١٤٢٧, دارالفكر دمشق.
١٢. سعيد حاتم, المعايير القانونيه, للتميز بين الشركاه التجاريه والمدنيه, مجله الباحث للعلوم القانونيه (٢٧-٤٩) كليه القانونيه, جامعه الفلوجه.
١٣. سجستانى بن الشعث, سليمان ابى داوود (٢٧٥ هـ) سنن ابى داوود, ١٤٢٠, دارالفكر-بيروت لبنان.
١٤. ستانكزى علم, ظريف محمد, اصول محاكمات مدنى, ص ٨١, طبع هشتم, ١٣٩٦.
١٥. ستانكزى وناصح, حقوق تجارت چاپ دوم كابل, (كابل: انتشارات سعيد, ١٣٩٥)
١٦. الكاسانى, الحنفى, مسعود بن ابى بكر, علاء الدين, البدائع والصنایع, كتاب الشركه, ص ٤٩٩.
١٧. الكنانى, محمد بن احمد, حجر, عسقلانى, تخلص الحبير, ١٤١٦ هـ طبع اول, مؤسسه قرطبه.

۱۸. موسی ، ابراهیم بن محمد، موسوعه الفقیه حدیثیه، ج ۶، ص ۱۴۴ و ۱۴۵، طبع دوم، مدار الوطن، الرياض.
۱۹. میرزایی، علی محمد، حقوق تجارت افغانستان، (شرکت های تجارتي)، ص ۳۷، مؤسسه نشر واره، ۱۳۸۵.
۲۰. نظام الدین، عبد الله، قواعد عمومی عقود، ص ۴۹، و ۵۰، کابل: انتشارات سعید، ۱۳۸۷
۲۱. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.
۲۲. وزارت عدلیه، جریده رسمی، اصولنامه تجارت، افغانستان، مصوب ۱۳۳۶.
۲۳. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون شرکتهای تضامنی، مصوب ۱۳۸۵.
۲۴. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون شرکتهای تعاونی، مصوب ۱۳۹۷.
۲۵. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون اصول محاکمات تجارتي، مصوب ۱۳۴.
۲۶. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون میانجیگری تجارتي، مصوب ۱۳۸۵.
۲۷. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون شرکتهای دولتی، مصوب ۱۳۹۷.
۲۸. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون ثبت علایم تجارتي، مصوب ۱۳۸۸.
۲۹. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون شرکتهای محدود المسولیت، مصوب ۱۳۸۵.
۳۰. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون شرکتهای سهامی، مصوب ۱۳۸۵.

سایت ها

www.acci.org.af

www.bbc.com/persian/afghanistan/_afghan_investors

www.imbenrashid.blogfa.com

www.acdr.afghanistan

www.IWPRpublishing.com

Summary of Research

The difference between civil and commercial companies means, that there are a lot of differences between civil and commercial companies, in other words, civil and commercial companies are not actually the same and have differences, especially since commercial companies have grown and developed a lot. It is very important to understand this issue from various considerations.

In this discussion, at the beginning of, companies in general from the point of view of jurisprudence and laws, then the types of companies in Islamic jurisprudence and the laws of the country are clarified, after that, the focus is on the essence of the subject (difference between civil and commercial companies) from the perspective of Islamic jurisprudence and domestic laws is placed. The major differences can be briefly mentioned as follows; The differences are mainly divided into two parts; First, the differences in form, which include organizational differences in coercion, in terms of responsibilities, handling claims, means of proof, separate courts, and differences in dispute resolution, which include commercial conciliation, arbitration, and mediation.

The second is substantive differences, which include differences in terms of goals, subject, title, offices, sales representatives, concessions, signs, which have been discussed in detail.

In this research, an effort has been made to realistically discuss all aspects of civil and commercial companies from the point of view of jurisprudence and domestic laws.

Key words: difference between companies, jurisprudence and law, civil, commercial.



**Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Jurisprudence & Law**



**Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs**

**Civil and Commercial Companies Defereces in
the light of Fiqh and Afghanistan's Law
A Master's thesis**

**Student: Wahidullah Amin
Supervisor: Dr. Najeebullah Saleeh**

Year: 2021



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

**Civil and Commercial Companies Defereces in
the light of Fiqh and Afghanistan's Law**
A Master's thesis

Student: Wahidullah Amin
Supervisor: Dr. Najeebullah Saleeh

Year: 2021